احکام عمومی بازار



الیاس صالحی

پژوهشکده امر به معروف و نهی از منکر



احکام عمومی بازار

نویسنده:

الیاس صالحی

ناشر چاپی:

معروف

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

احکام عمومی بازار ----- ۲۰

مشخصات کتاب ----- ۲۰

اشاره ----- ۲۱

فهرست مطالب ----- ۲۵

سخن پژوهشکده ----- ۵۱

مقدمه ----- ۵۷

بخش اول: کلیات کسب ----- ۵۹

معنای تجارت ----- ۵۹

فضیلت تجارت ----- ۶۰

تقسیم تجارت از جهت حکم شرعی ----- ۶۱

ارزش تلاش اقتصادی حلال در اسلام ----- ۶۱

اشاره ----- ۶۱

۱. زراعت ----- ۶۲

۲. تجارت ----- ۶۳

اشاره ----- ۶۳

تنبلی در کار ----- ۶۳

کم کاری و زیاده روی در کار ----- ۶۴

میانه روی در کسب و کار ----- ۶۴

اشتغال زیاد و غفلت از یاد خدا ----- ۶۵

سود تجارت ----- ۶۶

اشاره ----- ۶۶

حکم سود: ----- ۶۶

مسائل جانبی تجارت ----- ۶۷

سد معبر ----- ۶۷
اولویت استفاده از مکان عمومی ----- ۶۷
چند استفتا در مورد سد معبر ----- ۶۸
همسایه داری ----- ۶۹
احتکار ----- ۷۰
اشاره ----- ۷۰
حکم احتکار ----- ۷۱
مذمت احتکار کننده در روایات ----- ۷۱
احتکار در غلات چهار گانه ----- ۷۲
احتکار سایر احتیاجات مردم ----- ۷۲
بخش دوم: مستحبات و مکروهات کسب و تجارت ----- ۷۳
اشاره ----- ۷۳
مستحبات کسب و تجارت ----- ۷۳
زکات سرمایه تجارت ----- ۷۵
مکروهات کسب و تجارت ----- ۷۵
اخلاق و آداب تجارت ----- ۷۷
۱- قسم خوردن در معامله ----- ۷۷
۲- تعریف و تبلیغ در موقع فروش ----- ۷۸
۳.بدگویی از کالا در موقع خرید آن ----- ۷۸
۴- حقوق مشتری در اسلام ----- ۷۸
۵- راست گویی در تجارت ----- ۸۰
۶- خوش رویی در تجارت ----- ۸۱
۷- معامله با افراد نیکو کار ----- ۸۱
۸- گران فروشی و بی انصافی ----- ۸۲
اشاره ----- ۸۲
حکم و آثار گران فروشی ----- ۸۲

۹- کم فروشی ۸۴
اشاره ۸۴
مهم ترین عوامل بازدارنده کم فروشی ۸۶
۱۰- دقت هنگام خرید و فروش ۸۷
آسیب شناسی اخلاقی تجارت ۸۸
اشتغال زنان ۸۹
اشاره ۸۹
اشتغال در بیرون منزل ۹۰
جواز اشتغال زنان در بیرون از منزل ۹۰
اشاره ۹۰
۱. حق مالکیت زنان بر اموالشان ۹۰
۲. تشویق زنان و مردان به فعالیت اقتصادی ۹۰
۲.اشتغال بانوان و اجازه شوهر ۹۱
۳.خروج بی اجازه زن ازمنزل ۹۲
۴. اشتغال زن و شرط ضمن عقد ۹۲
۵. خروج از منزل برای کار واجب ۹۳
۶. تزاحم اشتغال با حقوق شوهر ۹۳
ضوابط شرعی اشتغال ۹۳
استفتائات در حدود کار زن در بیرون منزل ۹۴
اشاره ۹۴
منع مرد از اشتغال هسمرش ۹۵
تصرف زن در اموالش ۹۶
بخش سوم: آموختن احکام کسب و تجارت ۹۷
لزوم فراگیری احکام معامله قبل از تجارت ۹۷
معاملات حرام و باطل ۹۹
غش در معامله ۱۰۰

اشاره ----- ۱۰۰
حکم غش در معامله ----- ۱۰۱
فروختن جنس پاکی که نجس شده ----- ۱۰۱
قصد ندادن پول جنس ----- ۱۰۲
دادن پول جنس از پول حرام ----- ۱۰۲
خرید جنس دزدی و تهیه شده از قمار ----- ۱۰۳
معاملات مکروه ----- ۱۰۳
شرایط خریدار و فروشنده ----- ۱۰۴
اشاره ----- ۱۰۴
حکم معامله اجباری ----- ۱۰۴
معامله با بچه ها ----- ۱۰۵
تلف مال در معامله با بچه ----- ۱۰۶
فروش مال بچه توسط دیگران ----- ۱۰۶
فروش مال دیگری بدون اجازه (بیع فضولی) ----- ۱۰۶
شرایط جنس فروخته شده و عوض آن (عوض و معوّض) ----- ۱۰۷
تفاوت شهرها معاملات ----- ۱۰۷
حکم وزن کردن به جای پیمانه ----- ۱۰۸
معامله کالای وقفی ----- ۱۰۸
خرید و فروش ملک اجاره ای ----- ۱۰۸
دو تذکر ----- ۱۰۹
انواع معامله از جهت خواندن صیغه خرید و فروش ----- ۱۰۹
اشاره ----- ۱۰۹
۱. معامله با صیغه خرید و فروش (معامله عقدی) ----- ۱۰۹
۲. معامله بدون صیغه خرید و فروش (معامله معاطاتی) ----- ۱۱۰
معامله در قالب امضای اسناد ----- ۱۱۰
گرفتن و واگذار کردن (قبض و تسلیم) ----- ۱۱۰

احکام معامله نقد ----- ۱۱۱

وقت تحویل کالا و چگونگی آن ----- ۱۱۱

اشاره ----- ۱۱۱

احکام معامله نسیه ----- ۱۱۲

قیمت بیش تر در معامله نسیه ----- ۱۱۲

تعیین مدت در معامله نسیه ----- ۱۱۲

درخواست عوض در معامله نسیه ----- ۱۱۲

معلوم بودن قیمت کالا در معامله نسیه ----- ۱۱۳

گرفتن نقدی پول کمتر، پس از فروش نسیه ----- ۱۱۴

احکام معامله سلف (پیش فروش) ----- ۱۱۴

فروش طلا به طلا و نقره به نقره ----- ۱۱۴

اشاره ----- ۱۱۴

شرایط معامله سلف ----- ۱۱۵

اشاره ----- ۱۱۵

فروش جنس خریداری شده به سلف ----- ۱۱۶

قبول و تفاوت جنس مورد تحویل ----- ۱۱۶

نایاب شدن جنس در وقت تحویل ----- ۱۱۷

نسیه بودن جنس و عوض ----- ۱۱۷

اقسام معاملات ----- ۱۱۷

معامله مساومه ----- ۱۱۷

۲ معامله مرابحه ----- ۱۱۷

۳ معامله مواضعه ----- ۱۱۸

– معامله تولیه ----- ۱۱۸

اشاره ----- ۱۱۸

بازار سیاه ----- ۱۱۹

احکام برهم زدن معامله (خیار) ----- ۱۱۹

حکم گران خریدن و ارزان فروختن ----- ۱۲۱
احکام معامله شرطی ----- ۱۲۱
برهم زدن معامله توسط فروشنده ----- ۱۲۲
مواردی که حق برهم زدن معامله و گرفتن تفاوت قیمت وجود ندارد ----- ۱۲۲
مواردی که فقط می توان تفاوت قیمت را گرفت ----- ۱۲۳
خمس منفعت کسب ----- ۱۲۳
احکام خمس ----- ۱۲۴
موارد وجوب خمس ----- ۱۲۴
مخارج سال ----- ۱۲۴
سال خمسی ----- ۱۲۵
اشاره ----- ۱۲۵
اموالی که خمس ندارد ----- ۱۲۷
خمس، به واسطه قناعت ----- ۱۲۷
خمس اثاثیه غیر مورد احتیاج ----- ۱۲۷
کافر یا غیر معتقد به خمس ----- ۱۲۸
افزایش قیمت ----- ۱۲۸
خمس آذوقه اضافه بر مصرف سال ----- ۱۲۸
خمس جهیزیه ----- ۱۲۸
استفتا ----- ۱۲۹
خمس سرمایه و معدن ----- ۱۲۹
استفتا ----- ۱۲۹
مال حلال مخلوط به حرام ----- ۱۳۰
خمس جواهر غواصی ----- ۱۳۲
زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی خریداری کند ----- ۱۳۲
حکم اموال خمس نداده ----- ۱۳۳
حکم پول حرام ----- ۱۳۳

استفتا ----- ۱۳۴
مصرف خمس ----- ۱۳۵
شرایط سیدی که می توان به او خمس داد ----- ۱۳۵
استفتا ----- ۱۳۵
احکام شرکت ----- ۱۳۶
اشاره ----- ۱۳۶
چگونگی تحقق شرکت ----- ۱۳۶
شرکت باطل ----- ۱۳۷
جایی که شرکت صحیح نیست ----- ۱۳۷
شروط هنگام عقد شرکت ----- ۱۳۷
شرط نکردن منفعت بیش تر ----- ۱۳۸
شرط دخالت شرکا در معامله ----- ۱۳۸
حکم تعیین نکردن شخص برای معامله با سرمایه ----- ۱۳۹
وظیفه مسئول شرکت ----- ۱۳۹
ضامن بودن مدیر شرکت ----- ۱۴۰
ضامن نبودن شریک ----- ۱۴۰
قبول ادعای شریک در تلف سرمایه ----- ۱۴۰
تقسیم سرمایه شرکت ----- ۱۴۱
تصرف نکردن شرکا در مال شرکت ----- ۱۴۱
سود و ضرر ناشی از خرید شریک ----- ۱۴۱
معامله در صورت باطل بودن شرکت ----- ۱۴۲
احکام صلح ----- ۱۴۲
اشاره ----- ۱۴۲
قرارداد صلح ----- ۱۴۳
قبول صلح و بخشش دین ----- ۱۴۳
صلح با بدهکار با مقدار کم تر از طلبش ----- ۱۴۳

صلح طلبکار با ندانستن به مقدار ---------- ۱۴۳
صلح دو چیز از یک جنس ---------- ۱۴۴
به هم زدن صلح ---------- ۱۴۴
صلح به جنس معیوب ---------- ۱۴۴
شرط وقف در قرارداد صلح ---------- ۱۴۵
احکام اجاره ---------- ۱۴۵
اشاره ---------- ۱۴۵
موضوع اجاره ---------- ۱۴۵
وکالت در اجاره ---------- ۱۴۶
اجاره ولی و سرپرست ---------- ۱۴۶
قرارداد اجاره ---------- ۱۴۶
اجیر شدن بدون قرارداد ---------- ۱۴۷
اجاره کردن بچه بدون سرپرست ---------- ۱۴۷
اجاره دادن اجیر به دیگری ---------- ۱۴۷
اجاره دادن ملک اجاره ای ---------- ۱۴۸
اجاره دادن قسمتی از ملک اجاره ای ---------- ۱۴۸
اشاره ---------- ۱۴۸
شرایط جنس اجاره ای ---------- ۱۴۹
شرایط منافع ملک ---------- ۱۵۰
زمان بین قرارداد اجاره و شروع اجاره ---------- ۱۵۱
اجاره های باطل ---------- ۱۵۱
زمان پرداخت قیمت اجاره ---------- ۱۵۲
به هم زدن قرارداد اجاره ---------- ۱۵۲
فریب خوردن در قرارداد اجاره ---------- ۱۵۲
حکم ربا در اجاره ---------- ۱۵۳
فرار از ربا در رهن خانه ---------- ۱۵۳

احکام حواله ---------- ۱۵۴

شرایط حواله ---------- ۱۵۴

۱. انتقال بدهی از طلبکار به حواله شده ---------- ۱۵۴

۲. قبول شخصی که به او حواله شده ---------- ۱۵۴

۳. بدهکاری حواله دهنده ---------- ۱۵۵

۴. مشخص بودن مقدار و جنس حواله ---------- ۱۵۵

۵. معیّن بودن بدهی در واقع ---------- ۱۵۶

۶. اختیار طلبکار در قبول حواله ---------- ۱۵۶

۷. حواله به شخص غیر بدهکار ---------- ۱۵۶

۸. به هم زدن حواله ---------- ۱۵۶

۹. قرارداد حق به هم زدن حواله ---------- ۱۵۷

۱۰. دادن حق طلبکار به وسیله حواله دهنده ---------- ۱۵۷

احکام رهن ---------- ۱۵۸

قرار داد رهن ---------- ۱۵۸

شرایط مال رهنی ---------- ۱۵۸

اشاره ---------- ۱۵۸

منافع مال رهنی ---------- ۱۵۹

فروش مال رهنی توسط طلبکار ---------- ۱۵۹

حکم نپرداختن بدهی در زمان معین ---------- ۱۶۰

احکام غصب ---------- ۱۶۰

اشاره ---------- ۱۶۰

غصب اماکن عمومی ---------- ۱۶۱

غصب مال رهنی ---------- ۱۶۱

ثابت بودن رهن با غصب دیگری ---------- ۱۶۱

وظیفه غاصب ---------- ۱۶۲

منافع مال غصبی ---------- ۱۶۲

فروش مال غصبی ---- ۱۶۲

فروش مال غصبی به قصد تملک پول آن ---- ۱۶۳

غصب اموال بچه و دیوانه ---- ۱۶۳

حکم تلف مال غصبی قیمی و مثلی ---- ۱۶۳

رشد قیمت مال غصبی ---- ۱۶۴

حکم خرید و فروش بدون شرایط معامله ---- ۱۶۴

حکم مال تلف شده قبل از خرید ---- ۱۶۵

احکام ضمانت دین ---- ۱۶۵

فرق ضمانت شرعی و عرفی ---- ۱۶۵

شرایط ضمانت دین ---- ۱۶۶

اشاره ---- ۱۶۶

بخشیدن طلب به ضامن ---- ۱۶۶

انصراف ضامن ---- ۱۶۷

شرط به هم زدن ضمانت ---- ۱۶۷

فسخ ضمانت ---- ۱۶۷

ضمانت بدون اجازه بدهکار ---- ۱۶۸

مطالبه ضامن از بدهکار ---- ۱۶۸

احکام اقاله (پس گرفتن کالا) ---- ۱۶۹

اشاره ---- ۱۶۹

موارد جاری شدن اقاله ---- ۱۶۹

اقاله به کم تر یا بیش تر ---- ۱۶۹

اقاله بخشی از مال ---- ۱۷۰

احکام جعاله ---- ۱۷۰

فرق بین جعاله و اجاره ---- ۱۷۱

اقسام جعاله ---- ۱۷۱

شرایط کاری که جاعل معین می کند ---- ۱۷۱

احکام دین و قرض ----- ۱۷۳
حکم اشیای به جا مانده ----- ۱۷۹
احکام مزایده و مناقصه ----- ۱۸۱
تعریف مناقصه ----- ۱۸۲
استفتا ----- ۱۸۳
احکام ربا ----- ۱۸۴
حکمت تحریم ربا ----- ۱۸۷
فرق معامله با ربا ----- ۱۸۸
فرق ربا و مضاربه ----- ۱۹۰
اقسام ربا ----- ۱۹۰
ربا در معامله ----- ۱۹۱
شرایط ربا در معامله ----- ۱۹۱
مبادله جنس خوب و بد ----- ۱۹۲
ملاک جنس ربایی ----- ۱۹۲
مبادله جو و گندم ----- ۱۹۳
ملاک در وزن و پیمانه ----- ۱۹۳
ربا در قرض ----- ۱۹۳
حکم تصرّف در قرض ربوی ----- ۱۹۴
منفعت حاصل از قرض ربوی ----- ۱۹۴
خرید و فروش دو چیز همجنس، به صورت نسیه ----- ۱۹۴
استفتائات ربا ----- ۱۹۵
راه های فرار از ربا ----- ۱۹۶
احکام مضاربه ----- ۱۹۷
شرایط مضاربه ----- ۱۹۷
۱. مال و سرمایه ----- ۱۹۷
اشاره ----- ۱۹۷

معامله فضولی ----- ۱۹۸
۲. شرایط سود ----- ۱۹۸
اشاره ----- ۱۹۸
شرط و نحوه سود بردن ----- ۱۹۹
۳. شرایط طرفین مضاربه ----- ۱۹۹
۴. شرط عدم فسخ در ضمن عقد مضاربه یا عقد دیگر ----- ۱۹۹
۵. ضمان عامل و عدم آن ----- ۱۹۹
۶. فوت عامل یا مالک ----- ۲۰۱
۷. نوع تجارتی که باید صورت بگیرد ----- ۲۰۱
۸. مخلوط کردن سرمایه با مال دیگری ----- ۲۰۱
۹. معامله نسیه در مضاربه ----- ۲۰۱
۱۰. خرج سرمایه برای مصارف شخصی ----- ۲۰۲
۱۱. اختلاف مالک و عامل در مقدار سرمایه ----- ۲۰۲
۱۲. ادعای خسارت بر سود حاصل و اختلاف د راصل یا مقدار سود ----- ۲۰۳
۱۳. تلف سرمایه یا ورود ضرر و خسارت ----- ۲۰۳
۱۴. اختلاف در مقدار سهم عامل ----- ۲۰۳
۱۵. مضاربه با مال بچه ----- ۲۰۳
احکام چک و سفته ----- ۲۰۴
انواع سفته ----- ۲۰۴
اشاره ----- ۲۰۴
۱. سفته حقیقی ----- ۲۰۴
اشاره ----- ۲۰۴
حکم سفته حقیقی ----- ۲۰۴
۲.سفته دوستانه ----- ۲۰۵
اشاره ----- ۲۰۵
حکم سفته دوستانه ----- ۲۰۵

تعهد به مراعات قانون بانک ----- ۲۰۶
حکم دیرکرد ----- ۲۰۶
ارزش سفته ----- ۲۰۶
فروش چک مدت دار به نقد ----- ۲۰۷
فروش اسکناس نو ----- ۲۰۸
احکام محجورین ----- ۲۰۸
اشاره ----- ۲۰۸
۱. بچه نابالغ ----- ۲۰۸
اشاره ----- ۲۰۸
سرپرستی و تصرف در اموال کودک ----- ۲۰۹
۲. دیوانه و سفیه ----- ۲۰۹
۳. مفلس ----- ۲۱۰
وکالت ----- ۲۱۱
اشاره ----- ۲۱۱
احکام وکالت ----- ۲۱۱
شرایط وکیل ----- ۲۱۱
شرایط موکل ----- ۲۱۱
قرار داد وکالت ----- ۲۱۲
وکیل کردن شخصی در شهر دیگر ----- ۲۱۲
وکالت بر تمام کارها و برای کار غیر معین ----- ۲۱۲
برکنار کردن وکیل ----- ۲۱۳
کناره گیری وکیل ----- ۲۱۳
وکیل گرفتن وکیل ----- ۲۱۳
وکالت وکیل دوم به اجازه موکل ----- ۲۱۳
وکالت چند نفر برای یک کار ----- ۲۱۴
باطل شدن وکالت ----- ۲۱۴

پرداخت حق وکالت ---- ۲۱۵

تلف شدن مالی که در اختیار وکیل است ---- ۲۱۵

تصرف وکیل در غیر موارد مجاز ---- ۲۱۵

احکام سرقفلی ---- ۲۱۶

اشاره ---- ۲۱۶

ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت ---- ۲۱۶

حق اجاره دادن مستاجر به دیگری ---- ۲۱۶

شرایط سر قفلی ---- ۲۱۷

شرط در ضمن قرار داد اجاره ---- ۲۱۸

خمس سرقفلی ---- ۲۱۸

تبلیغات کالا و خدمات الکتریکی (احکام موسسات تبلیغاتی) ---- ۲۱۸

آشنایی با احکام معاملات اینترنتی ---- ۲۱۹

معامله گلدکوییست ---- ۲۱۹

اشاره ---- ۲۱۹

علت ممنوعیت و حرمت معامله گلدکوییست ---- ۲۱۹

معامله مارکتینگ ---- ۲۲۰

معامله فارکس ---- ۲۲۴

احکام بانکی ---- ۲۲۶

تسهیلات بانکی ---- ۲۲۶

حکم دیرکرد ---- ۲۲۷

حکم کاهش ارزش پول ---- ۲۲۷

حکم رضایت پرداخت سود ---- ۲۲۸

حکم گرفتن سود پول ---- ۲۲۹

حکم گرفتن کارمزد ---- ۲۲۹

حکم تبدیل قرض به طلا ---- ۲۳۰

حکم خرید و فروش ارز ---- ۲۳۰

حکم عیدی مشتریان ----- ۲۳۰
حکم جوایز بانکی ----- ۲۳۱
حکم آموزش کارهای تولیدی حرام ----- ۲۳۱
احکام دلالی و سمساری ----- ۲۳۲
حکم اجرت دلالی ----- ۲۳۲
حکم ضامن بودن دلال ----- ۲۳۳
حکم دلالی و واسطه گری در معاملات حرام ----- ۲۳۳
مسائل متفرقه خرید و فروش ----- ۲۳۴
فهرست منابع ----- ۲۳۷
منابع اینترنتی ----- ۲۴۱
درباره مرکز ----- ۲۴۲

احکام عمومی بازار

مشخصات کتاب

سرشناسه : صالحی، الیاس، ۱۳۵۸ -

عنوان و نام پدیدآور : احکام عمومی بازار/ الیاس صالحی.

مشخصات نشر : قم: نشر معروف، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری : ۲۰۸ ص..م س ۲۱×۱۴/۵ ؛

فروست : فقه و زندگی.

شابک : ۵۵۰۰۰ ریلب: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۱۲-۶۰-۷

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه : ص. ۲۰۴ - ۲۰۸ ؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع : کسب و کار -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع : Business -- Religious aspects -- Islam

موضوع : کسب و کار (فقه)

موضوع : *Business (Islamic law)

موضوع : فتوا های شیعه -- قرن ۱۴

موضوع : Fatwas, Shiites -- ۲۰th century

رده بندی کنگره : BP۱۹۸/۶ /ک۵ ص ۲ ۱۳۹۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۷۲

شماره کتابشناسی ملی : ۴۱۸۸۱۹۱

اشاره

فهرست مطالب

سخن پژوهشکده..۱۹

مقدمه..۲۵

بخش اول: کلیات کسب

معنای تجارت ۲۷

فضیلت تجارت ۲۸

تقسیم تجارت از جهت حکم شرعی ۲۹

ارزش تلاش اقتصادی حلال در اسلام ۲۹

۱.زراعت...۳۰

۲.تجارت...۳۱

تنبلی در کار. ۳۱

کم کاری و زیاده روی در کار...............................۳۲

میانه روی درکسب و کار....................................۳۲

اشتغال زیاد و غفلت از یاد خدا ۳۳

ص: ۵

سود تجارت.. ....۳۴

حکم سود...۳۴

مسائل جانبی تجارت.. ....۳۵

سد معبر. ۳۵

اولویت استفاده از مکان عمومی. ۳۵

چند استفتاء در مورد سد معبر. ۳۶

همسایه داری.. ....۳۷

احتکار. ۳۸

حکم احتکار. ۳۹

مذمت احتکار کننده در روایات.. ....۳۹

احتکار در غلات چهار گانه. ۴۰

احتکار سایر احتیاجات مردم ۴۰

بخش دوم:مستحبات و مکروهات کسب و تجارت..

مستحبات کسب و تجارت.................................۴۱

زکات سرمایه تجارت.. ....۴۳

مکروهات کسب و تجارت.. ....۴۳

اخلاق و آداب تجارت..۴۳

۱.قسم خوردن در معامله. ۴۵

۲.تعریف و تبلیغ در موقع فروش.. ....۴۶

۳.بدگویی از کالا در موقع خرید آن. ۴۶

۴.حقوق مشتری در اسلام ۴۶

۵.راست گویی در تجارت ۴۸

۶.خوش رویی در تجارت.. ....۴۹

۷.معامله با افراد نیکو کار. ۴۹

۸.گران فروشی و بی انصافی. ۵۰

حکم و آثار گرانفروشی. ۵۰

۹.کم فروشی. ۵۲

مهمترین عوامل بازدارنده کم فروشی. ۵۴

۱۰.دقت هنگام خرید و فروش.. ....۵۵

آسیب شناسی اخلاقی تجارت.. ....۵۶

اشتغال زنان. ۵۷

اشتغال دربیرون منزل...۵۸

جوازاشتغال زنان دربیرون ازمنزل............................۵۸

۱.حق مالکیت زنان دربیرون منزل ۵۸

۲.تشویق زنان و مردان به فعالیت اقتصادی.............۵۸

۲.اشتغال بانوان واجازه شوهر................................۵۹

۳.خروج بی اجازه زن از منزل ۶۰

۴.اشتغال زن وشرط ضمن عقد...............................۶۰

۵.خروج ازمنزل برای کارواجب................................۶۱

۶.تزاحم اشتغال باحقوق شوهر...............................۶۱

ضوابط شرعی اشتغال ۶۱

استفتائات درحدود کارزن دربیرون منزل..................۶۲

منع مرد ازاشتغال همسرش ۶۳

تصرف زن دراموالش..۶۴

بخش سوم: احکام کسب و تجارت

لزوم فراگیری احکام معامله قبل از تجارت.. ....۶۵

معاملات حرام و باطل. ۶۷

غش در معامله. ۶۸

حکم غش در معامله. ۶۹

فروختن جنس پاکی که نجس شده ۶۹

قصد ندادن پول جنس.. ....۷۰

دادن پول جنس از پول حرام ۷۰

خرید جنس دزدی و تهیه شده از قمار. ۷۱

معاملات مکروه ۷۱

شرایط خریدار و فروشنده ۷۲

حکم معامله اجباری.. ....۷۲

معامله با بچه ها ۷۳

تلف مال در معامله با بچه. ۷۴

فروش مال دیگری بدون اجازه (بیع فضولی) ۷۴

فروش مال بچه توسط دیگران ۷۴

شرایط جنس فروخته شده و عوض آن (عوض و معوض) ۷۵

تفاوت شهرها در معاملات...................................۷۵

حکم وزن کردن به جای پیمانه. ۷۶

معامله کالای وقفی. ۷۶

خرید و فروش ملک اجاره ای.. ....۷۶

انواع معامله از جهت خواندن قرارداد خرید و فروش.. ۷۷

۱. معامله با قرارداد خرید و فروش(معامله نقدی)......۷۷

۲. معامله بدون گفتن قرارداد خرید و فروش(معامله معاطاتی) ۷۸

معامله در قالب امضای اسناد ۷۸

گرفتن و واگذار کردن پول و کالا(قبض و تسلیم) ۷۸

احکام معامله نقد ۷۹

وقت تحویل کالا و چگونگی آن. ۷۹

احکام معامله نسیه. ۸۰

قیمت بیش تر در معامله نسیه. ۸۰

تعیین مدت در معامله نسیه. ۸۰

درخواست عوض در معامله نسیه. ۸۰

معلوم بودن قیمت کالا در معامله نسیه. ۸۱

گرفتن نقدی پول کم تر پس از فروش نسیه. ۸۲

احکام معامله سلف (پیش فروش) ۸۲

فروش طلا به طلا و نقره به نقره ۸۲

شرایط معامله سلف...۸۳

فروش جنس خریداری شده به سلف.. ....۸۴

قبول و تفاوت جنس مورد تحویل. ۸۴

نایاب شدن جنس در وقت تحویل. ۸۵

حکم نسیه بودن جنس و عوض... ....۸۵

اقسام معاملات...۸۵

معامله مساومه. ۸۵

معامله مرابحه. ۸۵

معامله مواضعه. ۸۶

معامله تولیه. ۸۶

بازار سیاه ۸۷

احکام برهم زدن معامله (خیار) ۸۷

حکم گران خریدن و ارزان فروختن. ۸۹

احکام معامله شرطی. ۸۹

برهم زدن معامله توسط فروشنده ۹۰

مواردی که حق برهم زدن معامله و گرفتن تفاوت قیمت وجود ندارد ۹۰

مواردی که فقط می توان تفاوت قیمت را گرفت.. ......۹۱

خمس منفعت کسب.. ....۹۱

احکام خمس.. ....۹۲

موارد وجوب خمس.. ....۹۲

مخارج سال. ۹۲

سال خمسی. ۹۳

اموالی که خمس ندارد ۹۴

خمس بواسطه قناعت ۹۴

خمس اثاثیه منزل غیر مورد احتیاج ۹۴

خمس جنس خریداری شده ازکافر یا غیر معتقد به خمس۹۵

افزایش قیمت.. ....۹۵

خمس آذوقه اضافه بر مصرف سال. ۹۵

خمس جهیزیه. ۹۵

استفتاء. ۹۶

خمس سرمایه و معدن. ۹۶

استفتاء. ۹۶

مال حلال مخلوط به حرام ۹۷

خمس جواهر غواصی. ۹۹

زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی خریداری کند ۹۹

حکم اموال خمس نداده ۱۰۰

حکم پول حرام ۱۰۰

استفتاء. ۱۰۱

مصرف خمس... ۱۰۲

شرایط سیدی که می توان به او خمس داد ۱۰۲

استفتاء. ۱۰۲

احکام شرکت.. .... ۱۰۳

چگونگی تحقق شرکت.. .... ۱۰۳

شرکت باطل. ۱۰۴

جایی که شرکت صحیح نیست........................۱۰۴

شرو ط هنگام عقد شرکت.. ....۱۰۴

حکم شرط کردن تمام یا بخشی از سود به نفع یک نفر. ۱۰۵

شرط نکردن منفعت بیش تر ۱۰۵

شرط دخالت شرکاء در معامله. ۱۰۵

حکم تعیین نکردن شخص برای معامله با سرمایه. ۱۰۶

وظیفه مسئول شرکت.. ....۱۰۶

ضامن بودن مدیر شرکت.. ....۱۰۷

ضامن نبودن شریک... ....۱۰۷

قبول ادعای شریک در تلف سرمایه. ۱۰۷

تقسیم سرمایه شرکت.. ....۱۰۸

تصرف نکردن شرکاء در مال شرکت.. ....۱۰۸

سود و ضرر ناشی از خرید شریک... ....۱۰۸

معامله در صورت باطل بودن شرکت.. ....۱۰۹

احکام صلح. ۱۰۹

قرارداد صلح. ۱۱۰

قبول صلح و بخشش دین. ۱۱۰

صلح با بدهکار به مقدارکم تر از طلبش. ۱۱۰

صلح طلبکار باندانستن به مقدار..........................۱۱۰

صلح دو چیز از یک جنس.. ....۱۱۱

به هم زدن صلح. ١١١

صلح به جنس معیوب.. ....١١١

شرط وقف در قرارداد صلح. ١١٢

احکام اجاره ١١٢

موضوع اجاره ١١٢

وکالت در اجاره ١١٣

اجاره ولی و سرپرست.. ....۱۱۳

قرارداد اجاره ۱۱۳

اجیر شدن بدون قرارداد ۱۱۴

اجاره کردن بچه بدون سرپرست.. ....۱۱۴

اجاره دادن اجیر به دیگری.. ....۱۱۴

اجاره دادن ملک اجاره ای.. ....۱۱۵

اجاره دادن قسمتی از ملک اجاره ای.. ....۱۱۵

شرایط جنس اجارهای.. ....۱۱۶

شرایط منافع ملک... ....۱۱۷

زمان بین قرارداد اجاره و شروع اجاره ۱۱۸

اجاره های باطل. ۱۱۸

زمان پرداخت قیمت اجاره ۱۱۹

به هم زدن قرارداد اجاره ۱۱۹

فریب خوردن در قرارداد اجاره ۱۱۹

حکم ربا در اجاره ۱۲۰

فرار از ربا در رهن خانه. ۱۲۰

احکام حواله ۱۲۱

شرایط حواله ۱۲۱

۱. انتقال بدهی از طلبکار به حواله شده ۱۲۱

۲.رضایت شخص که به او حواله شده ۱۲۱

۳. بدهکاری حواله دهنده ۱۲۲

۴. مشخص بودن مقدار و جنس حواله. ۱۲۲

۵.معین بودن بدهی در واقع. ۱۲۳

۶.اختیار طلبکار در قبول حواله. ۱۲۳

۷.حواله به شخص غیر بدهکار. ۱۲۳

۸.به هم زدن حواله. ۱۲۳

۹.قرارداد حق به هم زدن حواله. ۱۲۴

۱۰.دادن حق طلبکار بوسیله حواله دهنده ۱۲۴

احکام رهن. ۱۲۵

قرار داد رهن. ۱۲۵

شرایط مال رهنی. ۱۲۵

منافع مال رهنی. ۱۲۶

فروش مال رهنی توسط طلبکار. ۱۲۶

حکم نپرداختن بدهی در زمان معین. ۱۲۷

احکام غصب ۱۲۷

غصب اماکن عمومی ۱۲۸

غصب مال رهنی. ۱۲۸

ثابت بودن رهن باغصب دیگری.. ....۱۲۸

وظیفه غاصب.. ....۱۲۹

منافع مال غصبی. ۱۲۹

فروش مال غصبی. ۱۲۹

فروش مال غصبی به قصد تملک پول آن. ۱۳۰

غصب اموال بچه و دیوانه. ۱۳۰

حکم تلف مال غصبی قیمی و مثلی. ۱۳۰

رشد قیمت مال غصبی. ۱۳۱

حکم خرید و فروش بدون شرایط معامله. ۱۳۱

حکم مال تلف شده قبل از خرید........................۱۳۲

احکام ضمانت.. ....۱۳۲

فرق ضمانت شرعی و عرفی. ۱۳۲

شرایط ضمانت دین ۱۳۳

بخشیدن طلب به ضامن. ۱۳۳

انصراف ضامن. ۱۳۴

شرط به هم زدن ضمانت.. ....۱۳۴

فسخ ضمانت.. ....۱۳۴

ضمانت بدون اجازه بدهکار. ۱۳۵

مطالبه ضامن از بدهکار. ۱۳۵

احکام اقاله (پس از گرفتن کالا)........................۱۳۶

مواردجاری شدن اقاله.....................................۱۳۶

اقاله به کم تر یا بیش تر.................................۱۳۶

اقاله بخشی ازمال ۱۳۷

احکام جعاله ۱۳۷

فرق بین جعاله و اجاره ۱۳۸

اقسام جعاله ۱۳۸

شرایط کاری که جاعل معین می کند................۱۳۸

احکام دین وقرض ۱۴۰

حکم اشیای به جای مانده................................۱۴۶

احکام مزایده و مناقصه ۱۴۸

تعریف مناقصه..۱۴۹

استفتا...۱۵۰

احکام ربا...۱۵۱

حکمت تحریم ربا...۱۵۴

فرق معامله با ربا...۱۵۵

فرق ربا و مضاربه ۱۵۷

اقسام ربا..۱۵۷

شرایط ربا درمعامله...۱۵۸

مبادله جنس خوب و بد.......................................۱۵۹

ملاک جنس ربایی...۱۵۹

ص: ۱۴

مبادله جو و گندم ۱۶۰

ملاک در وزن و پیمانه ۱۶۰

ربا درقرض.. ۱۶۰

حکم تصرف درقرض ربوی.............................. ۱۶۱

منفعت حاصل ازقرض ربوی.............................. ۱۶۱

خرید وفروش دو جنس همجنس ، به صورت نسیه ۱۶۱

استفتائات ربا.. ۱۶۲

راه های فرار از ربا.. ۱۶۳

احکام مضاربه. ۱۶۳

شرایط مضاربه. ۱۶۴

۱. مال و سرمایه. ۱۶۴

معامله فضولی.. ۱۶۴

۲. سود ۱۶۵

شرط و نحوه سود بردن. ۱۶۶

۳.شرایط طرفین مضاربه. ۱۶۶

۴.شرط عدم فسخ در ضمن عقد مضاربه یا عقد دیگر. ۱۶۶

۵.ضمان عامل و عدم آن. ۱۶۶

۶.فوت عامل یا مالک... .... ۱۶۸

۷.نوع تجارتی که باید صورت بگیرد ۱۶۸

۸.مخلوط کردن سرمایه با مال دیگری.. .... ۱۶۸

۹.معامله نسیه در مضاربه. ۱۶۸

۱۰.خرج سرمایه برای مصارف شخصی. ۱۶۹

۱۱.اختلاف مالک و عامل در مقدار سرمایه. ۱۶۹

۱۲.ادعای خسارت بر سود حاصل و اختلاف د راصل یا مقدار سود ۱۷۰

۱۳.تلف سرمایه یا ورود ضرر و خسارت.. ....۱۷۰

۱۴.اختلاف در مقدار سهم عامل. ۱۷۰

ص: ۱۵

۱۵.مضاربه ولی با مال بچه. ۱۷۰

احکام چک و سفته. ۱۷۰

انواع سفته. ۱۷۱

۱. سفته حقیقی: ۱۷۱

حکم سفته حقیقی...۱۷۱

۲.سفته دوستانه ۱۷۲

حکم سفته دوستانه ۱۷۲

تعهد به مراعات قانون بانک.. ....۱۷۳

حکم دیرکرد ۱۷۳

ارزش سفته. ۱۷۳

فروش چک مدت دار به نقد ۱۷۴

فروش اسکناس نو. ۱۷۵

احکام محجورین. ۱۷۵

۱.بچه نابالغ..۱۷۵

سرپرستی و تصرف در اموال کودک.. ....۱۷۶

۲.دیوانه و سفیه...۱۷۶

۳.مفلس...۱۷۷

وکالت ۱۷۸

احکام وکالت.. ....۱۷۸

شرایط وکیل..۱۷۸

شرایط موکل...۱۷۸

قردادوکالت..۱۷۹

وکیل کردن شخصی درشهردیگر...........................۱۷۹

وکالت بر تمام کارها و برای کار غیر معین. ۱۷۹

برکنار کردن وکیل. ۱۸۰

کناره گیری وکیل. ۱۸۰

ص: ۱۶

وکیل گرفتن وکیل. ۱۸۰

وکالت وکیل دوم به اجازه موکل. ۱۸۰

وکالت چند نفر برای یک کار. ۱۸۱

باطل شدن وکالت.. .... ۱۸۱

پرداخت حق وکالت.. .... ۱۸۲

تلف مال در اختیار وکیل است. ۱۸۲

تصرف وکیل در غیر موارد مجاز. ۱۸۲

احکام سرقفلی. ۱۸۳

ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت.. .... ۱۸۳

حق اجاره دادن مستاجر به دیگری.. .... ۱۸۳

شرایط سر قفلی. ۱۸۴

شرط در ضمن قرارداد اجاره.................................... ۱۸۵

خمس سرقفلی. ۱۸۵

تبلیغات کالا و خدمات بازار یاب (احکام موسسات تبلیغاتی) ۱۸۵

آشنایی و احکام معاملات اینترنتی................... ۱۸۶

معامله گلدکوئست.. ۱۸۶

علت ممنوعیت و حرمت معامله گلدکوییست......... ۱۸۶

معامله مارکتینگ.. ۱۸۷

معامله فارکس.. .... ۱۹۱

احکام بانکی. ۱۹۳

تسهیلات بانکی. ۱۹۳
حکم دیرکرد ۱۹۴
حکم کاهش ارزش پول. ۱۹۴
حکم رضایت پرداخت سود ۱۹۵
حکم گرفتن سود پول. ۱۹۶
حکم گرفتن کارمزد ۱۹۶

ص: ۱۷

حکم تبدیل قرض به طلا. ۱۹۷

حکم خرید و فروش ارز. ۱۹۷

حکم عیدی مشتریان. ۱۹۷

حکم جوایز بانکی. ۱۹۸

حکم آموزش کارهای تولیدی حرام ۱۹۸

احکام دلالی و سمساری.. ....۱۹۹

حکم اجرت دلالی. ۱۹۹

حکم ضامن بودن دلال. ۲۰۰

حکم دلالی و واسطه گری در معاملات حرام ۲۰۰

مسائل متفرقه خرید و فروش.. ....۲۰۱

فهرست منابع.. ....۲۰۴

منابع اینترنتی ۲۰۸

سخن پژوهشکده

فقه و زندگی و سبک زندگی اسلامی

اسلامی شدن زندگی اجتماعی در مرحله شناخت سه گام دارد:

شناخت معروف و منکر در فعالیت های فردی و روابط انسان و خداوند عزّوجلّ.

شناخت معروف و منکر در حوزه روابط اجتماعی و معاملات اقتصادی.

شناخت معروف و منکر در روابط دولت و ملّت.

در گام اول فعالیت های فقهی، اخلاقی پژوهش های اخلاق مدار فراوانی توسط عالمان و محققان پدید آمده و اصلاح و تقویت روابط عبادی، عقیدتی و معرفتی انسان با خداوند متعال را مورد توجه قرار داده است.

گام دوم یعنی شناخت معروف و منکر در روابط اجتماعی ومعاملات اقتصادی، کاری است که با وجود برخی از آثار علمی و پژوهش های ارزشمند با نگاه تخصصی به هر صنف مورد توجه قرار نگرفته است. سلسله کتاب های« فقه وزندگی» به پژوهش و نگارش در حوزه اصناف خاص توجه دارد و بایدها و

نبایدهای فقهی و اخلاقی و آداب اسلامی هر اتحادیه صنفی ودست اندرکاران مشاغل مختلف تولیدی، توزیعی، و خدماتی را محور پژوهش و نگارش و اطلاع رسانی خویش می داند.

گام سوم در شناخت معروف و منکر به روابط مردم و حکومت ها اختصاص دارد، اسلامی شدن روابط دولت و ملت بالاترین گام به سوی رضای خداوند متعال محسوب می شود و در سایهٔ پیروی از رهبری الهی و تسلیم دولت و ملت در برابر قوانین قرآن و عترت امکان پذیر است.

در حدود سالهای ۱۳۷۲ ش با آغاز فعالیت های ستاد امر به معروف و نهی از منکر طرح پژوهشی «فقه و زندگی» توسط جناب حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمّد

حسین فلاح زاده، پی ریزی شد. هدف طرح، تألیف و تدوین مجموعه کتاب هایی در زمینه آداب و احکام اسلامی برای اصناف و مشاغل گوناگون اقتصادی و بازاریان

کشور بود. با هماهنگی این دو نهاد فرهنگی تألیف حدود بیست جلد از این مجموعه در سال های آغاز کمک خوبی به بازاریان متدین در زمینه شناخت احکام شرعی و حلال وحرام مشاغل بشمار می رفت. اما مثل بسیاری دیگراز

طرح ها این کار هم به دلایل مختلف ناتمام ماند و در زمینهٔ احکام فقهی بسیاری اصناف اثری فراهم نیامد.

ضرورت اسلامی شدن بازار، علاقه بسیاری از کسبهٔ محترم در بخش های تولید و توزیع و خدمات و پیگیری دبیر محترم ستاد امر به معروف و نهی از منکر حجه الاسلام والمسلمین زرگر دام عزّه العالی سبب احیای مجدّد این طرح پژوهشی کاربردی در سال۱۳۹۳ش شد و تالیف و تدوین کتبی دیگر در زمینه فقه اصناف در دستور کار پژوهشکده امربه معروف و نهی از منکر قرار گرفت.

در سالهای آغازین، این پژوهش ها با هدایت و حمایت ستاد و نظارت

علمی و فقهی برادران گرامی حجج اسلام محمد حسین فلاح زاده و محمود مهدی پور شکل گرفت و بیست و چند دفتر از آن فراهم آمد. اینک بار دیگر پس ازحدود چهارده سال، این کار ناتمام و بر زمین مانده به توفیق الهی و نظارت جناب حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید محمد تقی علوی و همکاری گروهی از فضلای حوزه

علمیه قم در پژوهشکده امر به معروف پیگیری می شود.

همیشه اصناف محترم و صاحبان مشاغل در انجام وظیفه خود نیاز به احکام و قوانین الهی دارند و لازم است معروف و منکرات صنفی را بشناسند. تحولات صنفی و دگرگونی ها در حوزه کسب و کار سبب می شود که احکام براساس نیازهای روز مورد بازنگری فقهی و علمی قرار گیرد وتفقه واجتهاد جدید ضرورت یابد. از این رو بار دیگر با استفاده از فتاوی مراجع بزرگوار تقلید و قوانین مصوب شورای نگهبان موضوعات کار نشده در برنامه پژوهشی قرار گرفت و بیست اثر جدید تحقیق و تولید شد. عناوین پژوهش های سال ۱۳۹۳ ش بدین شرح است:

احکام صنف طلاوجواهر

احکام تلفن همراه

احکام بازی های رایانه ای

احکام صنف اتوبوس رانی

احکام صنف فرش و تابلو فرش

احکام صنف کیف و کفش (سراجان)

احکام صنف ماهی فروشان

احکام صنف ناشران

احکام صنف پوشاک

احکام صنف نانوایان

احکام صنف رایانه و اینترنت

احکام صنف پرندگان و پرنده فروشان

احکام صنف اغذیه فروشان

احکام صنف پارکها

احکام عمومی کسب و کار

احکام صنف قهوه خانه ها احکام صنف الکتریکی

احکام صنف عطاری و دارو گیاهی

احکام صنف لوازم صوتی و تصویری

احکام بیمه ها

این دفتراز فقه و زندگی که با تلاش برادر گرامی حجه الاسلام والمسلمین محمود صادقی پدید آمده به احکام پوشاک اختصاص یافته است و امیدواریم محققان ودست اندرکاران محترم با ارائه تجارب و مسائل شرعی خویش ما را در تکمیل این اثریاری کنند.

با درخواست توفیق از خداوند دانا و توانا و یاری محققان حوزوی و همراهی اصناف کشور، بسیج اصناف و مسؤلان ستادهای امربه معروف، می توان به سوی اسلامی شدن بازار، آرامش روانی جامعه، کاهش جرم و تخلفات اقتصادی

و کسب رضای حضرت حق گام هایی بلندتر برداشت.

امیدواریم با شناخت احکام الهی در تمام بخش ها و اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی و در سایه فقه ناب اسلامی و با هدایت حضرت بقیه الله

عجل الله تعالی فرجه الشریف، توحید و عدالت در سراسر عالم حاکم گردد. ان شاء الله.

قم پژوهشکده امربه معروف و نهی از منکر

خیابان سمیه کوچه ۱۲ پلاک ۳۵۵

Al-adl.ir

info@al-adl.ir

ص: ۲۳

مقدمه

خریـد و فروش، از ضـروریات هر جامعه است .نظم و انسـجام و پاینـدگی و رشـدهر جامعه مرهون سـلامت تجارت آن جامعه است. منبع ومنشأ مسائل اقتصادی وتجاری ، بازار است لـذا بازار و بازاریان ازمهم ترین اقشار وتأثیر گـذارترین قشر در جامعه هستند.

بسـیاری ازمشـکلات خرید و فروش ، ناشـی ازعدم اطلاع از احکام دینی در حوزه کسب و کار است بنابراین هرقشری متناسب بانیازکاری خویش لازم است که احکام موردنیاز فرابگیرد و بازاریان نیز هماننـد دیگر اقشار جامعه از این امر (فراگیری احکام مورد نیاز)مستثنا نیستند حضرت امیر علیه السلام در اهمیت فراگیری احکام می فرماید:

یامعشر التجار الفقه ثم امتجر، ای اهل تجارت اول با احکام شرعی تجارت آشنا شوید بع وارد معامله گردید.(۱)

سه باراین جمله راتکرار کرد سپس حضرت ادامه داد و فرمود:

ص: ۲۵

۱- اصول کافی ، ج ۵، ص ۱۵۰.

به خدا سوگندر بین مردم ربا پنهان تر از حرکت مورچگان در سنگ سخت است. یعنی چه بسیار معاملات ربوی صورت می گیرد در حالی که افراد اصلاً متوجه آن نیستند.

امام خمینی(قدسّ سرّه) نیز فتوا داده است:

«بر هر کسی که خودش به تجارت و سایر انواع کسب مشغول است واجب است احکام و مسائل مربوط به آن را یاد بگیرد تا صحیح آن را از فاسدش بشناسد و از ربا سالم بماند و مقدار لازم آن است که حکم تجارت ومعامله ای را که انجام می دهد در همان موقع انجام دادن (هرچند از

روی تقلید) بداند.(۱)

رعایت احکام دینی مانع درونی برای شخص ایجاد می کند تا کاسب ازهرگونه گرانفروشی ،کم فروشی، و بسیاری از تخلفات دیگر خودداری نماید وانگیزه ای ایجاد کند برای جذب مشتری بیشتر.

در این نوشتار سعی کردیم تا با شیوه ای گویا و مختصر و به صورت روان وساده با استفاده از آیات و رویات معصومین(علیهم السّلام) احکام مورد ابتلاء را به صورت کلی و جامع بیان کنیم.

و همچنین سعی شده است فتواهای مراجع مشهور در مورد احکام خرید وفروش آورده شود و مواردی که اختلاف قطعی است در پاورقی ذکر شود و در چندمورد نیز به دلیل تفصیل مطلب و اختلاف نظرات به توضیح المسائل مراجع

ارجاع داده شده است. امید است با نکت ها و تذکرات خود ما را در هر چه بهترشدن این کتاب یاری کنید.

فروردین سال ۱۳۹۵ - الیاس صالحی - شهر مقدس قم

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۰۰ .

بخش اول: کلیات کسب

معنای تجارت

منظور از «تجارت»، هر داد و ستدی است که در ضمن قراردادی انجام می گیرد؛ چه به قصد سود آوری و چه به قصد دیگری صورت گیرد.(۱) از بررسی مجموع آیاتی که واژه تجارت در آن ها به کار رفته است، به دست می آید که در قرآن، تجارت معنایی عام و گسترده دارد و هرگونه داد و ستدی را در بر می گیرد؛ خواه دنیوی و مادی باشد، یا اخروی و معنوی.

«تجارت»، در عرف امروزی به دادوستدهای عمده و کلان گفته می شود و طبعاً تاجر کسی است که عمده فروشی می کند؛ اما در کلام مراجع تقلید هر خرید و فروشی تجارت، و هر کاسبی (حتی کاسب جزء) تاجر به شمار می رود و اصول و قواعد عمومی و اختصاصی حاکم بر خرید وفروش، همه را شامل

۱- لسان العرب؛ تاج العروس و مجمع البحرین، واژه تجر و جواهرالکلام، ج۸، ص۶۹.

می گردد.(۱)

فضیلت تجارت

از آیات و روایات استفاده می شود که تجارت، ذاتاً پسندیده و مطلوب است، و در روایات از برترین و با برکت ترین حرفه ها شمرده شده است؛ مگر آن که تجارت، انسان را از یاد خدا بازدارد که در این صورت، سخت نکوهش شده است.

رسول خدا (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

« نه جزء از ده جزء خیر و برکت در تجارت قرار داده شده است».(۲)

در روایتی دیگر امام صادق (علیه السّلام) فرمودند:

«ترک تجارت سبب نقصان عقل آدمی است».(۳)

همچنین فرمودند:

«هرکس در طلب روزی بکوشد، در پیشگاه خداوند، پاداشی دارد همسان با مجاهد و حج گزار.»(۴) و نیز آن حضرت پرداختن به تجارت را سبب بی نیازی از مردم شمرده شده است.(۵) امام علی علیه السلام در نامه معروف خود به مالک اشتر، تاجران و اهل صنعت را مردمی آرام و سالم می داند و او را به نکوکاری در برابر آنان سفارش می کند.(۶)

۱- جواهر الکلام ، ج ۸ ، ص ۶۹.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۷، ص ۱۰.

۳- همان، ص۱۳.

۴- همان، ص ۱۳.

۵- همان، ج۴، ص۱۲.

۶- نهج البلاغه، نامه۵۳.

تقسیم تجارت از جهت حکم شرعی

کسب و تجارت و سایر مشاغل از نظر اسلام، با در نظر گرفتن موقعیت اشخاص به پنج نوع تقسیم می شود:

۱. تجارت واجب: تجارت برای تامین مخارج شخصی خود و کسانی که نفقه آن ها بر انسان واجب است؛

۲. تجارت مستحب: اشتغال به کسب و تجارتی که انسان در اجرای آن ها مضطر نیست؛ امّا برای جامعه و خانواده مفید است، مانند وسعت دادن به خانواده و دستگیری از فقرا؛

۳. تجارت مکروه: اشتغال به اموری که مکروه است، مثلا اشتغال به کفن فروشی؛

۴. تجارت حرام: اشتغال به خرید و فروش مواد مضر و ناپاک، مانند مشروبات الکلی؛

۵. تجارت مباح: تجارت هایی که هیچ کدام از احکام چهارگانه را ندارد و انجام دادن با ترک آن مساوی است، مانند بسیاری از مواد مصرفی که هر روز خریداری می شود.(۱)

ارزش تلاش اقتصادی حلال در اسلام

اشاره

در اسلام هر نوع کسب و کار حلالی با ارزش و اشتغال به آن، نوعی عبادت است و فقط تأکید دین اسلام بر این است که کسب و کار باید مشروع و انجام دهنده آن امین و درستکار باشد؛ همان طور که حضرت امیر مؤمنان (علیه السّلام) فرمودند:

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۵۳ و دائرهالمعارف بزرگ اسلامی، ج۱۴، ص۵۳۳.

به انواع بازرگانی اقدام کنید که تجارت ها عامل بی نیازی شما از اموال مردم است و به راستی خداوند شخص صاحب حرفه درست کار و امین را دوست دارد. (۱)

برای اشتغال به برخی از کارها فضیلت بیشتری ذکر شده است:

۱. زراعت

حضرت صادق (علیه السّلام) فرمودند:

«کشاورزان گنج های خدا در روی زمین می باشند و در میان کارهای اقتصادی، هیچ کاری نزد خدا از زراعت محبوب تر نیست و خداوند هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد؛ مگر این که به کشاورزی اشتغال داشت، جز ادریس(علیه السّلام) که خیاط بود.» (۲)

نیز فرمودند:

«زراعت کنید و درخت بکارید ، سوگند به خدا، مردم عملی حلال تر و پاکیزه تر از آن ها انجام نداده اند. (۳)

حضرت کاظم (علیه السّلام) هنگامی که مشغول زراعت بودند، فرمودند:

«پیغمبر و امیر مؤمنان و پدران من همه با دست خودکار می کردند.»

سپس افزودند:

«همه پیغمبران و جانشینان آنان و صالحان با دست خود کار می کرده اند.»

۱- «تَعَرَّضُوا لِلتِّجارا تِ فَاِنَّ لَکُمْ فیها غِنیً عَمَّا فِی اَیْدِی النّاسِ وَ اَنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یُحِبُّ الْمُحْتَرِفَ الْاَمِینِ» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۰).

۲- وسائل الشیعه، ج ،۱۷، ص۴۲.

۳- بحارالانوار ، ج ۱۰۳، ص ۱۹۸.

۲. تجارت

اشاره

پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«برکت، ده بخش است و نُه قسمت آن در تجارت است.(۱)»

حضرت امام صادق (علیه السّلام) نیز فرمودند:

ترک تجارت، سبب نقصان عقل آدمی است.(۲)

تنبلی در کار

تنبلی، کـاهلی و مسامحه در امور زنـدگی، در بعـد فردی، سـبب عقب مانـدگی در کارها و از دست رفتن فرصت ها و در بعد اجتماعی نیز موجب هـدر رفتن نیروهای انسانی و نهایتاً عـدم اسـتقلال اقتصادی و عدم خودکفایی خواهد شد. تنبلی و سـستی، دشـمن کار و تلاش است و در هر جا رخنه کرده، روحیه کار را از بین می برد. در فرهنگ اسـلامی، انسانی که تنبلی و سستی را پیشه خود سازد، مورد لعن و طرد قرار گرفته است؛ چنان که امام باقر(علیه السّلام) می فرماید:

«حضـرت موسـی(علیه السّـلام) از خداونـد پرسـید: خـدایا! مبغوض ترین بندگان در نزد تو کیست؟ خداوند فرمود: کسانی که شب را تا صبح همانند جسدی مرده می خوابند و روز خود را نیز به بطالت و بیکاری می گذرانند.(۳)»

حضرت علی (علیه السّلام) می فرماید:

اِنَّ الأشـیاَء لَمّا ازدُوِجَت، اُزدِوِجَ الکَسِلَ وَ العَجزَ فَنَتَجا بَینَهُما الفَقرَ؛آن روز که همه چیز به هم پیونـد خوردند، تنبلی و ناتوانی به هم آمیخته و از آن دو، فرزندی به نام فقر و تهی دستی زاده شد.(۴)

ص: ۳۱

۱- همان، ص۳.

۲- همان، ص۱۳.

۳- سفینه البحار، ج۸، ص ۸۶۳.

۴- اصول کافی، ج ۵، ص ۸۶.

کم کاری و زیاده روی در کار

در کسب و کار نه بایـد تنبل باشـیم و نه آن قـدر برای کسب و کار اهمیت قائل شویم که از بقیه امور خود غافل گردیم؛ بلکه باید در تمام امور، مخصوصا کسب و کار اعتدال را رعایت کنیم و از کم کاری و زیاده روی در آن ها بپرهیزیم؛

امام صادق (علیه السّلام) می فرمایند:

«بایـد کسـب تـو برای تـامین زنـدگی، از حـد آدم هـای کم کـار بیش تر باشـد؛ و به انـدازه اشـخاص حریص دنیـا دوست نیز نباشد»(۱)

اگر کاسب این گونه باشد، نباید نگران باشد که چیزی را از دست داده یا خواهد داد؛

چون امام حسن (علیه السّلام) فرمودند:

«اعتـدال در کسـب، [مصـداق] عفت است و عفت ورزی، هیـچ روزئی را از بین نمی برد و حرص زدن هم روزی را زیـاد نمی کند.»(۲)

ائمه معصـومین (علیهم السّـلام) نیز در تمـام امور، راه میـانه و اعتـدال را در پیش می گرفتنـد. از منظر امـام جعفر صـادق (علیه السّلام) کلید تمام بدی ها و بدبختی ها افراط در کار و نیز سستی و مسامحه کاری است.(۳)

میانه روی در کسب و کار

اصولاًـ رعـایت میـانه روی در کارها، نشانه عقل است و عـدم رعایت آن، نشانه جهالت و بی خردی است. از همین رو، مولای متقیان(علیه السّلام) می فرماید:

لا تری الجاهل الاّ مُفرِطَاً او مُفَرِّطاً؛« شما جاهل رامشاهده نمی کنی مگر

۱- إلحیاۀ، ج ۷، ص ۴۷۰.

۲- همان، ص ۴۶۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۰۵.

اینکه ودرکارکوتاهی می کند یا درعمل زیاده روی.»(۱)

حضرت علی (علیه السّلام) در بیان قسمتی از صفات متضاد انسان ها می فرمایند:

فکلّ تقصیر به مضرّ و کلّ افراط له مفسد؛

هر کوتاهی در تمایلات، زیان آور و هر زیاده روی در آن ها باعث فساد و تباهی است.(۲)

اشتغال زیاد و غفلت از یاد خدا

در آموزه های اسلام سفارش زیادی در مورد کار و تجارت دیده می شود؛ ولی باید در نظر داشت که نباید تمام زندگی و اوقات انسان به کار و تلاش و استراحت خلاصه شود. بر اساس روایات اسلامی، اوقات روزانه مسلمان بدین گونه تقسیم شده اند:

۱. اختصاص قسمتی از روز برای کار و تأمین معاش؛

۲. اختصاص قسمتی از روز برای عبادت؛

۳. اختصاص قسمتی از روز برای معاشرت؛

۴. اختصاص قسمتی از روز برای استراحت.(۳)

امام صادق (علیه السّلام) در تفسیر آیه ۳۷ سوره نور «رِجالٌ لا تُلهیهِم تِجارَةٌ وَ لا بَیعٌ عَن ذِکرِ الله...»؛ می فرمایند:

«اینان همان کاسبانی هستند که هنگام نماز، کسب و کار، آن ها را از یاد

۱- نهج البلاغه، حکمت ۷۰.

۲- همان،حکمت ۱۰۸.

۳- بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۳۴۶.

خداوند غافل نمی کند و در انجام دادن نماز کوتاهی نمی کنند.(۱)

امیرالمؤمنین، علی(علیه السّلام) برای نظارت بر امور و موعظه بازاریان، زیاد به بازار می رفتنـد. روزی وارد بازار بصـره شدند؛ دیدند مردم سرگرم خرید و فروش هستند. آن حضرت شدیداً گریه کردند و خطاب به مردم فرمودند:

«ای بنـدگان دنیـا و کارگزاران اهل آن! در روز به معامله و قسم خوردن مشـغول هستیـد و شب را به استراحت و خوابیـدن می گذرانیـد؛ در حـالی کـه از آخرت غافلیـد. پس چرا بـه فکرقیـامت نیستیـد؟! چرا برای این سـفر طولاـنی زاد و تـوشه تهیه نمی کنید؟!(۲)»

سود تجارت

اشاره

تعریف سود: «سود» کسب، درآمدی است اضافه بر سرمایه که از راه تجارت و کسب به دست می آید.

حکم سود:

۱. سود مشروع: سودی است بر آمده از کسب حلال، مانند کسب و تجارت های معمول که در آن ها، ربا وجود ندارد. گرفتن سود و تصرف در آن جایز است؛

۲. سود نامشـروع: سود حاصل از داد و ستدهای حرام، مانند کم فروشی، غش در معامله و فروش اجناس تقلبی. دریافت سود و تصرف در آن، در این

۱- اصول کافی، ج۵، ص۱۵۴.

۲- «ان امیرالمؤنین (علیه السّلام) دخل سوق البصـره فنظر الی الناس یبیعون و یشترون فبکی بکاء شدیداً ثم قال یا عبید الدنیا و عمـال اهلهـا اذا کنتم بالنهـار تحلفون و باللیـل فی فراشـکم تنـامون و فی خلاـل ذلـک عن الآـخره تغفلون فمتی تجهزون الزاد و تفکرون فی المعاد» (سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۷۴).

گونه معاملات حرام است.

نکته: سود مشروع گاه مکروه خواهد بود، مانند گرفتن سود از کسی که وعده احسان در معامله به او داده شده است.(۱)

سود در تجارت در بیش تر مباحث معاملات جاری است که احکام هر کدام در همان بخش ذکر می شود.

مسائل جانبی تجارت

سد معبر

اماکن عمومی ملك شخص یا اشخاصی معین نیست و همگان در استفاده از آن ها مساوی اند،(۲) مانند راه ها، جاده ها و معابر.

استفاده از اماکن عمومی برای تمام افراد جامعه مباح است؛(۳) امّا اگر استفاده از آنان، به گونه ای باشد که موجب ضرر رساندن به دیگران یا مزاحمت برای آنان باشد، مانند نشستن در راه عبور و مرور (سد معبر)، یا منع قانونی داشته باشد؛ جایز نیست.(۴)

اولویت استفاده از مکان عمومی

اگر شخصی زودتر از دیگران در جایی از اماکن عمومی استقرار پیدا کند، در استفاده از آن، تا زمانی که در آن مکان است، حق اولویت دارد و دیگران نمی توانند مانع استفاده وی گردند؛ امّا اگر این شخص به قصد اعراض و

۱- فرهنگ فقه فارسی، ج۴، صص ۵۴۸- ۵۴۹.

۲- مهذب الاحکام، ج۲۳، ص ۲۵۵.

۳- المبسوط ج۴، ص ۸۲ و الخلاف، ج ۴، ص ۴۲ .

۴- جواهر الکلام، ج۳۸، ص ۷۷.

انصراف از آن جا برود، حق او از بین می رود؛ هرچند وسائل خود را در آن جا گذاشته باشد. اگر وسائل خود را به قصد بازگشت در آن مکان گذاشته باشد، حقّش باقی است، و اگر چیزی نگذاشته باشد، به نظر برخی حقش باقی است و به نظر برخی دیگر از مراجع حقی به آن مکان ندارد.(۱)

چند استفتا در مورد سد معبر

چند استفتا از امام خمینی(قدسّ سرّه) در مورد حکم سد معبر:

سوال: پارک کردن وسایل نقلیه و نیز گِل درست کردن در کوچه و خیابان، یا ریختن مصالح ساختمانی در آن ها چه حکمی دارد؟

جواب: اگر باعث سد معبر یا مزاحمت عابران نباشد، اشکال ندارد و گرنه جایز نیست(۲)

سوال: برخی مغازه ها برای عرضه بیش تر، قسمتی از اجناس مغازه خود را در کنار پیاده روها یا خیابان قرار می دهند و همچنین برخی دست فروشان، گاری دستی یا چرخ یا وانت بارشان را در محل عبور مردم در پیاده رو، خیابان، یا کوچه مستقر می کنند. چنانچه این کار با مقررات شهرداری مغایر باشد، یا مزاحم عبور مردم یا باعث سد معبر شود؛ از نظر شرعی چه حکمی دارد؟

جواب: این کار جایز نیست.(۳)

از پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم) چنین نقل شده است:

«هر کس ناودان یا سایبانی را در مسیر رفت و آمد مردم قرار بدهد یا میخی

۱- فرهنگ فقه فارسی، ج ۱، ص ۶۷۶ و مهذب الاحکام، ج۲۳، ص ۲۷۲.

۲- استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۶۱۷.

۳- همان، ج ۲، ص ۵۹۱.

بکوبـد یـا چهارپایی را ببنـدد یا چیزی حفر کنـد و در نتیجه شـیئی به آن برخورد کنـد و از بین برود؛ او ضامن این تلف شـدن است».(۱)

نیز آن حضرت فرمودند:

«کسی که سد معبر کند و مانع عبور رهگذران شود، از رحمت خدا به دور است.»(۲)

امام سجاد (علیه السّلام) فرموند:

«از گناهانی که باعث هلاکت و نابودی سریع انسان می شود، بستن راه عبور و مرور مسلمانان است.»(۳)

بنابر فتوای برخی مراجع تقلید، اگر کسـی در یک معبر یا پیاده رو وسیع به فروش کالا یا اجناس اقدام کند؛ حتی اگر در حالی که مزاحمتی برای رفت وآمد مردم ایجاد نکند، اما پای یک نفر از روی غفلت به اجناس او برخورد کند، بیفتد و آسیبی ببیند، بـاز هم صـاحب اجنـاس، مسـئول خسـارتی است که به او وارد شـده است؛ حتی اگر شـرعا در بساط کردن خود، عمل حرامی مرتکب نشده باشد.

همسایه داری

انسـان فطرتـاً موجـودی است اجتمـاعی و طبعـاً برخی از نیازهـای خود را از طریق ارتبـاط بـا دیگران مرتفع می سـازد و اساسـاً زنـدگی، بـدون ارتباط با افراد جامعه بسـیار سـخت و دشوار می باشـد و بدون این ارتباطات انسان نمی تواند نیازهای (مادی و معنوی) خود را برآورده کنـد. بی تردیـد یکی از مهم ترین ارتباطـات در زنـدگی، رابطه همسـایه با همسایه است که در شـرع مقدس اسلام

۱- اصول کافی، ج۷، ص ۳۵۰.

۲- همان، ج۲، ص ۲۹۲.

۳- معانی الاخبار ، ص ۲۷۱.

بر این ارتباط تأکید بسیار زیادی شده است. همسایه، اعم از همسایه خانه مسکونی یا همسایه مغازه و کارگاه و کارخانه است رعایت حقوق همسایه از سوی اصناف و مغازه دارانی که در بازار به تجارت مشغول هستند، بسیار نیکو و ضروری است.

«روزی رسول خدا (صلّی الله علیه و آله وسلّم) از یاران خود پرسیدند: آیا می دانید حق همسایه چیست؟ حاضران پاسخ منفی دادند. آن حضرت فرمود:

حق همسایه آن ا ست که اگر برای کرایه از شما درخواست کمک کرد، به او کمک کنید؛ اگر وام خواست، به او بپردازید؛ هرگاه تهی دست شد، از او دست گیری کنید؛ چنانچه خیری به او رسید، به او تبریک بگویید؛ هنگام بیماری، به عیادتش بروید؛ در مصیبت ها به او تسلیت بگویید؛ اگر مُرد، در تشییع جنازه اش حاضر شوید؛ بر ارتفاع خانه خود بدون موافقت او نیفزایید تا مانع وزش نسیم و جریان هوا نشود؛ هرگاه میوه ای خریدید، مقداری به او هدیه کنید و اگر به این کار توانمند نبودید، آن را پنهانی به خانه ببرید و دقت کنید که فرزندتان آن را از خانه بیرون نبرد که فرزند او ببیند و به خاطر آن بهانه گیری کند و با بوی غذای مطبوع خود، او را میازارید، مگر آن که مقداری برایش بفرستید. (۱)

احتکار

اشاره

احتکار عبارت است از: نگهداری کالا و جلوگیری از ورود کالا به بازار، به انگیزه افزایش قیمت؛ در حالی که مسلمانان به آن احتیاج دارند و برای آن ها ضروری است.

۱- مُسکّن الفؤاد عند فقد الأحبّه و الأولاد، ص۱۱۴.

حکم احتکار

احتکـار از منظر اسـلام حرام است؛ ولی اگر آن کالاـ برای مردم ضـرورت نـدارد، یا افراد دیگری هسـتند که کالا را در اختیار مردم بگذارند؛ حرام نمی باشد؛ امّا این کار مکروه است. اگر کالا را در زمان گرانی، برای مصرف کردن در احتیاجات خود- نه برای فروش- نگه دارد، این کار نه حرام است، نه مکروه.

مذمت احتکار کننده در روایات

درباره احتکار روایات متعددی نقل شده است که به چند مورد آن اشاره می شود:

امام علی(علیه السّلام) فرمود:

احتکار کننده گناه کار است(۱)

همچنین پیامبر اسلام(صلّی الله علیه و آله وسلّم) درباره محتکر می فرمایند:

محتکر ملعون است.(۲)

آن حضرت در روایت دیگری می فرمایند:

«نگاهی به دوزخ افکندم، درّه ای دیدم که می جوشـید، [به مالک دوزخ] گفتم: ای مالک! این درّه جای کیست؟ گفت: جای سه گروه: کسانی که احتکار می کنند، افرادی که همیشه خمر می نوشند، و کسانی که واسطه و دلال در زنا هستند.»(۳)

۱- دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۲۲.

۲- اصول کافی، ج ۱۰، ص ۶۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۲۶.

احتکار در غلات چهار گانه

احتکار فقط در غلات چهارگانه (گندم، جو، خرما و کشمش) و روغن و زیتون است. البته احتکار اجناسی که معمولاً مردم به آن ها نیاز دارنـد، امری ناپسند است؛ ولی بر غیر آنچه ذکر شـد، احکام احتکار جاری نمی شود؛ امّا باید شخصـی که احتکار کرده اسـت، بـه فروختـن اجنـاس مجبـور شـود. او نیز حق دارد بـه هر قیمت که می خواهـد آن را بفروشـد، مگر آن که گران فروشـی کنـد، که در این صورت، او را مجبور می کنند قیمت را پایین بیاورد؛ بدون آن که برای اجناس او قیمت تعیین کنند و اگر او تعیین قیمت نکرد، حاکم مسلمین قیمتی را که مصلحت می بیند، معین می کند.(۱)

احتکار سایر احتیاجات مردم

حکومت اسـلامی در مواقعی که مصـلحت عمومی اقتضا کند، حق دارد از احتکار سایر احتیاجات مردم (به غیر از غلات چهار گانه) جلوگیری کند و در صورتی که حاکم صلاح بداند، می تواند بر محتکر تغزیر مالی اجرا کند.(۲)

۱- تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲- توضیح المسائل (محشّی) امام خمینی، ج ۲، ص ۱۰۲۷.

بخش دوم: مستحبات و مکروهات کسب و تجارت

اشاره

اخلاق و آداب تجارت به دو بخش تقسیم می شود: اموری که دین اسلام به انجام دادن آن سفارش کرده و از آن به «مستحب» تعبیر می شود و این امور بهتر است انجام شود و اموری که از آن نهی شده که از آن به «مکروه» تعبیر می شود و بهتر است انجام نشود.

مستحبات کسب و تجارت

مهم ترین آداب مستحب تجارت بدین شرح است:

۱. با قصد و جهت رضای خداوند کار کند؛ یعنی نیت خالص و خیر داشته باشد؛

۲. انگیزه و محرّك او در مورد کار، رفاه جامعه، خصوصاً رفاه خانواده خود و کمك به فقرا باشد؛

۳. به اندازه متعارف سود بگیرد و گران فروشی نکند؛

۴. وقتی به اندازه مخارج روزانه اش منفعت برد، جنس را به همان قیمتی که خریده است، بفروشد؛

۵. با اخلاق اسلامی و خوشرویی با مشتری برخورد کند و در قیمت جنس سخت گیری نکند؛

۶. دیرتر به بازار رود و زودتر به خانه بازگردد و بیش از متعارف بازار، در بازار نماند؛

۷. در وقت نماز، کسب و کار را تعطیل کند؛

۸. در تعیین قیمت جنس، بین مشتری های مسلمان فرق نگذارد، مگر این که مشتری اهل علم یا فقیر و مانند این ها باشد که مراعات حال آن ها افضل است؛

۹. چیزی را که می فروشد، زیادتر بدهد و آنچه را می خرد، کم تر بگیرد؛

۱۰. کسی که با او معامله کرده، اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را فسخ کند؛ به این کار راضی شود؛

۱۱. کالای خود را مدح و ستایش و کالای دیگری را مذمت و بدگویی نکند؛

۱۲. از کسی که به وی وعده احسان داده شده است، سود نگیرد؛

۱۳. بیش از حد نیاز، از مسلمانان سود نگیرد؛

۱۴. عیب کالا را برای مشتری بیان کند؛

۱۵. کالا را آنچنان زینت نکند که موجب به اشتباه افتادن مشتری گردد؛

۱۶. به احکام خرید و فروش آگاهی کامل داشته باشد؛

۱۷. سخت گیری برای دوری از زیان دیدن، مستحب است؛

۱۸. در معامله میانه رو باشد؛ یعنی از طرفی حریص نباشد و از طرف دیگر،

سهل انگار و بی تفاوت نباشد؛ تا در تنگنا قرار نگیرد.(۱)

زکات سرمایه تجارت

پرداخت زکات غلات و دام ها و طلا، اگر به حد نصاب برسد واجب است (زکات این موارد، در بخش زکات در رساله مراجع تقلید ذکر شده است که علاقه مندان می توانند به آن جا مراجعه کنند).

مقصود از زکات سرمایه تجارت، در این جا زکات هر مالی است که شخص از راه معامله، با قصد مالک شدن آن، مالک می شود.)(۲)

حکم بیشتر مراجع تقلید این است که پرداخت زکات س رمایه تجارت یاهمان مال التجاره مستحب است.(۳)

مکروهات کسب و تجارت

اموری که در کسب و تجارت مکروه هستند، عبارتند از:

۱. کراهت دارد سود معامله را نسبت به قیمت خرید محاسبه کند؛ مثلاً ـ کراهت دارد اگر بگوید: این جنس را هزار تومان فروختم که سود هزار تومان صد تومان است؛ بلکه بگوید: این جنس را به هزار و صد تومان می فروشم؛

۲. کراهت دارد انسان وارد معامله دیگری شود؛ در حالی که بین خریدار و فروشنده توافق و رضایت برقرار شده است؛

مخصوصا آن جا که شخص دوم قصد معامله را نداشته باشد و تنها می خواهد بازار گرمی کرده تا مشتری پول زیادتری بپردازد. پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

۱- تحریرالوسیله، ج۱، ص ۵۰۰.

۲- قواعدالاحکام، ج۳، صص ۳۴۳_۳۴۶ و شرائع الاسلام، ج۱، ص۱۱۸.

۳- استفتائات جدید آیت الله مکارم، ج ۲، ص ۱۹۰ ؛ المبسوط، ج ۱، ص ۲۲۰ ؛ الانتصار، ص ۷۸ و اللمعه الدمشقیه، ج ۱، ص ۵

هرگز به قصد بالا بردن قیمت کالا وارد معامله کسی نشوید که چنین کاری خیانت است.(۱)

آن حضرت در روایتی دیگر نهی کرده اند از داخل شدن در معامله برادر مسلمان.(۲)

۳.کراهت دارد معامله با کسانی که در معامله کردن سخت گیرند و به شدت به دنیا و مادیات دل بسته می باشند.

۴. کراهت دارد بعد از تمام شدن معامله، خریدار از فروشنده بخواهد که قیمت جنس را پایین بیاورد.

۵. ورود به بازار، به عنوان اولین فرد و خروج از آن، به عنوان آخرین فرد نیز مکروه است.

۶. مکروه است موقع خرید و فروش کالا، به خدا و قرآن و مقدسات قسم بخورد؛ ضمناً باید توجه داشت قسم در صورتی که دروغ باشد، حرام است و قسم راست مکروه می باشد و سفارش شده که از آن پرهیز شود. (۳)

نکته: به دلیل این که قسم خوردن در معامله در میان افراد جامعه عادی و رایج گردیده و افرادی هستند که به این کار عادت کرده اند، در ذیل توضیح مختصری در این مورد آورده می شود:

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۳۸.

۲- همان.

۳- تحریرالوسیله، ج۱، ص ۵۰۰.

اخلاق و آداب تجارت

۱- قسم خوردن در معامله

یکی از مسائل رایج در معاملات و کسب و کار قسم خوردن است. این کار مورد مذمت و نکوهش پیامبر و ائمه (علیهم السّلام) واقع شده است. پیامبر خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) در بیاناتی در خصوص این که در کسب و تجارت از چه کارهایی باید پرهیز کرد، فرمودند:

«کسی که خرید و فروش می کند، باید از پنج کار دوری ورزد، وگرنه نباید خرید و فروش کند: ربا، سوگند، پوشاندن عیب کالا، تعریف و تبلیغ کالا موقع فروش و بدگویی از کالا، موقع خرید آن.»(۱)

حضرت امیر المومنین (علیه السّلام) به بازار می آمد و در جایگاه خود می ایستاد و می فرمود:

«درود بر شما ای بازاریان! از خدا بترسید و سوگند مخورید؛ زیرا سوگند خوردن کالا را رونق می دهد و برکت را می برد. تاجر فاجر است، مگر آن که به حق بستاند و بدهد.»(۲)

امام صادق (علیه السّلام) نیز در این باره می فرمایند:

«خداوند تبارک و تعالی از کسی که با قسم و سوگند خوردن کالای خود را به فروش برساند، نفرت دارد.»(۳)

از دیدگاه اسلام، سوگند یاد کردن، عملی ناپسند و اجتناب از آن، مطلوب و پسندیده می باشد. قرآن کریم می فرماید:

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۸۸.

۲- کنزالعمال، ص ۱۰۰۴۳ و منتخب میزان الحکمه، ص ۹۰.

۳- أمالی صدوق، ج۶، ص ۳۹۰ و منتخب میزان الحکمه، ص ۹۲.

«وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَهِينٍ»؛ و از کسی که بسیار سوگند یاد می کند و پست است، اطاعت مکن.(۱)

۲– تعریف و تبلیغ در موقع فروش

یکی از اموری که در معامله مورد نهی قرار گرفته و سزاوار است هر کاسب و تاجری آن را ترک کند، تعریف و تمجید از جنس است؛ به طوری که آن چنان از جنس تبلیغ کند که خریدار به آن رغبت پیدا کند و آن را بخرد.

بدیهی است توصیف و معرفی جنس منع و مشکلی ندارد؛ نکته ای که از آن نهی شده، آن است که از جنس به طور اغراق آمیز و غیر واقعی تعریف کنیم.

۳.بدگویی از کالا در موقع خرید آن

از دیگر اموری که در معامله مورد نهی واقع شده، بدگویی مشتری از کالایی است که قصد خرید آن را دارد، به آن انگیزه که قیمت کم تری بدهد.همانطور که پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله وسلّم) درروایتی که گذشت ازاین کار نهی کرده اند.

۴– حقوق مشتری در اسلام

امروزه یکی از رموز موفقیت یا شکست هر کاسب، یا هر شرکت و مؤسسه و اداره، نحوه برخورد و رفتار با مشتری و مخاطب است.

انسان از منظر اسلام، اشرف مخلوقات و جانشین خدا بر روی زمین می باشد؛ برخورد با مشتری به عنوان یک انسان و به عنوان جانشین خدا بر روی زمین، باید مورد توجه تمام اصناف، تجار و کاسب ها قرار گیرد. تاجران و کاسب ها باید احکام معامله صحیح و رفتار و اخلاق نیکو را در برخورد با مشتری فرا گیرند و در مرحله عمل به کار بندند.

۱– قلم: ۱۰.

از جمله اصول مشتری مداری در اسلام امور زیر می باشد:

۱. حق محوری و عدالت ورزی در قیمت و فروش کالا؛

۲. جلب رضایت فروشنده و خریدار در معامله؛

۳. راستی و درستی در معامله؛

۴. تطبیق معامله با احکام الهی و عدم غفلت از یاد خداوند متعال؛

۵. تجارت اجناس عالی و با کیفیت؛

(در روایتی از امام صادق (علیه السّلام) وجود برکت در خرید و فروش چیزهای خوب بیان شده است که این نکته به اهمیت ارائه کالای با کیفیت به مشتری تاکید می کند.(۱))

۶. محکم کاری در معامله: جدای از اینکه مشتری وخریدار به یکدیگراعتماد دارندباید قرارداد معامله و مسائل اطراف آن به صورت نوشته ای تبدیل شود و هر دونفر و شاهد نیز آن را امضا کنند تا در مراحل بعدی مشکلی ایجاد نشود. همان طور که در آیه ۲۸۲ سوره بقره بیان شده است، معاملات را باید مکتوب کرد و یا شاهدی بر آن ها گرفت تا شک و مشکلات پیش نیاید. این کار نشان می دهد که اعتماد به مشتری دارای حد و میزانی است و باید در چهارچوب خاصی باشد تا احتمال کلاهبرداری و ضرر از هر دو طرف معامله برطرف گردد؛ درپایان روایتی درمورد رعایت حق مشتری از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کنیم:

در روایتی ابی مطر چنین نقل می کند:

۱- عن عاصم بن حمید قال: «قال لی أبو عبد الله علیه السلام أی شیء تعالج؟ قلت: أبیع الطعام ، فقال لی : اشتر الجید ، وبع الجید فإن الجید إذا بعته قیل له : بارك الله فیك ، و فیمن باعك» (اصول کافی، ج۵، ص۲۰۲).

حضرت امیر المومنین (علیه السّلام) روزی وارد بازار خرما فروش ها شد و دید زن خدمتکاری در حال گریه است. از او پرسید: چرا گریه می کنی؟

زن گفت: این خرمافروش به من یک درهم خرما فروخته؛ ولی اربابم آن را نمی خواهد. این مرد هم خرماها را پس نمی گیرد.

حضرت علی(علیه السّلام) به خرما فروش فرمودند: خرماها را بگیر و پول او را پس بده! این زن خدمتکار است و از خود اختیاری ندارد؛ ولی خرمافروش که امام را نمی شناخت، نپذیرفت.

شخصی به خرما فروش گفت: مگر نمی دانی این شخص، امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب است؟ خرما فروش تا این را شنید، خرماها را از خدمتکار گرفت و پولش را پس داد و به امام گفت: دوست دارم از من راضی شوی! حضرت فرمود: اگر حقوق مردم و مشتریان را رعایت کنی، همین مایه خرسندی من از توست آن گاه امام همان طور که از کنار خرمافروشان می گذشت، فرمود: ای خرمافروشان! به مستمندان خرما ببخشید تا کسب و کارتان سود کند.(۱)

۵- راست گویی در تجارت

دروغ گویی در هر امر، از جمله کسب و تجارت ضررهای دنیایی و آخرتی فراوانی دارد. در مقابل، راستگویی در هر زمینه، از جمله در کسب و کار و تجارت بسیار سفارش شده است. پیامبر و ائمه اطهار (علیهم السّلام) درباره ثمره راستگویی در تجارت و ارزش تاجر صادق روایات زیادی را بیان کرده اند که به بعضی از آن ها اشاره می شود:

۱. رسول خدا (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

۱- بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۳۲.

«برای ورود تاجر راستگو به بهشت مانعی نیست. (۱)

۲. همچنین آن حضرت فرمودند:

«تاجر راستگوی درستکار با پیمبران و صدیقان و شهیدان است.» (۲)

۳. امام صادق (علیه السّلام) فرمودند:

«خداوند سه نفر را بدون حساب به بهشت می برد: پیشوای عادل، تاجر راستگو و پیری که عمر خود را در راه طاعت خدا صرف کرده است.»(۳)

۶- خوش رویی در تجارت

یکی از آداب و اخلاقی که هر شخص مسلمان و مخصوصا تجار و کسبه باید رعایت کنند، خوش رویی و حسن خلق در معامله است که در این عمل فواید فراوانی وجود دارد یکی از آن ها افزایش روزی می باشد. امام صادق (علیه السّلام)می فرمایند:

اخلاق شایسته روزی را افزایش می دهد.(۴)

۷- معامله با افراد نیکو کار

یکی از امور که بهتر است در معامله مورد توجه قرار گیرد، داد و ستد با افراد نیکو کار است که موجب برکت در مال و سعادت انسان می شود؛ همان طور که امام صادق (علیه السّلام) می فرمایند:

فقط با افرادی که در خیر و نیکی رشد یافته اند، معاشرت و معامله

۱- «التّاجر الصّدوق لا يحجب من أبواب الجنّه» (نهج الفصاحه ، ص۳۹۴).

۲- «التاجر الصدوق الامين مع النبيين و الصديقين و الشهداء» (همان).

۳- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۶۳.

۴- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۹۶.

کنید.(۱)

۸- گران فروشی و بی انصافی

اشاره

گران فروشـی یکی از آفت هـای کسب روزی حلال می باشـد و بسـیاری از کـاسب هـا و فروشـندگان ممکن است دانسـته یا ندانسـته به آن مبتلا شونـد. از آن جا که گران فروشـی با فطرت بشـر مخالف است؛ عقل سـلیم نیز آن را مـذموم می دانـد و از منظر شرع و عرف نیز مذموم شمرده شده است.

گران فروشـی در تمام طول سال، مخصوصاً در ایام ویژه یا اجناس خاص مطرح است، مثل شب عید، تعطیلات و مناسـبت های دیگر؛ یا وقتی که خریـدار به خرید جنس اشتیاق زیادی دارد، یا آن جنس در بازار کم یاب شده و خریدار مجبور است آن را تهیه کنـد و فروشـنده نیز از احتیاج خریـدار باخبر است. گران فروشـی، مصـداق بارز بی انصافی است که در آموزه های دینی بسیار مذمت شده است.

امام صادق (علیه السّلام) می فرمایند:

«فریب دادن مؤمن در معامله حرام است.»(۲)

حکم و آثار گران فروشی

از نظر فقهی، سود گرفتن در فروش کالا ـ حـد معینی نـدارد. بنابراین، تا وقتی که میزان سود به حـد اجحاف، ظلم و بی انصافی نرسد و برخلاف مقررات دولت اسـلامی نباشد، اشـکالی ندارد؛ ولی اگر از این حدود متعارف بالاتر رفت و برخلاف مقررات دولت شد، گران فروشی مصداق می یابد، و فریب دادن خریدار

۱- اصول کافی، ج۵، ص ۱۵۸.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶۴.

صورت می پـذیرد؛ زیرا در این صورت، جنس را زیـادتر از ارزشـی که دارد، به کسـی که از قیمت آن بی خـبر است، فروخته است.

پیامبر اکرم (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«کسـی که در خریـد یا فروش چیزی، مسـلمانی را فریب دهـد، از ما نیست و روز قیامت با قوم یهود محشور خواهـد شـد؛ زیرا یهود فریب کارترین مردم در برابر مسلمین هستند. »(۱)

امام صادق(علیه السّلام) فرمود:

«کسـی که مسـلمانی را [خصوصاً در معامله] فریب دهد، از ما نیست. هر کس بخوابد و در دل قصد خیانت و نیرنگی نسـبت به برادر مسلمان خویش دارد، با خشم خدا به بستر خواب رفته و یا همان حال از بستر بر می خیزد، مگر آن که توبه کند [و دست از حیله گری بردارد].»(۲)

آن حضرت در روایت دیگری فرمودند:

«کسی را که به تو اطمینان دارد، فریب مده؛ زیرا فریب دادنش جایز نیست.»(۳)

قرآن کریم می فرماید:

«وَ لَوْ أَنَّ أَهْـلَ الْقُرَی ءَامَنُواْ وَ اتَّقَوْاْ لَفَتَحْنَـا عَلَیهِـم بَرَکَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَکِن کَذَّبُواْ فَأَخَـذْنَاهُم بِمَا کَانُواْ یکْسِبُونَ»؛ اگر اهـل شـهرها و جوامع انسانی ایمان آورده و تقوای الهی پیشه کننـد، ما به روی آنان برکات زمین و آسـمان را می گشاییم؛ اما آن ها تکذیب کردند

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ، ص ۲۸۳.

۲- همان، ص ۲۱۰.

۳- همان، ص ۳۶۴.

و به خـدا و روز واپسـین ایمان نیاوردنـد و تقوای الهی را رعایت نکردنـد و حکومت هایشان قوانین الهی را رعایت نکرده و به غیر آنچه خدا حکم کرده است، حکم کردند. (۱)

شاید بتوان گفت یکی از عوامل نزول عذاب خداوند رعایت نکردن احکام معاملات است. افراد با کم فروشـی، گران فروشی، احتکـار، غش و خیـانت در معـامله، به وظیفه خود عمل نمی کننـد، و در نتیجه به تورم و گرانی قیمت اجناس و قحطی گرفتار می شوند.

سوال: حکم شرعی گران فروشی چیست؟

جواب: اگر گران فروشی به حد اجحاف به مشتری برسد، یا خلاف مقررات دولت اسلامی باشد، جایز نیست.(۲)

۹- کم فروشی

اشاره

در قرآن کریم به موضوع کم فروشی اشاره شده و خدای متعال برای عبرت گرفتن افراد، عاقبت قومی که چنین عمل ناشایستی مرتکب می شدنـد، به وضوح بیـان فرموده است. در شـش سوره از قرآن کریم، کم فروشـی مورد مـذمت قرار گرفته است؛ از جمله:

خداوند متعال در سوره مطففین می فرماید:

وَیلٌ لِّلْمُطَفِّفِینَ * الَّذِینَ إِذَا اکْتَالُواْ عَلیَ النَّاسِ یسْتَوْفُونَ * وَ إِذَا کاَلُوهُمْ أَو وَّزَنُوهُمْ یخُسِرُونَ * أَ لَا یظُنُّ أُوْلَئکَ أَنهَّم مَّبْعُوثُونَ * لِیوْمٍ عَظِیمٍ * یوْمَ یقُومُ النَّاسُ لِرَبّ الْعَالَمِینَ؛ وای به حال کم فروشان! آنان که وقتی

۱- اعراف: ۹۶.

۲- استفتائات امام خمینی، ج ۲، ص ۶۲.

چیزی را بـا پیمـانه یـا وزن از مردم تحویل می گیرنـد، کاملاً حق خود را استیفا می کننـد؛ ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می دهنـد، در پیمانه و وزن کم تر میدهند. آیا آن ها عقیده ندارند که بعد از مرگ زنده خواهند شد؟ آیا به روز بزرگ رسـتاخیز ایمان ندارند؟! روزی که تمام مردم در پیشگاه خداوند برای تعیین سرنوشت خود می ایستند. (۱)

«مطفف» به کسی گفته می شود که از چیزی بکاهد و آن را از حد واقعیاش کم بگذارد و به صورت کامل پرداخت نکند. آن چیز ممکن است جنسـی باشـد که به دیگری می فروشـد یـا کـاری باشـد که برای فردی انجام میدهـد؛ حتی ممکن است بهای چیزی باشد، یا اجرت کاری.

در واقع، کاستن فقط در داد و ستد نیست؛ بلکه در هر امری ممکن است صورت پذیرد. قرآن کریم، با بیان کلمه «مطففین» در کمال فصاحت مطلب را طوری بیان فرموده که هر نوع کمکاری و کمفروشـی را شامل شود. این که خدای متعال راجع به کم فروشـی، غیر از آیـاتی در جاهای متعـدد قرآن، سورهای را نیز با چنین عنوانی نازل کرده؛ حاکی از خطر شـیوع این معضل در بین انسان هاست.

وقـتی سـوره مبـارکه «مطففین» بـا چنین جمله ای آغـاز می شود: «وَیْلٌ لِّلْمُطَفِّفِینَ»؛ وای بر کـاهش دهنـدگانِ [حق مردم]!»؛ به عبارت دیگر: «وای بر کم فروشان!»؛ این هشدار گویای سنگین بودن جرم کم فروشی و حق کشی است.

آیـات دیگری نیز در مورد کم فروشـی یـا صـحیح و سـالم نبودن کیل و ترازو وجود دارد که برای جلوگیری از طولانی شـدن بحث فقط به آنان اشاره می شود:

۱- مطففین: ۱- ۴.

«وَ أَوْفُوا الْکَیلَ إِذا کِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطاسِ الْمُسْتَقیمِ ذلِکَ خَیرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْویلًا»؛« جنس را با پیمانه کامل و وزن درست تحویل دهید که این کاری نیکوست و عاقبت بهتری برای شما در بردارد.»(۱)

«وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِیزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْاْ فِی الْمِیزَانِ * وَ أَقِیمُواْ الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَ لَا تُخْسِرُواْ الْمِیزَانَ»؛ «آسمان را خداوند برافراشت و میزان عدل را برقرار کرد تا در آنچه وزن می کنید، تجاوز و تعدی روا ندارید و هرگاه چیزی را وزن می کنید، عدالت و صحت ترازو را رعایت کنید و آنچه را وزن می کنید، کم ندهید!»(۲)

«وَ أَوْفُوا الْکَیلَ وَ الْمیزانَ بِالْقِسْطِ»؛ «پیمانه را تمام و وزن را درست و عادلانه تحویل بدهید!» (۳)

مهم ترین عوامل بازدارنده کم فروشی

خداوند متعال در آیات ۱ تا ۶ سوره مطففین «اعتقاد به خدا» را مهم ترین عامل عدالت اقتصادی و مانع جدی در برابر کم فروشی معرفی می کند و در آیات ۸۵ و ۸۶ سوره هود از «ایمان» به عنوان مهم ترین بازدارنده از کم فروشی نام می برد.

دین و دینداری، نماز با اخلاص، ایمان و تقوا مهم ترین عوامل بازدارندگی انسان از کم فروشی و متقابلاً گرایش به عدالت در تمام حوزه ها، از جمله حوزه اقتصادی است.

ص: ۵۴

۱- اسراء: آیه ۳۵.

۲- رحمن: ۷ - ۹.

۳- انعام: آیه ۱۵۲.

جامعه در صورتی به سوی کم فروشی سوق داده نمی شود و عدالت اقتصادی، بلکه عدالت جامع را تجربه می کند، که بر این عناصر بینشی و نگرشی تأکید کند. تنها با افزایش مأموران نظارتی نمی توان به این مهم دست یافت؛ زیرا در صورتی که انسان وجدان و فطرت بیدار الهی داشته باشد، از درون، خود را نظارت و مدیریت و مهار می کند. بی تردید اگر پلیس داخلی و پاسبان نفس نباشد، با پلیس و مأمور بیرونی نمی توان از کم فروشی رهایی یافت. ازاین رو خدا و پیامبران همواره بر مأموران درونی (بینش توحیدی، معاد و حسابرسی قیامت، وجدان و تقوا) توجه داده و آن را مهم ترین ابزارهای مبارزه با بی عدالتی معرفی کرده اند.

۱۰- دقت هنگام خرید و فروش

یکی از مسائل مهم، هنگام خرید و فروش دقت در انتخاب کالا و بررسی اوصاف و جزئیات آن است تا بعد از معامله نزاع و اختلاف بروز نکند. مشتری می تواند با اجازه فروشنده جنسی را که قصد خرید دارد، امتحان و آزمایش کند. آزمایش و امتحان هر جنس متفاوت می باشد؛ مثلا جنس بوییدنی را بو کند، جنس خوردنی را بچشد، جنس صوتی و تصویری را بشنود و ببیند، یا خصوصیات و اوصاف جنس بیان شود تا در صورت بروز اختلاف خریدار حق برگرداندن یا تفاوت قیمت را داشته باشد.

امام صادق (علیه السّلام) می فرمایند:

مردی نزد رسول خدا (صلّی الله علیه و آله وسلّم) از کاسبی شکایت کرد. حضرت در جواب فرمودند: در موقع خرید دقت کنید، سپس بخرید.(۱)

ص: ۵۵

۱- اصول کافی، ج۵، ص ۱۶۸.

آسیب شناسی اخلاقی تجارت

محیط کـار و تجارت، به دلیل ویژ گی های مخصوص همواره در معرض آسیب های اجتماعی و اخلاقی قرار دارد. افراد برای موفقیت در بـازار، گـاه به شـگردهای غیراخلاـقی، چون کم فروشـی،ارائه اطلاعات نادرست و تبانی برای حـذف رقیب رو می آورنـد. این مشـکل عمدتاً ناشـی از این مسـئله است که فضای کسب و کار محیطی خشک و متأثر از عادت ها و رویکردهای محاسـبه گرایـانه است. بـازار، مکان معامله برای کسب سود است؛ سودی که غالباً بـدون حسابگری و دقت عمل به دست نمی آید. افراط و زیاده روی در حساب گری می تواند افراد را به ورطه ناهنجاری های اخلاقی بکشاند.

امیر المؤمنین(علیه السّـلام) در نـامه معروف خود به مالـك اشتر، بـا ظرافت خاصـی به این آسـیب اشاره می کنـد. از منظر امام علی(علیه السّـلام)، تاجران دارای دو گونه خصـلت مثبت و منفی هسـتند. آن حضـرت کلام را با بیان خصـلت های مثبت آغاز می کند:

بازرگانان مایه رونق اقتصادی اند؛ آنان برای تأمین وسایل آسایش مردم به نقاط دوردست سـفر می کنند؛ از بیابان ها و دریاها و دشت ها و کوهسـتان ها، و مناطقی که رفت و آمـد از آن دشوار است و معمولا افراد جرئت ورود به آن را ندارند، گذر می کنند؛ آنان انسان هایی آرام هسـتند و از ستیزه جویی آنان هراسـی نیست و همواره به دنبال صـلح و صـفا هستند و فتنه انگیزی ندارنـد. بـا دلجویی از آن هـا به وضـعیت آنان، چه بازرگانانی که در شـهر تو زنـدگی می کننـد و چه آنان که در دوردسـت ساکن اند؛ رسیدگی کن!(۱)

ص: ۵۶

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

بخش دوم سخنان حضرت، به آسیب شناسی تجارت اختصاص دارد:

«این را نیز بدان که بسیاری از بازرگانان در دادو ستد بسیار سخت گیری می کنند؛ گرفتار بخل و تنگ نظری ناپسندی گرفتار هستند؛ دست به احتکار می زنند و در خرید و فروش خود رأی اند. این گونه رفتار از طرفی به زیان جامعه و از طرفی دیگر، عیبی برای حکومت محسوب می شود. تلاش کن همانند سیره رسول الله(صلّی الله علیه و آله وسلّم) از احتکار [ارزاق توسط بازرگانان] جلوگیری کنی! خرید و فروش می باید آسان و راحت انجام شود و نیز عادلانه و با قیمت مناسب، که با آن به هیچ یک از فروشنده و خریدار اجحافی نشود. اگر کسی بعد از منع تو به احتکار اقدام کرد، او را با رعایت اعتدال مجازات کن.»(۱)

این بخش از سخنان امیرمومنان(علیه السّلام) را نباید به منزله مذمت تاجران، یا تجارت قلمداد کرد؛ بلکه مبنای سخن آن حضرت، آسیب شناسی اخلاقی تجارت و بازرگانی است. بر این اساس، فضای تجارت می تواند موجب شکل گیری یا گسترش برخی از رذیلت های اخلاقی، همانند بخل، تنگ نظری، سخت گیری در معامله و احتکار گردد.

اشتغال زنان

اشاره

پرداختن زن به پاره ای از فعالیت های اقتصادی و کسب درآمد از این طریق، نه تنها از نظر شرعی مانعی ندارد، بلکه پسندیده است و در روایات معصومان(علیهم السّلام) بدان سفارش شده است.(۲) بدیهی است این سفارش بر رعایت حرمت بانوان مبتنی است.

۱- همان.

۲- وسائل الشیعه ج۱۷، ص ۲۳۶.

اشتغال در بیرون منزل

اشتغال بانوان در بیرون از منزل را- که یک پدیده مهم اجتماعی است- از چند زاویه می توان بررسی کرد:

جواز اشتغال زنان در بیرون از منزل

اشاره

بـدون تردیـد، اسـلام، اشـتغال بانوان را جایز می شـمارد و در این زمینه نه تنها دلیلی بر منع نداریم، بلکه دلایلی بر جواز وجود دارد. در این جا به دو نمونه از این دلایل اشاره می کنیم:

۱. حق مالکیت زنان بر اموالشان

خداوند متعال در قرآن کریم، حق مالکیت زنان را بر اموالشان، در کنار مالکیت مردان، مورد تأکید قرار داده، می فرماید:

لِلرِّجَالِ نَصِیبٌ مِمَّا اکْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِیبٌ مِمَّا اکْتَسَبْنَ؛ «مردان از آنچه به دست می آورند بهره ای دارند و زنان نیز بهره ای.» (۱)

از این آیه، افزون بر پـذیرش حق مالکیت برای زنان، به طور ضـمنی جواز اشـتغال برای آنان را می توان اسـتفاده کرد. در واقع حق مالکیت، فرع بر جواز کسب و کار است.

۲. تشویق زنان و مردان به فعالیت اقتصادی

در اسـلام، نه تنها فعالیت اقتصادی جایز شـمرده شـده و به زنان و مردان اجازه اکتساب مال و تحصـیل درآمـد داده شده است؛ بلکه همگان به حضور فعال در صحنه های اقتصادی دعوت و تشویق شده اند.

۱- نساء:۳۲.

آیات:

«وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ»؛« از فضل خدا روزی بطلبید.»(۱)

«هُوَ الَّذِی جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِی مَنَاکِبِها وَکُلُوا مِن رِزْقِهِ»؛ او کسی است که زمین را برای شما رام کرد. بر شانه های آن راه بروید و از روزی های خداوند بخورید.(۲)

«وَاللَّهُ جَعَلَ لَکُمُ الْأَرْضَ بِسَاطاً لِّتَسْلُکُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجاً»؛ خداوند زمین را برای شما فرش گسترده ای قرار داد، تا از راه های وسیع و دره های آن بگذرید. (۳)

آیات متعدد دیگری(۴) نیز نمونه هایی از این تشویق و ترغیب هستند. در هیچ یک از این موارد، فقط مردان مخاطب نیستند، بلکه مجموعه انسان ها، اعم از زن و مرد، مورد توجه قرار گرفته و همگی به طلب فضل الهی دعوت شده اند که کار کردن و کسب درآمد، یکی از مصادیق آن است. پس اشتغال برای زنان مانند مردان جایز است. جواز فقهی برای کار کردن زن

مراجع تقلید به جواز اشتغال بانوان فتوا داده اند.(۵)

۲.اشتغال بانوان و اجازه شوهر

از منظر اسلام، به طور کلی خارج شدن زن از خانه، در هر مورد به اجازه شوهر مشروط شده است.

۱- جمعه: ۱۰.

۲- ملک: ۱۵.

۳- نوح: ۱۹-۲۰ .

۴- طه: ۵۳؛ روم: ۴۶؛ فاطر: ۱۲ و مزّمّل: ۲۰.

۵- استفتائات امام خمینی، ج ۳، صص ۳۵۶- ۳۵۸.

بر این پایه، زن تا زمانی که اجازه او را کسب نکرده و یا رضایت او برایش محرز نیست، نمی تواند از خانه خارج شود.

۳.خروج بی اجازه زن ازمنزل

نظر امام خمینی (قدسّ سرّه)در خروج بی اجازه از منزل امام خمینی(قدسّ سرّه)، بیرون رفتن زن از خانه بدون اجازه شوهر را موجب نشوز (مصداق نافرمانی) شمرده است.(۱)

۴. اشتغال زن و شرط ضمن عقد

اگر در ضمن عقد، اشتغال برای زن شرط شده یا عقد مبنی بر این شرط واقع شود، زن می تواند در بیرون از منزل کار کند و شوهر نمی تواند مانع شود.(۲) اگر زن پیش از ازدواج شاغل بوده و به شوهرش گفته و در ضمن عقد، شرط اشتغال برای زن شده یا عقد مبنی بر آن واقع شده باشد؛ زن پس از ازدواج نیز می تواند به شغل خود ادامه دهد و شوهر نمی تواند مانع شود.(۳) اگر زن پیش از ازدواج شاغل بوده؛ ولی در ضمن عقد شرط شده باشد که از شغلش استعفا کند، یا عقد مبنی بر آن واقع شود؛ شرط یاد شده نافذ است و شوهر می تواند از کار کردن همسرش جلوگیری کند.(۴)

اگر زن پیش از ازدواج شاغل نبوده، ولی پس از آن، بخواهد به کاری مشغول شود، کار کردن او بلامانع است؛ ولی برای خروج از منزل باید از شوهرش اجازه بگیرد.(۵)

۱- تحریر الوسیله، ج۲، ص۲۷۲.

۲- استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص۳۵۶.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۵۰.

۵- همان، ص ۳۵۷.

۵. خروج از منزل برای کار واجب

اگر کاری که زن به آن اشتغال دارد بر او واجب باشد؛ برای خروج از منزل لازم نیست از شوهرش اجازه بگیرد و بدون اجازه او می تواند به کار خود ادامه دهد. امام خمینی(قدسّ سرّه) در پاسخ به این پرسش که شرکت زن ها در مسائل اجتماعی مثل عضویت در سپاه پاسداران چه حکمی دارد و اگر به حد وجوب برسد، نهی شوهر چگونه می شود؛ فرمود: موارد، مختلف است و به حسب حال اشخاص هم ممکن است فرق کند و اگر در موردی به موجب اقتضای ضرورت، واجب شد، نهی شوهر مانع نیست.(۱)

۶. تزاحم اشتغال با حقوق شوهر

زن پس از ازدواج، به اختیار خود حقوقی را برای همسر خویش بر عهده می گیرد که حقوق زناشویی شوهر از آن جمله است. اگر اشتغال با این حقوق تزاحم پیدا کند، تکلیف چیست؟ امام خمینی (قدسّ سرّه) در پاسخ به این پرسش که اگر شوهر، شاغل بودن زن را صلاح نداند و شاغل بودن زن باعث از هم پاشیدگی زندگی زناشویی شوهر شود؛ آیا شوهر حق ممانعت او را دارد یا نه؛ فرمود: اشتغال زن اگر موجب تضییع حقوق زناشویی شوهر نباشد، مانع ندارد؛ ولی بیرون رفتن زن از خانه منوط به اجازه شوهر است.(۲)

ضوابط شرعی اشتغال

روشن شد که اصل کار کردن زن در بیرون از منزل از نظر شرعی اشکال

۱- همان، ص ۳۴۶.

۲- استفتائات امام خمینی، ج ۳، ص ۳۵۶.

ندارد؛ ولی اسلام، برای حضور زن در عرصه های اجتماعی و اقتصادی، حدود و ضوابطی را قرار داده است.

استفتائات در حدود کار زن در بیرون منزل

اشاره

سؤال: آیا زن می تواند بدون توافق مرد، در ارگان های انقلابی فعّالیت کند؟

جواب: اصل کار با مراعات حجاب واجب و سایر ضوابط شرعی مانع ندارد؛ ولی خروج از منزل، منوط به اجازه شوهر است.(۱)

سؤال: آیا خانم ها می توانند در محلی مانند بیمارستان مشغول کار شوند که در آن جا دکتر مرد و زن کار می کنند؟ جواب: اشکال ندارد؛ ولی باید موازین شرعیه، از حجاب و غیر آن مراعات بشود.(۲)

سؤال: تدریس خانم ها به آقایان با رعایت کلیه موازین شرعی و اسلامی چه حکمی دارد؟

جواب: با حفظ حجاب و مراعات موازین شرعیه مانع ندارد.(۳)

سؤال: دختری هستم که برای گویندگی در سیمای جمهوری اسلامی انتخاب شده ام و به خاطر کمک به انقلاب آن را پذیرفته ام؛ آیا این کار من جایز است یا خیر؟ جواب: اصل شغل، مانع ندارد؛ ولی باید کاملاً مواظب وظایف شرعیه

۱- همان، ص ۳۴۶.

۲- همان، ص ۳۵۰.

۳- همان، ص ۳۵۱.

خودتان باشید.(۱)

سؤال: رانندگی خانم ها از لحاظ شرعی چه صورتی دارد؟ جواب: رانندگی برای بانوان با حفظ حجاب مانع ندارد، مگر آن که مفسده ای بر آن مترتّب باشد.(۲) سؤال: دوشیزگان می توانند پاسدار انقلاب شوند؟ جواب: در موارد لزوم، با تحصیل رضایت اولیا و مراعات وظایف شرعیه، مانع ندارد.(۳) زن در انتخاب شغل، در چارچوب شرع و قانون، آزاد است؛ ولی باید دقت کرد که برخی از کسب ها حرام و از نظر شرع و قانون ممنوع است که در ادامه به آن ها می پردازیم.

منع مرد از اشتغال همسرش

سؤال: آیا مرد می تواند بدون داشتن دلیل مانع اشتغال همسر خویش گردد؟

پاسخ: اگر قبل از ازدواج زن طبق قرارداد شرعی استخدام شده، یا هنگام ازدواج شرط کرده در این جهت آزاد باشد، شوهر نمی تواند اورا منع نماید. در غیر این صورت، می تواند.

سؤال: خواهشمند است توضیح دهید که آیا اجازه شوهر برای کار کردن زن لازم است یا خیر ؟

پاسخ: اگر قبل از ازدواج، قرارداد کارمندی بسته باشد یا با شوهر شرط کرده

۱- همان، ص۳۵۸.

۲- همان، ص۳۵۹.

۳- همان، ص ۳۶۱.

باشـد که کـار کردن مجـاز باشـد، شوهر نمی توانـد مانع شود. در غیر این صورت برای بیرون رفتن از خانه نیاز به اجازه شوهر دارد واما اگر کار در خانه انجام دهد وبا حقوق شوهر منافات نداشته باشد، نمی تواند مانع شود .(۱)

تصرف زن در اموالش

سوال: آیا شوهر می تواند زن را از تصرف در اموالش منع کند؟

جـواب: همه مراجـع محـترم تقلیـد: خیر؛ زن می توانـد هرگونه تصـرفی در اموال خود انجـام دهـد و اجـازه شوهر لازم نیست. (هرچند اگر از شوهر اجازه بگیرد، بهتر است).(۲)

ص: ۶۴

۱- http://www.sistani.org/persian/qa/۰۸۸۰/.

۲- سایت اسلام کوئست. . WWW.islamquest.net

بخش سوم: آموختن احکام کسب و تجارت

لزوم فراگیری احکام معامله قبل از تجارت

مسلمان قبل از هر چیز باید در این اندیشه باشد که کارش چگونه مورد رضایت خدا قرار می گیرد. لازمه چنین رویکردی آن است که احکام و وظایف خود را در زمینه کار و کسب خود بشناسد تا بتواند به آن ها عمل کند. «خرید و فروش» یا «بیع» یکی از مهم ترین و متداول ترین فعالیت اقتصادی در میان مردم است و نقش بسیار مهمی در روابط اجتماعی دارد. این مسئله همچون سایر فعالیت ها باید در محدوده مقررات اسلام باشد. از این رو، یادگیری احکام خرید و فروش لازمه معامله صحیح و شرعی است. به همین جهت امیرمؤمنان(علیه السّلام) فرمود:

«یا معشر التجّار الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر...؛ ای تاجران! اوّل یادگیری مسائل شرعی، بعد تجارت، یادگیری مسائل فقهی، سپس

ص: ۶۵

تجارت؛ یادگیری مسائل شرعی، سپس تجارت(۱)

در روایت دیگری به نقل از امام صادق(علیه السّلام) آمده است:

کسی که قصد تجارت دارد، احکام دینی آن را بیاموزد تا بدین طریق، حلال خود را از حرام آن، باز شناسد و کسی که بدون تفقه در دین خود، به تجارت بپردازد، در مال ها و درآمدهای شبهه ناک، غوطه ور می شود. (۲)

حضرت امام محمد باقر (علیه السّلام) نیز فرمودند:

حضرت امیرمؤمنان (علیه السّلام) هر روز صبح در حالی که تازیانه، خود را بر دوش نهاده بود، در یک یک بازارهای کوفه گردش می کرد و به هر یک از آن بازارها که می رسید می ایستاد و به آن ها می فرمود : خیرو برکت را از خداوند بخواهید و سختگیری را کنار گذاشته؛ معاملات را با سُهُولت انجام بدهید ومیان خریداران فرق مگذارید و خود را با حِلْم و حوصله آراسته کنید. از دروغگویی و قسم خودداری کنید و از ظلم و اِجْحاف جدّاً بپرهیزید و یار و یاور مظلومان باشید و هرگز به ربا خواری نزدیک مشوید و پیمانه و میزان را مراعات کنید و از حقّ مردم کم نگذارید و در راه فساد و تباهی هرگز گام مگذارید!(۳)

بنابراین، اولین وظیفه در تجارت و معامله، آموختن احکام شرعی و بعد تلاش برای عمل به آن است تا داد و ستد به صورت صحیح انجام گیرد و اموالی که از آن راه به دست می آید، حلال باشد و مالک بتواند در آن ها تصرف

۱- اصول کافی، ج۵، ص ۱۵۰. ح ۱.

۲- «من اراد التجاره، فلیتفقه فی دینه لیعلم ما یحل له مما یحرم علیه، و من لم یتفقه من دینه ثم اتجر تورط الشبهات» (وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۸۲).

۳- اصول کافی،ج ۵، ص۱۵۱.

کند. چنانچه در یادگرفتن احکام شرعی دقت کافی نداشته باشد و معامله به صورت باطل انجام گیرد، اموال به دست آمده نیز حرام خواهد بود و تصرف در آن ها و استفاده از آن ها جایز نیست و نتیجه طبیعی آن، خروج از سلامت در تن و روان و گرفتاری به خشم و غضب الهی است. گروه های بسیاری به سبب همین راه نادرست، خود و جامعه خویش را نابود کردند که شاید بتوان مهم ترین و مشهورترین آن ها را همان قوم شعیب دانست که در شهر مدین می زیستند و به شیوه های نادرست خرید و فروش گرفتار بودند و از ترازو و پیمانه کم می گذاشتند و به سخنان مصلحانه حضرت شعیب(علیه السّلام) نیز گوش نمی دادند و سرانجام به خشم خداوند دچار شدند.

امام خمینی (قدسّ سرّه) در این مورد می فرمایند:

واجب است بر هر کسی که تجارت می کند و سایر معاملات را انجام می دهد، احکام شرعی آن ها را و مسائل مربوط به آن ها را یاد بگیرد تا معاملات و تجارت های صحیح و باطل را بشناسد.(۱)

معاملات حرام و باطل

مسئله: در چند مورد، معامله باطل است:

۱: خرید و فروش عین نجس، مانند مشروبات مست کننده و سگ غیر شکاری و خوک؛

تبصره: خرید و فروش عین نجسی که بتوان از آن برای حلال استفاده کرد، جایز است، مانند خرید و فروش مدفوع برای کود سازی و نیز خرید و فروش خون

ص: ۶۷

۱- تحریرالوسیله، ج۱، ص ۵۰۰.

که در زمان ما برای نجات مجروحین و بیماران مورد استفاده قرار می گیرد.

۲. خرید و فروش مال غصبی؛ مگر آن که صاحب آن مال معامله را اجازه کند(۱)؛

۳. خرید و فروش چیزی که نزد مردم مالیت و ارزش ندارد، مانند بعضی از حشرات؛

۴. معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مثل آلات قمار و موسیقی(۲)؛

تبصره: اگر چیزی را که می شود از آن استفاده حلال ببرند به قصد این بفروشد که آن را درحرام مصرف کنند؛ مثلاً انگور را به این قصد بفروشند که از آن شراب تهیه کنند، معامله آن حرام و باطل است.(۳)

۵. معامله ای که در آن ربا باشد، باطل و حرام است. (۴)

غش در معامله

اشاره

از جمله معاملات باطل «غش در معامله» است. «غش» یعنی فروختن جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم این نکته را به خریدار نگوید؛ مثل شیر مخلوط با آب که به جای شیر خالص فروخته شود، یا طلا با مس مخلوط که به جای طلای ناب فروخته شود، یا چای بد با چای خوب مخلوط شود، یا در روغن حیوانی، پیه داخل شود

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۶۴.

۲- همان، مسئله ۲۰۶۷.

۳- بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید و زنجانی: «ولی اگر به این قصد نفروشد و فقط بداند که مشتری از انگور شراب تهیه خواهد کرد، معامله اشکال ندارد». (همان، مسئله ۲۰۶۸).

۴- توضیح المسائل مراجع ، مسئله ۲۰۵۵.

و آن گاه مجموع را به نام جنس عالی و به قیمت آن بفروشد. این عمل را «غش» می گویند.

پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«از ما نیست کسی که در معامله با مسلمان غش کند، یا به آنان ضرر بزند یا تقلّب و حیله کند و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می برد و راه معاش او را می بندد و او را به خودش واگذار می کند.(۱)»

حکم غش در معامله

مسئله: هر گاه فروشنده در فروش جنس تقلب کند؛ مثلا چای اعلا را با چای نامرغوب مخلوط کند و به اسم چای اعلا بفروشد و مشتری هنگام خرید از این موضوع خبر نداشته باشد و بعدا متوجه شود؛ می تواند معامله را به هم بزند.(۲)

فروختن جنس پاکی که نجس شده

۱. فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است، اشکال ندارد؛ ولی اگر مشتری بخواهد آن چیز را بخورد، باید فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.(۳)

۱- «أَلَا وَ مَنْ غَشَّنَا فَلَیسَ مِنَّا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ بَرَکَهَ رِزْقِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَیهِ مَعِیشَتَهُ وَ وَکَلَهُ إِلَی نَفْسِهِ» (وسایل الشیعه، ج ۱۷ ،ص ۲۸۳).

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۲۸.

۳- بنابر فتوای آیت الله وحید: «ولی اگر مشتری آن چیز را برای خوردن و آشامیدن بخواهد، یا برای عملی که طهارت ظاهری برای صحّت آن کافی نیست (مثل آن که آب را برای وضو گرفتن و غسل کردن بخواهد) نجاست آن را باید به او بگوید.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «ولی در لباس لازم نیست نجس بودنش را بگوید؛ اگر چه مشتری با آن نماز بخواند.» (همان، مسئله ۲۰۵۶).

۲. اگر چیز پاکی مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست، نجس شود؛ چنانچه مثلاً روغن نجس را برای خوردن به خریدار بدهند، معامله باطل و عمل حرام است و اگر برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن نیست؛ مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند، فروش آن اشکال ندارد.(۱)

قصد ندادن پول جنس

اگر قصد خریدار این باشد که پول جنس را ندهد، معامله اشکال دارد.(۲)

دادن پول جنس از پول حرام

اگر خریدار بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد و از اول هم قصدش این باشد، معامله اشکال دارد، و اگر قصدش این نباشد، معامله صحیح است؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است، از مال حلال بدهد.(۳)

۱- فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید و زنجانی دارای تفصیلاتی بیش تری در این زمینه است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۰۶۳).

۲- بنابر فتوای حضرات آیات وحید، صافی، سیستانی و نوری: «اگر خریدار جدّاً قاصد معامله است؛ ولی قصدش این باشد که پول جنسی را که می خرد، ندهد؛ این قصد، به صحّت معامله ضرر ندارد و لازم است پول آن را به فروشنده بدهد» (همان، مسئله ۲۰۶۵).

۳- بنابر فتوای حضرات آیات وحید، سیستانی و صافی: «اگر خریدار معامله را به ذمّه انجام دهد و بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد، معامله صحیح است؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد و اگر از حرام بدهد، دینش ادا نمی شود.» بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر کسی جنسی را با پول معین حرام بخرد، معامله باطل است؛ ولی اگر معامله بر روی پول غیر معین (به گونه کلّی) انجام گیرد و خریدار تصمیم داشته باشد که پول جنس را از مال حرام بدهد، در صورتی که فروشنده راضی باشد؛ مثل آن که شخصی لاابالی باشد، یا به علت ندانستن وضعیت پول پرداخت شده و حلال بودن آن پول برای وی، به حکم ظاهر شرع، به معامله راضی باشد؛ معامله صحیح می باشد؛ ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۶۶).

خرید جنس دزدی و تهیه شده از قمار

خریدن جنسی که از قمار، یا دزدی، یا از معامله باطل تهیه شده، باطل است و تصرف در آن مال حرام می باشد، و اگر کسی آن را بخرد، باید به صاحب اصلی اش برگرداند.(۱)

معاملات مکروه

در مورد مکروه بودن معامله دو جهت مورد نظر است:

جهت اول، اعمالی است که در معامله بهتر است ترک شود و انجام دادن آن ها مکروه می باشد که عبارتند از:

۱. معامله با مردمان پست و فرومایه؛

۲. دخالت کردن در معامله برادر دینی؛ به این صورت که دو نفر در حال معامله با یکدیگر هستند و نفر سومی در معامله آنان دخالت کند.(۲)

جهت دوم، شغل های مکروه است که عبارتند از:

۱. قصابی؛

۲. کفن فروشی؛

۳. خرید و فروش گندم و جو و مانند آن ها.

۱- همان، مسئله ۲۰۷۰.

۲- بنابر فتوای حضرات آیات وحید، صافی، نوری و زنجانی: «هشتمین معامله مکروه مِلک فروشی است؛ مگر این که ملک دیگری با پول آن بخرد» (همان، مسئله ۲۰۵۴).

شرایط خریدار و فروشنده

اشاره

برای انجام دادن هر معامله یا انتقال جنس و عوض که در دین اسلام به عنوان قرار داد تایید شده است؛ دو طرف باید شرایطی را داشته باشند که این شرایط در جاهای دیگری از فقه نیز جاری است؛ مثل شرکت، ضمانت، هبه، حواله، رهن، اجاره، صلح، جعاله و وکالت.

مسئله: فروشنده و خریدار باید شش شرط زیر را دارا باشند:

۱. بالغ باشند؛

۲. عاقل باشند؛

۳. سفیه(۱) نباشند و نیز مجتهد جامع الشرایط(حاکم شرع) آن ها را از تصرف در اموالش منع نکرده باشد؛

۴. آن که قصد خرید و فروش داشته باشند. بنابراین، اگر فروشنده به شوخی بگوید: «مال خود را فروختم»؛ معامله باطل است؛

۵. کسی آن ها را به معامله مجبور نکرده باشد؛

۶. جنس و عوضی را که می دهند، مالک باشند؛ یا مثل پدر و جد ولایت اختیار مال بچه در دست او باشد.(۲)

حکم معامله اجباری

اگر خریدار یا فروشنده را به معامله مجبور کنند، چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید: «راضی هستم»، معامله صحیح است؛ هر چند در این

۱- «سفیه» کسی است که توانایی حفظ اموال خود را ندارد و درنتیجه اموال خود را در جهت اهداف نادرست صرف می کند. در مقابل سفیه، «رشید» قرار دارد.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسائل ۲۰۸۱، ۲۱۴۵، ۲۱۶۱، ۲۱۷۳، ۲۲۱۹، ۲۲۵۹، ۲۲۹۰، ۲۳۰۳ و ۲۳۱۱.

صورت نیز مستحب است دوباره صیغه معامله را بخوانند.(۱)

معامله با بچه ها

معامله با بچه باطل است؛ اگر چه با اجازه پدر یا جدّش معامله کند؛ مگر در دو مورد:

۱. بچه اگر ممیز باشد (خوب و بد را بفهمد) و چیز کم قیمتی را که معامله آن برای بچه ها متعارف است، معامله کند؛ اشکال ندارد؛

۲. اگر در معامله ای کودک، در حکم وسیله ای باشد که پول را به فروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند، یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند، که چنین معامله ای صحیح است. البته باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می رساند.(۲)

کسی که از بچه چیزی می خرد یا چیزی به او می فروشد:

۱. باید جنس یا پولی را که از او گرفته به صاحب آن بدهد، یا از صاحبش رضایت بخواهد؛

۲. در فرض بالا، اگر صاحب آن را نشناسد و برای شناختن او هم راهی نداشته باشد، باید چیزی را که از بچه گرفته از طرف صاحب آن، رد مظالم بدهد؛

۳. اگر چیزی را که گرفته مال خود بچه باشد، باید به ولی او برساند و اگر او را نیافت، باید به مجتهد جامع الشرایط بدهد.(۳)

۱- همان، مسئله ۲۰۸۵.

۲- همان، مسئله ۲۰۸۲.

۳- بنابر فتوای حضرات آیات نوری و زنجانی: «با اجازه حاکم شرع صدقه بدهد» و بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی و وحید: «با اجازه حاکم شرع رد مظالم بدهد» (همان، مسئله ۲۰۸۳).

تلف مال در معامله با بچه

اگر کسی با بچه نابالغ معامله کند و جنس یا پولی که به بچه داده در دست او از بین برود، نمی تواند آن را از بچه یا ولی او آن را مطالبه کند.(۱)

فروش مال بچه توسط دیگران

۱. پدر و جدّ پدری طفل در صورتی می توانند مال طفل را بفروشند که برای او مفسده نداشته باشد؛ بلکه بهتر آن است که تا مصلحت نباشد، نفروشند؛

۲. وصی پدر و وصی جد پدری و حاکم شرع، فقط درصورتی می توانند مال طفل را بفروشند که مصلحت طفل در آن باشد.(۲)

فروش مال دیگری بدون اجازه (بیع فضولی)

مسئله: اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد، چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه نکند، معامله باطل است.(۳)

(این مورد در اموال شرکا زیاد اتفاق می افتد.)

ص: ۷۴

۱- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر کسی با بچه نا بالغ معامله کند و بچه، جنس یا پولی را که به او داده است، از بین ببرد؛ می تواند از بچه، بعد از بلوغش یا از ولی او مطالبه نماید و اگر بچّه ممیز نباشد، یا ممیز باشد؛ ولی خودش مال را تلف نکرده باشد، بلکه نزد او تلف شده باشد؛ هر چند در اثر اهمال یا تفریط او باشد، ضامن نیست.» بنابر فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و نوری: «چنانچه بچه ممیز باشد این شخص می تواند عوض مالی را که از دست رفته، از بچه بعد از بلوغ، یا ولی او مطالبه نماید؛ ولی اگر بچه ممیز نباشد، نمی تواند از بچه یا ولی او مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۰۸۶).
۲- بنابر فتوای آیت الله وحید: «و همچنین مال دیوانه و غایب را در صورتی که ضرورت اقتضا کند» (همان، مسئله ۲۰۸۷).
۳- همان.

شرایط جنس فروخته شده و عوض آن (عوض و معوّض)

جنسی که فروخته می شود و عوضی که در مقابل آن گرفته می شود، پنج شرط دارد:

۱. آن که مقدار آن با وزن یا پیمانه یا تعداد و مانند آن معلوم باشد؛

۲. بتوانند آن را تحویل دهند. بنابراین، فروختن اسبی که فرار کرده، صحیح نیست؛

۳. خصوصیاتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آن ها میل مردم به معامله فرق می کند؛ مشخص سازد؛

۴. کسی در جنس، یا در عوض آن حقّی نداشته باشد. پس مالی را که انسان نزد کسی گرو گذاشته، بدون اجازه او نمی تواند بفروشد.

۵. خود جنس را بفروشد، نه منفعت آن را که در این صورت اشکال دارد، مثلاً اگر منفعت یک ساله خانه را بفروشد.

دو نکته را باید ملاحظه کرد.

۱-۵. اگر مثلا منفعت یک ساله خانه را بفروشد، اشکال دارد؛

نکته: چنانچه خریدار به جای پول، منفعت ملک خود را بدهد؛ مثلا فرشی را از کسی بخرد و عوض آن منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند؛ اشکال ندارد.(۱)

تفاوت شهرها معاملات

۱. انسان باید جنسی را که در شهری با وزن یاپیمانه معامله می کنند، در آن شهر با وزن یا پیمانه بخرد؛

۱- تحریر الوسیله، ج۱، صص ۳۹۰-۳۹۳.

۲. انسان می تواند همان جنس را در شهری که با دیدن معامله می کنند، با دیدن خریداری نماید.(۱)

حکم وزن کردن به جای پیمانه

مسئله: چیزی را که با وزن خرید و فروش می کنند، با پیمانه کردن نیز می توان معامله کرد؛ مثلا می تواند ۱۰ کیلو گندم را با ۱۰ پیمانه ای که هر پیمانه یک کیلو گندم جا می گیرد، معامله کند.(۲)

معامله کالای وقفی

۱. معامله چیزی که وقف شده، باطل است؛

۲. اگر مال وقفی در معرض خرابی باشد، یا به گونه ای خراب شود که نتوانند استفاده ای را که مال برای آن ها وقف شده، از آن ببرند؛ فروش آن اشکال ندارد؛

مثال: اگر حصیر مسجد طوری پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند، فروش آن اشکال ندارد؛ ولی در صورت امکان باید پول آن را در همان مسجد در موردی که به مقصود وقف کننده نزدیک تر است؛ هزینه کنند.(۳)

خرید و فروش ملک اجاره ای

۱. خرید و فروش ملکی که آن را به دیگری اجاره داده اند، اشکال ندارد؛

۲. در این صورت استفاده آن ملک در مدت اجاره، مال مستأجر است و خریدار حق ندارد مستاجر را از ملک بیرون کند.

۳. اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده اند، یا به گمان این که مدّت

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۹۱.

۲- همان، مسئله ۲۰۹۲.

۳- همان، مسئله ۲۰۹۴.

اجاره کم، است ملک را خریده باشد؛ پس از اطلاع می تواند معامله خودش را به هم بزند.(۱)

دو تذکر

۱. اگر یکی از شرط هایی که بیان شد، در معامله رعایت نشود، معامله باطل است؛ ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرّف کنند، تصرّف آن ها اشکال ندارد؛

در معامله، هر یک از طرفین باید قصد معامله داشته باشد. لذا اگر به شوخی یا تفریحی و یا بدون قصد معامله خرید و فروش صورت بگیرد، معامله باطل است.

۱. بنابراین، باید قصد جدی در معامله کردن وجود داشته باشد. (۲)

انواع معامله از جهت خواندن صیغه خرید و فروش

اشاره

از لحاظ خواندن صیغه خرید و فروش، دو نوع معامله وجود دارد: «معامله عقدی» و «معامله معاطاتی».

۱. معامله با صیغه خرید و فروش (معامله عقدی)

الف. در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند؛ مثلاـ اگر مشتری به فارسی بگوید: «این مال را در عوض این پول فروختم» و مشتری بگوید: «قبول کردم»؛ معامله صحیح است؛

ب. خریدار و فروشنده باید قصد انشا داشته باشند؛ یعنی مقصودشان با گفتن این دو جمله خرید و فروش باشد، نه خبر دادن از آن.

۱- همان، مسئله ۲۰۹۶.

۲- بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی و صافی: «در شرط چهارم اگر گروگیرنده معامله را امضا کند، یا ملک از گرو بیرون بیاید، معامله صحیح است» (همان، مسئله ۲۰۹۳).

۲. معامله بدون صیغه خرید و فروش (معامله معاطاتی)

اگر موقع معامله صیغه نخوانند ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می گیرد، مال خود را ملك او کند؛ معامله صحیح است و هر دو طرف مالك می شوند.

معامله در قالب امضای اسناد

امضای اسناد معامله (خواه در دفاتر رسمی یا در غیر آن، به صورتی که در زمان ما متعارف است) جانشین صیغه لفظی است و مشکلی ندارد.

گرفتن و واگذار کردن (قبض و تسلیم)

مسئله: در معامله نقدی خریدار و فروشنده باید بعد از معامله جنس و پول را به یکدیگر تسلیم کنند و تأخیر انداختن جایز نیست؛ مگر این که طرف مقابل راضی باشد و اگر یکی از دو طرف جنس یا قیمت را نداد، مجبورش می کنند. در صورتی که معامله به صورت نقدی انجام شده باشد؛ یعنی در معامله مدتی برای تحویل جنس یا پول قرار نداده باشند؛ واجب است، جنس و پول آن را بعد از عقد به یکدیگر تسلیم کنند. پس برای هیچ یك از آن ها تأخیر انداختن جایز نیست؛ مگر این که با رضایت طرفش باشد و اگر هر دو یا یکی از آنان از این کار خود داری کرد، اجبار صورت می گیرد.

مسئله: اگر جنس قبل از آن که به خریدار تسلیم شود، تلف گردد؛ از مال فروشنده می باشد و معامله فسخ می شود و پول جنس به خریدار بر می گردد و اگر جنس فروخته شده، قبل از تحویل گرفتن، افزایش قیمت پیدا کند؛ مثلا بچه بیاورد یا میوه بدهد، مال خریدار است و اگر قبل از قبض، عیب پیدا کند، خریدار بین فسخ آن و امضای آن در برابر تمام قیمت، حق به هم زدن معامله را دارد و حق گرفتن تفاوت قیمت را ندارد.

مسئله: اگر اجناسی را به صورت عمده و کلی بفروشد؛ سپس بعضی از آن ها قبل از تحویل دادن تلف شود، معامله نسبت به آنچه تلف شده، باطل است و

آن مقـدار از قیمت که به آن مقـدار تلـف شـده مختص است، به مشـتری بر گشت داده می شـود، و مشـتری حق دارد در مورد اجناس باقی مانده معامله را فسخ کند، یا به معامله رضایت دهد.(۱)

احکام معامله نقد

«معـامله نقـد»، بـدان معنـاست که مبنای طرفین معامله این باشـد که بلافاصـله بعـد از عقـد، اجناس را تحویل دهنـد؛ حال یا در معامله به این نکته تصـریح بکننـد، یا این مطلب از اطلاق معامله فهمیـده شود؛ هر چنـد ممکن است در واقع بلافاصـله این کار انجام نشود.

وقت تحویل کالا و چگونگی آن

اشاره

۱. اگر جنسـی را نقـد بفروشـند، خریـدار و فروشـنده، بعـد از معامله می توانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه کرده، آن را، تحویل بگیرند؛

۲. اگر فروشـنده بخواهد زودتر جنس را تحویل دهد، خریدار می تواند آن را بگیرد؛ حتی خریدار و فروشـنده می توانند توافق کنند که فروشنده در قبال گرفتن مبلغی، جنس را زودتر تحویل دهد؛

۳. تحویل دادن هر چیز به حسب خودش می باشـد؛ مثلاً تحویل دادن خودکار و کتاب آن است که به دست خریدار بدهند، و تحویـل دادن خـانه و بـاغ این است که کلیـد خـانه یا باغ را به خریـدار بدهنـد و اثاثیه خود را از آن جا تخلیه کننـد و از ورود خریدار به باغ جلوگیری نکنند. تحویل دادن مغازه نیز به این صورت است.(۲)

۱- تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، صص ۴۱۷- ۴۱۹.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۰۴.

احکام معامله نسیه

«معـامله نسـیه» آن است که کالاـ حاضـر باشـد و بعـد از معامله به مشتری تحویل گردد و پرداخت قیمت به توافق طرفین مهلت داشته باشد؛ یعنی مشتری قیمت کالا را در وقت تعیین شده به فروشنده بدهد.(۱)

قیمت بیش تر در معامله نسیه

مسئله: خریـد و فروش نسـیه کالاـ به مبلغی بیش تر از قیمت نقـدی آن اشـکال نـدارد و تفـاوت نقـد و نسـیه ربا محسوب نمی شود؛(۲)

امّا اگر بعد از معامله به ازای مهلت بیش تر ، مبلغ را اضافه کنند، مقدار اضافی ربا محسوب می شود؛ مثلاً اگر شخصـی کالایی را سه ماهه به طور نسیه بخرد و بعد از رسیدن موعد مقرّر از فروشنده مهلت را تمدید کند، به این شرط که مبلغی زاید بر آنچه هنگام معامله تعیین شده به او بپردازد؛ این مقدار اضافی ربا بوده و حرام است.(۳)

تعیین مدت در معامله نسیه

در معامله نسـیه باید مدت پرداخت پول و عوض کاملاً معلوم باشد. پس اگر جنسی را بفروشد که سر خرمن پول آن را بگیرد، چون مدت کاملاً معین نشده است، معامله باطل است.(۴)

درخواست عوض در معامله نسیه

۱. فروشنده نمی تواند در معامله نسیه قبل از فرا رسیدن مدتی که قرار

۱- موسوعه الفقهیه، ج ۷، ص ۴۱۶.

۲- اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۶۳۰.

۳- همان، سؤال ۱۷۷۵.

۴- همان، مسئله ۲۱۰۵.

گذاشته اند، پول جنس را از مشتری مطالبه کند؛

اگر خریدار از دنیا برود و از خودش مال داشته باشد، فروشنده می تواند پیش از تمام شدن مدّت، طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.(۱)

۲. در معامله نسیه، فروشنده می تواند بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته اند، عوض آن را از خریدار مطالبه نماید؛ البته اگر خریدار نتواند بپردازد، باید به او مهلت دهد.(۲)

معلوم بودن قیمت کالا در معامله نسیه

قیمت جنس در معامله نسیه باید دقیقاً معلوم باشد. بنابراین:

۱. اگر مشتری قیمت جنس را نداند، و آن را نسیه بخرد، معامله باطل است؛

۲. اگر فروشنده بگوید: این جنس را نقداً به فلان مبلغ و به صورت نسیه به فلان مبلغ می فروشم؛ ولی تعیین نکنند که به صورت نقد می فروشد یا نسیه؛ معامله باطل است؛

۳. اگر فروشنده بگوید: این جنس را به فلان مبلغ خریده ام و آن را در برابر هر ماه تأخیر، در مقابل پرداخت فلان مبلغ اضافه به صورت نسیه می فروشم؛ معامله باطل است؛

۴. اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می داند، نسیه بدهد و گران تر حساب کند؛ مثلاً بگوید: «جنسی را که به تو نسیه می دهم، تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می فروشم گران تر حساب می کنم»؛ و او قبول کند؛

۱- همان، مسئله ۲۱۰۶.

۲- فتوای حضرات آیات سیستانی، زنجانی و وحید: «یا معامله را فسخ کند و در صورتی که آن جنس موجود است، پس بگیرد» (همان، مسئله ۲۱۰۷).

اشکال ندارد.(۱)

گرفتن نقدی پول کمتر، پس از فروش نسیه

مسئله: کسی که جنسی را به صورت نسیه فروخته و مدت و سررسیدی برای گرفتن پول آن معین کرده است؛ اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت، مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد؛ اشکال ندارد.(۲)

احکام معامله سلف (پیش فروش)

«معامله سلف» آن است که مشتری پول را بدهد تا بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد. بنابراین:

۱. اگر مشتری، مثلاً بگوید: این پول را می دهم که بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید: «قبول کردم» صحیح است؛

۲. اگر فروشنده پول را بگیرد و بگوید: فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم، معامله صحیح است.(۳)

فروش طلا به طلا و نقره به نقره

اشاره

مسئله: اگر پول طلا و نقره را سلف بفروشد و عوض آن را پول طلا و نقره بگیرد، معامله باطل است؛ ولی اگر جنسی را سلف (پیش فروش) بفروشد و عوض آن را جنس دیگر یا پول بگیرد، معامله صحیح است و مستحبّ آن است در عوض جنسی که می فروشد، پول بگیرد و جنس دیگر نگیرد.(۴)

۱- همان، مسئله ۲۱۰۸.

۲- همان، مسئله ۲۱۰۹.

۳- همان، مسئله ۲۱۱۰.

۴- همان، مسئله ۲۱۱۱.

شرایط معامله سلف

اشاره

معامله سلف شش شرط دارد:

۱. تعیین خصوصـیات جنس: بنابراین، خصوصیاتی را که قیمت جنس به واسطه آن ها فرق می کند، باید معین کنند؛ ولی دقت زیاد لازم نیست؛ بلکه همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده، کافی است.

۲. پرداخت قیمت کالا: به این معنی که پیش از این که خریدار و فروشـنده از هم جدا شوند، خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد، یا به مقدار پول آن از فروشنده طلبکار باشد، و طلب خود را بابت پول جنس حساب کند و او قبول نماید؛(۱)

بنابراین، چنانچه مقداری از قیمت آن را بدهد؛ اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است؛ فروشنده می تواند معامله همان مقدار را به هم بزند.

۳. مـدت را کاملاً معین کنند: بنابراین، اگر مثلاً فروشـنده بگوید: «تا اول خرمن، جنسـی را تحویل می دهم»؛ چون مدّت کاملاً معلوم نشده؛ معامله باطل است؛

۴. وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت، جنس به قدری کمیاب نباشد که فروشنده نتواند آن را تحویل دهد؛

۵. جای تحویل جنس را معین کنند؛ ولی اگر از حرف های آنان جای آن معلوم باشد، لازم نیست اسم آن جا را ببرند؛

۶. وزن، پیمانه، یا تعداد جنس را مشخص کنند، و جنسی را هم که معمولاً

۱- بنابر فتوای آیت الله سیستانی در شرط دوم: «فروشنده می تواند معامله را به هم بزند.»

با دیدن، معامله می کنند، اگر سـلف بفروشـند، اشکال ندارد؛ ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ، تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.(۱)

فروش جنس خریداری شده به سلف

مسئله: انسان نمی تواند جنسی را که سلف خریده، پیش از تمام شدن مدت بفروشد؛ ولی بعد از تمام شدن مدت، اگر چه آن را تحویل نگرفته باشد، فروختن آن اشکال ندارد.(۲)

قبول و تفاوت جنس مورد تحویل

۱. در معامله سلف، اگر فروشنده جنسی را که قرار داد کرده است، بدهد؛ مشتری باید قبول کند؛

۲. اگر جنسی را که فروشنده می دهد، بهتر یا پست تر از جنسی باشد که قرارداد کرده اند، مشتری می تواند قبول نکند؛(۳)

۳. اگر فروشنده به جای جنسی که قرارداد کرده، جنس دیگری بدهد؛ در صورتی که مشتری راضی شود، اشکال ندارد.(۴)

۱- بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی و وحید: «معامله سلف هفت شرط دارد که شرط هفتم عبارت است از: چیزی را که می فروشند، چنانچه از اجناسی باشد که با وزن یا پیمانه فروخته می شوند ، عوض آن از همان جنس نباشد؛ مثلا گندم را به گندم سلفاً نمی توان فروخت» (همان، مسئله ۲۱۱۲).

۲- فتوای حضرات آیات سیستانی، زنجانی و آیت الله وحید در این مورد دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۱۳).

۳- همان، مسئله ۲۱۱۴.

۴- همان، مسئله ۲۱۱۶.

نایاب شدن جنس در وقت تحویل

اگر در موقع تحویل جنس در معامله سلف، جنس نایاب شود و فروشنده نتواند آن را تهیه کند، دو راه برای خریدار وجود دارد:

۱. مشتری می تواند صبر کند تا فروشنده آن را تهیه نماید؛

۲. مشتری می تواند معامله را به هم بزند و چیزی را که داده است، پس بگیرد.(۱)

نسیه بودن جنس و عوض

مسئله: اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد؛ معامله باطل است.(۲)

اقسام معاملات

معامله مساومه

«معامله مساومه(۳)»، معامله ای است که خریدار و فروشنده در مورد جنس و قیمت توافق می کنند، بدون این که قیمت خرید جنس و سود و زیان فروشنده مشخص باشد. این نوع معامله، بهترین نوع معامله است.

۲ معامله مرابحه

«معامله مرابحه» معامله ای است که فروشنده با اعلام بهای کالای خریداری شده به خریدار، سودی روی آن بکشد و آن را بفروشد. (۴)

۱- همان، مسئله ۲۱۱۷.

۲- همان، مسئله ۲۱۱۸.

۳- ساوم، سواماً مساومهٔ: برابر و مساوی کرد؛ بالسلعهٔ: بر سر نرخ کالاـ با خریدار چانه زد تا این که بر قیمتی توافق کردند (فرهنگ ابجدی، ص۴۷۲).

۴- رساله نوین امام خمینی، ص۲۲۸.

این معامله می تواند به صورت نقد یا نسیه (اقساطی) صورت بگیرد. این معامله به صورت نسیه یا اقساطی و با قیمتی بیش از قیمت فروش نقدی، صحیح است.(۱)

سوال: آیا بیع مرابحه محدوده خاصی دارد، یا در همه کالاها و خدمات قابل اجراست و آیا سود مرابحه می تواند به صورت درصدی تعیین گردد، یا باید به صورت مبلغ معینی باشد؟

جواب: بیع مرابحه به معامله ای اطلاق می شود که فروشنده با اعلام بهای کالای خریداری شده، آن را از قیمت خرید گران تر بفروشد. این معامله در هر کالا ـ و عینی جاری بوده، و پس از مشخص شدن قیمت خرید، می توان مقدار سود فروش را بر اساس درصد، یا غیر آن، تعیین نمود.(۲)

۳ معامله مواضعه

«معامله مواضعه»، معامله ای است که هنگام معامله، فروشنده قیمت کالای خریداری شده را بگوید و چیزی از آن قیمت کم کند و بفروشد.(۳)

– معامله تولیه

اشاره

«معامله تولیه»، معامله ای است که فروشنده قیمت خرید جنس را به خریدار اعلام می کند و به همان قیمت خرید جنس را می فروشد، بدون این که

۱- استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی، نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست www.islamquest.net.

۲- استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی توسط سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

۳- رساله نوین امام خمینی، ص ۲۲۹.

سودی روی آن بگذارد.(۱)

بازار سیاه

سوال: کسانی که در خرید و فروش خانه و ماشین و غیره با قیمت های فوق العاده فعالیت دارند و از این راه بدون هیچ گونه کار و فعالیت سود زیادی می برند و به بازار آشفته امروزی دامن می زنند و در اصطلاح بازار سیاه ایجاد می کنند، چه حکمی دارند.

جواب: اجحاف جایز نیست و باید مطابق مقررات عمل شود.(۲)

احکام برهم زدن معامله (خیار)

در بعضی موارد خریدار و فروشنده یا هر دو می توانند معامله انجام شده را به هم بزنند (فسخ کنند). حق به هم زدن معامله را «خیار فسخ» می گویند که گاهی به اختصار «خیار» گفته می شود.

خریدار و فروشنده در چند مورد می توانند معامله را به هم بزنند، که در ادامه، تعریف و احکام هر کدام به صورت مختصر ذکر می شود:

۱. خیار مجلس: تا زمانی که دو طرف معامله از مجلس داد و ستد متفرق نشده باشند و جلسه معامله به هم نخورده باشد؛ می توانند معامله را فسخ کنند؛

۲. خیار غبن: در صورتی که خریدار یا فروشنده در معامله فریب خورده باشند؛ می توانند معامله را به هم بزنند؛

۳. خیار شرط: در صورتی که در معامله قرار بگذارند تا مدت معینی هر دو یا

۱- همان.

۲- همان، ص ۲۳۰.

یکی حق به هم زدن معامله را داشته باشند؛ طبق قرارداد می توانند معامله را به هم بزنند؛

۴. خیار تـدلیس: زمانی که خریـدار یا فروشـنده مال خود را بهتر از آنچه هست، نشان دهد تا آن مال در نظر مردم ارزشـمندتر جلوه کند، طرف مقابل می تواند معامله را به هم بزند؛ مثلا: خانه را سفید و رنگ کاری کنند تا مشتری از باطن آن اطلاع پیدا نکند، یا در ظرف میوه، میوه های درشت را روی آن قرار دادن، یا کیلومتر اتومبیل را تغیر دادن؛(۱)

۵. خیـار تخلف شـرط: اگر فروشـنده یـا خریـدار شـرط کنـد کـاری انجـام دهـد، یـا شـرط کنـد مـالی را که می دهـد به گونه مخصوصی باشد؛ ولی به آن شرط عمل نکند؛ در این صورت، طرف دیگر معامله می تواند معامله را به هم بزند؛

۶. خیار عیب: اگر پیش از معامله در جنس یا عوض آن عیبی باشـد که فروشـنده یا خریدار قبلا از آن اطلاع نداشـته باشد، می تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت جنس معیوب و جنس سالم را بگیرد؛

۷. خیـار شـرکت: اگر معلوم شود مقـداری از جنسـی که فروخته انـد، مـال دیگری است؛ یعنی شـریک دارد، اگر صـاحب آن مقـدار به معامله راضـی نشود، خریـدار می توانـد معامله را به هم بزند، یا پول آن مقدار را از فروشـنده بگیرد و همچنین اسـت نسبت به جنسی که مشتری به خریدار داده است؛

۸. خیار رویت: اگر خریدار یا فروشـنده خصوصیات جنس معینی را که طرف دیگر ندیده است، به او بگوید و بعد معلوم شود آن گونه که گفته نبوده است، می تواند معامله را به هم بزند؛

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۲۴.

۹. خیار تاخیر: در صورتی که مشتری پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد، در صورتی که تاخیر آن شرط نشده باشد، فروشنده می تواند معامله را به هم بزند؛ ولی در اجناسی که اگر یک روز بماند فاسد می شود، مثل برخی میوه ها، تاخیر تا شب است؛

۱۰. خیار تعذر تسلیم: در صورتی که فروشنده نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد؛ مثلاً اسبی را که فروخته فرار کند، در این صورت، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.(۱)

حکم گران خریدن و ارزان فروختن

۱. اگر خریدار قیمت جنس را نداند، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را از قیمت معمولی آن گران تر بخرد؛ چنانچه به قدری گران خریده که مردم او را فریب خورده می دانند و به کمی و زیادی آن اهمیت می دهند؛ می تواند معامله را به هم بزند؛

۲. اگر فروشنده قیمت جنس را نداند، یا موقع معامله غفلت کند و جنس را از قیمت آن ارزان تر بفروشد، در صورتی که مردم به مقداری که ارزان فروخته، اهمیت بدهند و مردم او را فریب خورده بدانند؛ می تواند معامله را به هم بزند.(۲)

احکام معامله شرطی

۱. اگر در معامله، طرفین شرط کنند که اگر فروشنده راس تاریخ معینی پول مشتری را پس بدهد، و جنس فروخته شده مال خودش باشد؛ شرط صحیح است و باید به آن وفا شود. این معامله را «معامله شرطی» می گویند؛

۱- همان.

۲- همان، مسئله ۲۱۲۵.

۲.معامله ای که به این صورت واقع می شود؛ جنس فروخته شده تا تاریخ مذکور ملک مشتری است و در استفاده ازآن آزاد است و حتی می تواند آن را به خود فروشنده اجاره دهد؛

۳. اگر فروشنده راس تاریخ مقرر پول را به مشتری پس بدهد، صاحب ملک خود می شود؛ ولی اگر پول را نداد جنس فروخته شده در ملک مشتری باقی می ماند.(۱)

برهم زدن معامله توسط فروشنده

مسئله: اگر انسان مالی داشته باشد که خودش آن را ندیده باشد و شخص دیگری خصوصیات آن را برای او گفته باشد، چنانچه او همان خصوصیات را به مشتری بگوید و آن را بفروشد و بعد از فروش بفهمد که از آن بهتر بوده است؛ می تواند معامله را به هم بزند.(۲)

مواردی که حق برهم زدن معامله و گرفتن تفاوت قیمت وجود ندارد

در چهار صورت اگر خریدار متوجه شد کالا عیب دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند، یا تفاوت قیمت را پس بگیرد:

۱. چنانچه هنگام خرید از عیب کالا اطلاع داشته است؛

۲. با وجود عیب به معامله راضی شود؛

۳. در وقت معامله بگوید: اگر مال عیبی داشته باشد، پس نمی دهم و تفاوت قیمت هم نمی گیرم؛

۴. فروشنده در وقت معامله بگوید: «این مال را با هر عیبی که دارد، می

۱- همان، مسئله ۲۱۲۷.

۲- همان، مسئله ۲۱۳۶.

فروشم.» البته اگر فروشـنده عیبی را معین کنـد و بگویـد: «مال را با این عیب می فروشم»؛ ولی بعد معلوم شود عیب دیگری هم دارد؛ خریدار می تواند برای عیبی که فروشنده معین نکرده است، کالا را پس دهد، یا تفاوت قیمت بگیرد.(۱)

مواردی که فقط می توان تفاوت قیمت را گرفت

مسئله: در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد، نمی تواند معامله را به هم بزند؛ ولی می تواند تفاوت قیمت بگیرد:

۱. خریـدار بعد از معامله در جنس تغییری بدهد؛ به طوری که از نظر مردم، به همان صورتی که خریداری و تحویل داده شده، باقی نمانده باشد (مانند آن که پارچه ای را برای دوختن بریده، یا گندم را آرد کرده باشد)؛

۲. خریدار فقط حق بر هم زدن معامله را ساقط کرده باشد؛

۳. بعد از تحویل گرفتن کالا، عیب دیگری در آن پیدا شود. (۲)

خمس منفعت کسب

یکی از موارد هفتگـانه خمس که بیش تر افراد جامعه را در بر می گیرد، خمس منافعی است که از خرج سال انسان و خانواده اش زیاد بیاید.

برای روشن شدن این مسئله لازم است به سه سؤال زیر پاسخ داده شود:

۱. احکام خمس

۲. مراد از خرج سال چیست ؟

۳. آیا سال خمسی با ماه های قمری محاسبه می شود یا شمسی و آغاز آن چه وقت است؟

۱- همان، مسئله ۲۱۳۴.

۲- همان، مسئله ۲۱۳۵.

احکام خمس

موارد وجوب خمس

در هفت چیز خُمس واجب است:

۱. آنچه از خرج سال زیاد بیاید (منفعت کسب)؛

۲. معدن؛

۳. گنج؛

۴. غنائم جنگی؛

۵. جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست آید؛

۶. مال حلال مخلوط به حرام؛

۷. زمینی که کافر ذمّی(۱)

از مسلمانی بخرد(۲)

پرداخت خمس مانند نماز و روزه از واجبات است و تمام افراد بالغ و عاقل که یکی از موارد هفتگانه را داشته باشند؛ باید به آن عمل کنند.

مخارج سال

اسلام به کسب و کار افراد احترام گذاشته و تأمین نیاز خودشان را بر پرداخت خمس مقدم داشته است. بنابراین، هر کس در طول سال می تواند تمام مخارج مورد نیاز خود را از درآمدش تأمین کند و در پایان سال اگر چیزی اضافه نیامد، پرداخت خمس واجب نیست؛ ولی پس از آن که به طور متعارف و در حد نیاز خود زندگی را گذراند و در مصرف زیاده روی نکرد؛ اگر در پایان چیزی

۱- غیر مسلمانی که در ممالک اسلامی زندگی می کنند و با مسلمانان پیمان بسته اند که مقرّرات اجتماعی مسلمانان را مراعات کنند و مالیات معینی هم بپردازند و در عوض جان و مال آن ها در امان باشد؛ «کفّار ذمی» نامیده می شوند.
۲- توضیح المسائل، مراجع، مسئله ۱۷۵۱.

اضافه آمد، خمس (یک پنجم) آن را باید برای مصارف نظام اسلامی بپردازد.

پس مراد از مخـارج، تمام چیزهایی است که در زنـدگی خود و خانواده اش بـدان نیاز دارد که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. خوراک و پوشاک؛

۲. اثاثیه منزل، مانند ظروف و فرش؛

۳. وسیله نقلیه ای که تنها برای کسب و کار نیست؛

۴. مخارج مهمانی؛

۵. مخارج ازدواج؛

۶. کتاب های مورد نیاز؛

۷. آنچه در راه زیارت مصرف می کند؛

۸. جوایز و هدایایی که به کسی می دهد؛

۹. صدقه و نذر و یا کفّاره ای که پرداخت می کند.(۱)

سال خمسی

اشاره

انسان از اولین روز بلوغ خود باید نماز بخواند و در اولین ماه رمضان روزه بگیرد، و پس از گذشت یک سال از

کسب اولین درآمد، بایستی خمس مازاد برمخارج سال گذشته را بپردازد.

بنابراین، در محاسبه خمس، ابتدای سال اوّلین درآمد و پایان آن، گذشتن یک سال شمسی از آن تاریخ است.

پس ابتدای سال برای :

۱. کشاورز: اولین محصولی است که برداشت می کند؛

۱- العروه الوثقی ،ج ۲ کتاب الخمس ،فصل ۱، ص ۳۹۴.

۲. کارمند: اولین حقوقی است که دریافت می کند؛

۳. کارگر: اولین مزدی است که می گیرد؛

۴. مغازه دار: اولین معامله ای است که انجام می دهد.(۱)

اموالی که خمس ندارد

۱. مالی که از میت به انسان ارث برسد؛

۲. چیزی که به انسان بخشیده اند(۲)؛

۳. جایزه هایی که دریافت کرده است؛

۴. آنچه به عنوان عیدی به انسان داده اند؛

۵.مالی که به عنوان خمس یا زکات یا صدقه دریافت کرده است؛

۶. مهریه ای که زن می گیرد.(۳)

خمس، به واسطه قناعت

اگر به واسطه قناعت کردن، چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.(۴)

خمس اثاثیه غیر مورد احتیاج

اگر نیاز کسی به اثاثیه ای که برای منزل خریده، برطرف شود، واجب است

۱- همان، مسئله ۶۰.

۲- توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۱۷۵۳ و استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۸۵۱. بنابر فتوای حضرات آیات مکارم شیرازی، سیستانی، صافی گلپایگانی و وحید خراسانی: «چنانچه هدیه از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد» (توضیح المسائل آیت الله سیستانی، مسئله ۱۷۶۲؛ توضیح المسائل آیت الله صافی گلپایگانی، مسئله ۱۷۶۲؛ توضیح المسائل آیت الله وحید خراسانی، مسئله ۱۷۷۰ و رساله آیت الله مکارم شیرازی، مسئله ۱۴۷۷).

۳- العروه الوثقی، ص ۳۸۹؛ السابع، ص ۳۹۰ و توضیح المسایل مراجع، مسائل ۱۷۵۳ و ۱۷۵۴.

۴- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۷۵۶

خمس آن را بدهد؛ مثل آن که یخچال بزرگ تری بخرد و به یخچال قبلی نیاز نداشته باشد.(۱)

کافر یا غیر معتقد به خمس

اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس اعتقادی ندارد، مالی به دست انسان برسد، واجب نیست خمس آن را بدهد.(۲)

افزایش قیمت

اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده، بالا رود و آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، مقدار بالا رفته خمس ندارد.(۳)

خمس آذوقه اضافه بر مصرف سال

آذوقه ای که از درآمد سال برای مصرف سالش خریده، مانند برنج روغن و چای اگر در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.(۴)

خمس جهیزیه

جهیزیه ای که به طور متناوب تهیه می شود، با دو شرط خمس ندارد:

۱. نتواند یکجا جهیزیه را تهیه کند و مجبور باشد هر سال مقداری از آن را تهیه کند؛

۲. در آن محل، معمولاً هر سال مقداری از جهیزیه دختر را تهیه می کنند؛ به

۱- همان، مسئله ۱۷۸۱.

۲- همان، مسئله ۱۶۷۳.

۳- همان، مسئله ۱۶۷۷.

۴- همان، مسئله ۱۷۸.

طوری که تهیه نکردن آن عیب است.(۱)

استفتا

سوال: میوه ها و زراعت هایی که سر سال خمسی وقت چیدن آن ها نرسیده است، آیا باید خمس آن ها داده شود؟

جواب: باید به همان قیمت سر سال خمس آن را بدهد.(۲)

سوال: زن و شوهری هر دو کار می کنند و درآمد دارند؛ آیا به پول زن هم خمس تعلق می گیرد؟

جواب: در زاید بر آنچه در بین سال خرج زندگی کرده، خمس واجب است .(۳)

خمس سرمایه و معدن

۱. سرمایه کسب و ابزار کار، اگر از درآمد کسب و حقوق تهیه شده، خمس دارد.(۴)

۲. اگر زمین موات را برای کشاورزی احیا کند، اصل زمین نیز خمس دارد.(۵)

استفتا

سوال: شخصی باغی را احداث کرده، هم برای کسب و امرار معاش و هم استفاده شخصی از میوه های آن؛ آیا اصل درخت های میوه، خمس دارد یا نه ؟ و آیا جزء رأس المال است یا نه ؟

۱- همان، مسئله ۱۷۷۷.

۲- استفتائات آیت الله بهجت، ج ۱، ص ۳۴۸.

۳- همان، ص ۲۸۶.

۴- همان، ص ۳۴۹.

۵- همان، ص ۳۴۷.

جواب: خمس دارد.(۱)

مال حلال مخلوط به حرام

مسئله: اگر مال حلال با مال حرام به طوری مخلوط شود که انسان نتواند آن ها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد؛ باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می شود.(۲)

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند؛ ولی صاحب آن را نشناسد؛ باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.(۳)

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند؛ ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، درصورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیش تر از آن هم مال او هست یا نه؛ باید چیزی را که یقین دارد مال او است به او بدهد، و احتیاط مستحب آن است مقدار بیش تری را که احتمال می دهد مال اوست، به او بدهد.(۴)

۱- همان.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۱۳.

۳- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «باید آن مقدار را بنابراحتیاط واجب به مصرفی برساند که هم مصرف خمس باشد و هم صدقه؛ مانند سادات فقیر» (همان، مسئله ۱۸۱۴).

۴- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «چنانچه نتوانند یکدیگر را راضی نمایند، باید مقداری را که یقین دارد، مال آن شخص است به او بدهد؛ اگر در مخلوط شدن دو مال حلال و حرام، با یکدیگر، خودش مقصر باشد، باید بنابر احتیاط مقدار بیش تر ی را که احتمال می دهد مال اوست نیز به او بدهد.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «چنانچه همدیگر را راضی نکنند، باید مقدار قطعی مال حرام و نصف مقدار مشکوک را به صاحبش بدهد و برای تعیین مال، چنانچه به شکل خاصی راضی نشود، با قرعه مال هر یک را مشخص می کند.» بنابر فتوای آیت الله وحید: «در صورتی که اختلاط موجب شرکت شود؛ مثل آن که روغن حلال با حرام مخلوط شود؛ اگر با یکدیگر توافق و سازش نمایند، آنچه را توافق کردند معیّن می شود و چنانچه توافق و سازش نشود ، آن اندازه که یقین دارد، مال غیر است باید به او داده شود ، و در صورتی که اختلاط موجب شرکت نشود؛ مانند مواردی که اجزای آن اموال از یکدیگر ممتازند؛ باید از جهت مقدار آن اندازه که یقین دارد به او بدهد ، و از جهت خصوصیت به قرعه معیّن شود ، و در هر دو صورت احتیاط مستحبّ آن است که مقدار بیش تر ی را که احتمال می دهد مال او است؛ به او بدهد.» نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «درصورتی که بداند مقدار معینی قطعاً مال اوست (مثلاً یک چهارم مال) و در بیش تر آن شک داشته باشد، باید مقداری را که یقین دارد به او بدهد و مقدار بیش تر را که احتمال می دهد مال اوست با او نصف کند» (همان، مسئله ۱۸۱۵).

مسئله: اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیش تر از خمس بوده؛ چنانچه مقدار زیادی معلوم باشد، بنابراحتیاط واجب مقداری را که می داند از خمس بیش تر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.(۱)

مسئله: اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی را که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آن که صاحبش پیدا شد، بنابراحتیاط واجب باید به مقدار مالش به او بدهد.(۲)

مسئله: اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست؛ ولی نتواند بفهمد کیست؛

۱- همان، مسئله ۱۸۱۶.

۲- بنابر فتوای حضرات وحید و صافی: «لازم نیست چیزی به او بدهد.» نیز بنابر فتوای آیت الله آزنجانی: «اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را صدقه بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی شناسد صدقه دهد، چنانچه صاحبش پیدا شود، باید به مقدار مالش به او بدهد و اگر مقدار مال مشخص نبوده باید مقدار قطعی مال وی را با نصف مقدار مشکوک به او بدهد. البته هر مقدار از صدقه را که صاحب مال به آن راضی شود نیازی نیست به وی بدهد» (همان، مسئله ۱۸۱۷).

به احتیاط واجب باید از تمام آنان تحصیل رضایت نماید و اگرممکن نگردید، باید قرعه بیندازد و به نام هر کس افتاد، مال را به او بدهد.(۱)

خمس جواهر غواصی

جواهری که با غواصی به دست آمده است، اگر کسی با غواصی و فرو رفتن در دریا جواهری به دست آورد و پس از کسر مخارجی که برای بیرون آوردن آن شده، قیمتش به ۱۸نخود طلا(۲)

برسد؛ باید خمس آن را بدهد.(۳)

زمینی که کافر ذمّی از مسلمانی خریداری کند

«کافر ذمّی»، غیر مسلمانی است که تحت شرایطی در حکومت اسلامی زندگی می کند. چنین کسی اگر زمینی خریداری کند، باید یک پنجم آن را به

۱- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست؛ ولی نتواند مالک را به طور معین تشخیص دهد، باید در بین همه آن ها به طور مساوی تقسیم کند». بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «باید به آن ها اطّلاع دهد. پس، چنانچه یکی گفت که مال من است و دیگران گفتند: مال ما نیست، یا او را تصدیق کردند، به همان شخص اوّل بدهد؛ و اگر دو نفر یا بیش تر گفتند: آن مال ماست؛ چنانچه با مصالحه و مانند آن نزاع آن ها حل نشود، باید برای فیصله نزاع به حاکم شرع مراجعه نمایند؛ و اگر همه اظهار بی اطّلاعی کردند و (حاضر به مصالحه هم نشدند) ظاهر آن است که صاحب آن مال به قرعه تعیین می شود، و احتیاط آن است که حاکم شرع یا وکیل او متصّدی قرعه باشد.» بنابر فتوای آیت الله صافی: «اگر ممکن است همه را راضی کند و اگر ممکن نشد آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند، کافی است؛ مگر آن که آن مال را به تقصیر او تحت یدش قرار گرفته باشد.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر مال حلالی با حرام مخلوط شد و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن یکی از چند نفر مشخص است، ولی نتواند وی را بشناسد؛ باید آن مقدار را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند و اگر مقدار حرام معلوم نباشد. مقدار قطعی حرام و نصف مقدار مشکوک را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت می کنند.» (همان، مسئله ۱۸۱۸).

۲- هجده نخود طلا، امروزه در حدود ۱۴ تومان ارزش دارد. (تابستان ۱۳۷۶ش)

۳- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۱۹.

عنوان خمس تحویل دهد.(۱)

حکم اموال خمس نداده

۱.انسان تا خمس مالش را ندهد، نمی تواند در آن تصرف کند؛ یعنی غذایی که در آن خمس باشد، نمی تواند بخورد و با پولی که خمس آن را نداده، نمی تواند چیزی بخرد؛(۲)

۲. اگر با پول خمس نداده خرید و فروش کند (بدون اجازه حاکم شرع) یک پنجم آن معامله باطل است؛(۳)

۳. اگر بخواهد پول خمس نداده را به صاحب حمّام بدهد و در حمام غسل کند؛ غسل او باطل است؛(۴)

۴. اگر با پولی که خمس آن را نداده است، خانه بخرد؛ نماز خواندن در آن خانه باطل است؛(۵)

۵. اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشد، یک پنجم آن چیز مال او نمی شود.(۶)

حکم پول حرام

سوال: خمس پولی که از راه حرام کسب شده و صاحبش معلوم نیست، در چه کاری باید مصرف شود؟

۱- همان، مسئله ۱۸۲۹.

۲- همان، مسئله ۱۷۹.

۳- همان، مسئله ۱۷۶.

۴- همان، مسئله ۳۸۳.

۵- همان، مسئله ۸۷۳.

۶- همان، مسئله ۱۷۶۳.

جواب: پولی که از راه حرام کسب شده، در مالکیت شخص کسب کننده نیست و باید به مالک یا مالکان آن باز گردد و اگر چنین چیزی امکان ندارد، در حکم مال مجهول المالک است و خمس ندارد؛ بلکه باید تمام آن پول در اختیار یک مجتهدجامع الشرایط قرار گیرد و یا با اجازه ایشان به نیت صاحبش به فقیر غیر سید صدقه داده شود.(۱)

استفتا

سوال: اگر کسی در گذشته مقلد مرجعی بوده که می گفته سرمایه و ابزار خمس ندارد و طبق این فتوای مرجع خود خمس نداده است. حالا آن مرجع فوت کرده و مقلد حضرت عالی شده است. آیا از همان سرمایه و ابزار که باقی است، باید خمس بدهد یا نه ؟

جواب: باید خمس بدهد.(۲)

سوال: شخصی مقداری کتاب خریده وهنوز همه کتاب ها را مطالعه نکرده و به مرور زمان آن ها را مطالعه می کند. آیا اگر سر سال رسید خمس به آن تعلق می گیرد؟

جواب: اگر تهیه آن جزء احتیاجات او محسوب می شود و مورد حاجت است؛ خمس ندارد.(۳)

سوال: آیا وجهی که برای زیارت مستحب به حساب مربوط واریز می شود؛

۱- استفتا از دفاتر حضرات آیات سیستانی، صافی گلپایگانی و نوری همدانی توسط سایت اسلام کوئست (www.islamquest.net)

۲- استفتائات، ج ۱، ص ۳۷۱، س ۷۸.

۳- همان، ص ۳۷۴، سؤال ۹۱.

اگر در سال های بعد مشرف شود،

خمس تعلق می گیرد؟

جواب: در فرض مذکور خمس دارد.(۱)

مصرف خمس

خمس مال را باید دو قسمت کرد: نصف آن را که سهم امام زمان(عج) است به مجتهد جامع الشرایطی که از او تقلید می کند، یا نماینده او می پردازد و نصف دیگر را باید یا به مجتهد جامع الشرایط بدهد و یا با اجازه او به سادات دارای شرایط بپردازد.(۲)

شرایط سیدی که می توان به او خمس داد

۱. فقیر باشد؛

۲. یا در سفر مانده باشد، هر چند در شهر خود فقیر نباشد؛

۳. شیعه دوازده امامی باشد؛

۴. آشکارا معصیت نکند (بنابر احتیاط واجب) و دادن خمس کمک بر گناه او نباشد؛

۱. از افرادی که مخارج آنان بر عهده اوست؛ مانند همسر و فرزند او نباشد (بنابر احتیاط واجب).(۳)

استفتا

سوال: دولت جمهوری اسلامی از حقوقی که به کارمندان خود می دهد،

۱- همان، ص ۳۸، سؤال ۱۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۱۸۳۴.

۳- همان، مسائل ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۱.

مبلغی را به نـام مالیـات برداشت می نمایـد و تنها حقوق بگیران هسـتند که این مالیات را می دهنـد. آیا پرداخت مالیات از نظر شرعی جزء کدام وجوهات حساب می شود: خمس یا زکات ؟

جواب: مالیات بابت وجوه شرعیه محسوب نیست .(۱)

احکام شرکت

اشاره

شرکت بر دو نوع است:

۱. شـرکت قرار دادی: آن است که دو یا چنـد نفر با هم قراردادی ببندند که با مال مورد اشتراک خود معامله کنند. به این نوع شرکت «شرکت اکتسابی» هم می گویند؛

۲. شـرکت بـدون قرارداد: آن است که یک یا چنـد چیز بـدون قرارداد برای دو یا چند نفر باشد؛ مثل آن که مالی از کسـی به چند نفر به ارث برسد، یا شخصی فرد دیگر را در مال خود شریک کند.(۲)

چگونگی تحقق شرکت

مسـئله: اگر دو نفر بخواهنـد با هم شـرکت کنند، چنانچه هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری به طوری مخلوط کند که عرفاً از یکـدیگر تشـخیص داده نشود و قرار داد شـرکت را ببندنـد، یا کاری کننـد که معلوم باشـد می خواهنـد با یکـدیگر شریک باشند؛ شرکت آنان صحیح است.(۳)

ص: ۱۰۳

۱- همان، ص ۴۱۱، سؤال ۱۹۹.

۲- تحریر الوسیله، ج۱، ص۶۲۳.

۳- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۴۲.

شرکت باطل

«شـرکت عقـدی» (قرار دادی) فقـط در امـوال صـحیح اسـت، نه در کارهـا و اعمـال. پس، اگر دو نفر قرار بگذارنـد که هر چه کارشان درآمد داشت با هم شریک باشند، هر چند هر کدام مالك مزد خود است؛ شرکت آنان صحیح نیست.

مثال: اگر کارگران یک کارخانه قرار بگذارند هر قدر مزد گرفتند با هم قسـمت کنند؛ شرکت آنان صحیح نیست، و هر کدام تنها مزد کار خود را مالك می شود. ولی اگر چنـد نفر بخواهنـد با رضایت خود آنچه را مزد گرفته انـد، تقسـیم کنند؛ اشـکال ندارد. (۱)

جایی که شرکت صحیح نیست

۱. اگر دو نفر با یکـدیگر قرار بگذارند که هر کدام برای خود جنسـی بخرد و قیمت آن را خودش بپردازد؛ ولی در جنسـی که هر کدام خریده است، در استفاده آن با یکدیگر شریک باشند؛ صحیح نیست؛

۲. اگر هر کـدام دیگری را وکیل کنـد که جنس را برای هر دو به طور مشترک بخرد؛ در این صورت، شـرکت آن ها صـحیح است.(۲)

شروط هنگام عقد شرکت

۱. اگر در عقـد شـرکت شـرط کننـد کسـی که کار می کند یا بیش تر از شـریک دیگر کار می کند بیش تر منفعت ببرد؛ این شرط صحیح است؛

۲. اگر در عقـد شـرکت شـرط کننـد کسـی که کـار نمی کنـد، یـا کم تر کـار می کنـد (به خاطر ارفاق یا علت دیگر) بیش تر منفعت ببرد، باید به شرطی که کرده اند؛

۱- همان، مسئله ۲۱۴۳.

۲- همان، مسئله ۲۱۴۴.

عمل نمایند.(۱)

قرار داد تمام یا بخشی از سود به نفع یک نفر

۱. اگر قرار بگذارند که همه استفاده را یکی از شرکا بردارد، صحیح نیست؛

۲. اگر قرار بگذارند تمام ضرر یا بیش تر آن را یکی از آنان بدهد، شرکت و قرارداد، هر دو صحیح است.(۲)

شرط نکردن منفعت بیش تر

چنانچه سرمایه آنان یک اندازه باشد، منفعت و ضرر را به یک اندازه می برند؛

اگر سرمایه آنان یک اندازه نباشد، باید منفعت و ضرر را به نسبت سرمایه قسمت کنند.

مثال: اگر دو نفر شرکت کنند و سرمایه یکی از آنان دو برابر سرمایه دیگری باشد، سهم او از منفعت و ضرر دو برابر سهم دیگری است؛ خواه هر دو به یک اندازه کار کنند یا یکی کم تر کار کند، یا هیچ کار نکند.(۳)

شرط دخالت شرکا در معامله

مسئله: در موارد زیر شرط در عقد شرکت لازم العمل است و باید طبق قرارداد

۱- بنابر فتوای حضرات آیات صافی و نوری: «باید آنچه را شرط کرده اند، به او بدهند؛ ولی اگر شرط کنند کسی که کار نمی کند، یا کم تر کار می کند، بیش تر منفعت ببرد؛ آن شرط باطل است؛ لکن شرکتشان صحیح است و منفعت به نسبت مال بین آن ها تقسیم می شود (آیت الله صافی: مگر آن که اذن در تصرّف در مال مشترک، مقید به این شرط باشد، که در این صورت اصل شرکت باطل است)» (همان، مسئله ۲۱۴۶).

۲- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «یا تمام ضرر از یکی از آنان باشد، صحّت شرکت، محلّ اشکال است» (همان، مسئله ۲۱۴۷).

۳- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «ولی کسی که کار کرده، حق دارد اجرت کار خود را طبق معمول مطالبه کند» (همان، مسئله ۲۱۴۸).

عمل کنند:

شرط کنند که هر دو با هم خرید و فروش نمایند، یا هر کدام به تنهایی معامله کند؛

شرط کنند که هر کدام به تنهایی معامله کند؛

شرط کنند که فقط یکی از آنان معامله کند.(۱)

حکم تعیین نکردن شخص برای معامله با سرمایه

مسئله: اگر معین نکنند که کدام یک آنان با سرمایه خرید و فروش نماید؛ هیچ یک آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند.(۲)

وظیفه مسئول شرکت

مسئله: شریکی که اختیار سرمایه شرکت با اوست، باید به قرار داد شرکت عمل کند. بنابراین:

۱. اگر با او قرار گذاشته اند که نسیه بخرد، یا نقد بفروشد، یا جنس را از محلّ مخصوصی بخرد، باید به همان قرارداد رفتار کند؛

۲. اگر با او قرار خاصی نگذاشته باشند، باید دادوستدی نماید که به مصلحت شرکت باشد و معاملات را طوری که متعارف و به مصلحت شرکت است، انجام دهد و در این صورت:

اگر معمول باشد که مال شرکت را به صورت نقد بفروشد، یا آن را در مسافرت، همراه خود نبرد، چنانچه مصلحت شرکت باشد، باید همین طور عمل نماید.(۳)

۱- همان، مسئله ۲۱۴۹.

۲- همان، مسئله ۲۱۵۰.

۳- همان، مسئله ۲۱۵۱.

ضامن بودن مدیر شرکت

مسئله: مدیری که با سرمایه شرکت معامله می کند:

۱. اگر بر خلاف قراردادی که با او بسته اند، خرید و فروش کند و خسارتی برای شرکت پیش آید، ضامن است؛

۲. اگر با او قراردادی نبسته باشند و بر خلاف معمول معامله کند، ضامن است؛ ولی اگر در معاملات بعدی به قراردادی که شده است معامله کند؛ صحیح است.(۱)

ضامن نبودن شریک

مسئله: شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند، با وجود دو شرط زیر، چنانچه اتفاقاً مقداری یا تمام سرمایه تلف شود؛ ضامن نیست:

اگر زیاده روی نکند؛

در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند(۲)

قبول ادعای شریک در تلف سرمایه

مسئله: اگر شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند، سرمایه را تلف کند و نزد مجتهد جامع الشرایط(حاکم شرع) قسم بخورد که زیاده روی ننموده و نیز در نگهداری سرمایه کوتاهی نکرده است؛ باید حرف او را قبول کرد.(۳)

۱- فتوای حضرات آیات زنجانی، سیستانی، صافی و نوری در این زمینه دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۵۲).

۲- همان، مسئله ۲۱۵۳.

۳- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «چنانچه نزد دیگر شریک ها مأمون باشد، باید حرف او را قبول کنند و اگر این چنین نیست، می توانند نزد حاکم شرع علیه او شکایت کنند تا طبق موازین قضاوت نزاع را فیصله دهد» (همان، مسئله ۲۱۵۴).

تقسیم سرمایه شرکت

مسئله: هر وقت یکی از شریک ها تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه مدت شرکت تمام نشده باشد، باید دیگران قبول نمایند؛ مگر آن که قسمت، مشتمل بر رد یا مستلزم ضرر بر شریک دیگر باشد که در این صورت، نمی تواند او را به قبول قسمت وادار نماید.(۱)

تصرف نکردن شرکا در مال شرکت

در موارد زیر شرکا نمی توانند در مال شرکت تصرف کنند:

۱. یکی از شریک ها از دنیا برود؛

۲. یکی از شرکا دیوانه یا بیهوش شود؛

۳. یکی از شرکا سفیه شود و حاکم شرع از تصرّف او در اموالش جلوگیری کند.(۲)

سود و ضرر ناشی از خرید شریک

مسئله: اگر شریک، چیزی را نسیه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست؛ ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر بگوید: «به آن معامله راضی هستم»؛ نفع و ضررش مال هر دو نفر آنان است.(۳)

ص: ۱۰۸

۱- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «مسئله شرکت از معاملات لازم است؛ یعنی هیچ یک از طرفین نمی تواند پیش خود این قرارداد را بر هم زند و نیز قبل از پایان مدّت شرکت حقّ ندارد تقاضای تقسیم سرمایه کند، مگر، این که چنین حقّی در قرارداد برای او پیش بینی شده باشد» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۵۶).

۲- همان، مسئله ۲۱۵۷.

۳- همان، مسئله ۲۱۵۸.

معامله در صورت باطل بودن شرکت

مسئله: اگر با سرمایه شرکت معامله ای انجام دهند، بعد متوجه شوند در وقت آن معامله، شرکت باطل بوده است:

۱. چنانچه اجازه هر یک از شریک ها به صحیح بودن شرکت مقید نباشد؛ معامله صحیح است و هر چه از معامله حاصل شود، مال همه آن ها است؛

۲. اگر اجازه هر یک به صحیح بودن شرکت مقید باشد؛ معامله ای که انجام شده فضولی است. بنابراین، در صورتی که همه به آن معامله راضی گردند، معامله صحیح است و اگر به آن معامله راضی نشوند، معامله باطل است؛

۳. هر کدام از آنان که برای شرکت کاری کرده است، اگر به قصد مجّانی کار نکرده باشد، می تواند مزد زحمت های خود را به اندازه معمول از شریک های دیگر بگیرد.(۱)

احکام صلح

اشاره

انسان می تواند تمام یا مقداری از اموال یا منافع خود را در مقابل چیزی یا بدون عوض به دیگری واگذار کند؛ یا طلبی

که دارد، نگیرد. به این واگذاری یا ساقط کردن طلب، «صلح» گفته می شود.(۲)

۱- بنابر فتوای آیت الله صافی: «بلی؛ کاری که انجام داده، اگر معامله فضولی باشد، مزد ندارد؛ اگر چه صاحب مال، معامله را امضا نماید.» بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی چنانچه مزد معمول از مقدار فایده ای که در فرض صحت شرکت می برده بیش تر است؛ همان مقدار را می تواند بگیرد.» بنابر فتوای آیت الله نوری: «و سود آن به نسبت سرمایه تقسیم می شود. بلی؛ در صورتی که معامله فضولی بوده مزد ندارد؛ هر چند صاحب مال معامله را امضا نماید» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۵۹).
۲- همان، مسئله ۲۱۶۰.

قرارداد صلح

در قرار داد صلح، گفتن لفظ خاصی شرط نیست، بلکه با هر لفظی که گویای واگذاری مال یا برداشتن بدهی از بدهکار باشد، صحیح است.(۱)

قبول صلح و بخشش دین

مسئله: اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری صلح کند، در صورتی صحیح است که طرف مقابل قبول نماید؛ ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود (بدون صلح) بگذرد، قبول کردن آن از طرف مقابل لازم نیست.(۲)

صلح با بدهکار با مقدار کم تر از طلبش

مسئله: اگر کسی از شخصی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد، چنانچه طلب خود را به مقدار کم تری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و ما بقی را نقد بگیرد؛ اشکال ندارد.(۳)

صلح طلبکار با ندانستن به مقدار

مسئله: اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند؛ ولی طلبکار مقدار آن را نداند؛ چنانچه طلبکار طلب خود را به کم تر از مقداری که هست، صلح کند؛ مثلًا پنجاه تومان طلبکار باشد و طلب خود را به ده تومان صلح کند؛ زیادی برای بدهکار حلال نیست؛ مگر آن که مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی کند، یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را می دانست، باز هم به

۱- همان، مسئله ۲۱۶۲.

۲- همان، مسئله ۲۱۶۴.

۳- همان، مسئله ۲۱۶۸.

آن مقدار صلح می کرد.(۱)

صلح دو چیز از یک جنس

مسئله: اگر بخواهند دو چیز از یک جنس را با هم صلح کنند:

۱-اگر وزن آن ها معلوم است و هر دو مساوی باشند؛ مثلا ده کیلو برنج با ده کیلو برنج دیگر مصالحه شود؛ صلح صحیح است، و اگر یکی از دیگری بیش تر باشد؛ مثلا ده کیلو گندم با ۱۲ کیلو گندم باشد؛ صلح صحیح نیست.

۱-اگر وزن آن ها معلوم نیست، صلح صحیح است؛ هر چند احتمال بدهند که وزن یکی از دیگری بیش تر است. (۲)

به هم زدن صلح

عمل به قرارداد صلح برای دو طرف لازم است و هیچ یک از طرفین نمی تواند به تنهایی آن را به هم بزند؛ ولی در دو مورد می توان صلح را به هم زد:

۱. با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند؛

۲. اگر در ضمن معامله برای هر دو، یا یکی از آنان، حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند، کسی که آن حق را دارد، می تواند صلح را به هم بزند.(۳)

صلح به جنس معیوب

مسئله: اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد؛ می تواند صلح را به هم

۱- همان، مسئله ۲۱۶۵.

۲-این مسئله بنابر فتوای حضرات آیات مکارم، سیستانی و زنجانی دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه کنید (همان، مسئله ۲۱۶۶).

۳- همان، مسئله ۲۱۶۹.

بزند؛ ولی نمی تواند تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد.(۱)

شرط وقف در قرارداد صلح

مسئله: اگر کسی مال خود را با کسی صلح نماید و با او شرط کند که اگر بعد از مرگ وارثی نداشتم، باید چیزی را که به تو صلح کردم، وقف کنی و او هم این شرط را قبول کند؛ باید به آن شرط عمل کند.(۲)

احکام اجاره

اشاره

تعریف اجاره: «اجاره» قرار دادی است برای استفاده و بهره برداری از منافع و املاک یا کار انسان در مدت تعیین شده در برابر مقدار پول معینی که عوض آن داده می شود.

کرایه دهنده را «موجر»، کرایه گیرنده را «مستاجر»، پول کرایه را «مال الاجاره» و چیزی را که کرایه شده است، «عین مستاجره» یا «موضوع اجاره» می نامند.

موضوع اجاره

چیزهایی که مورد اجاره قرار می گیرند، عبارتند از:

۱. اجاره املاک؛ مانند خانه، باغ، حیوان، ماشین و لباس؛

۲. اجاره انسان؛ که در مورد استخدام و اجیر کارگر قرار می گیرد.

۱- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد؛ می تواند صلح را به هم بزند، یا تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد.» نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «اگر چیزی را که به صلح گرفته، معیوب باشد می تواند صلح را به هم بزند، و گرفتن تفاوت قیمت صحیح و معیوب به رضایت طرفین بستگی دارد.» (همان، مسئله ۲۱۷۱).
۲- همان، مسئله ۲۱۷۲.

وکالت در اجاره

انسان می تواند از طرف دیگری وکیل شود و مال او را اجاره دهد.(۱)

اجاره ولی و سرپرست

۱. اگر ولی، یا قیم بچه، مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری کند، اشکال ندارد؛

۲. اگر ولی یا قیم بچه، مال او را اجاره دهد و مدتی بعد از زمان بالغ شدن، او را نیز جزء مدّت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، می تواند بقیه اجاره را به هم بزند؛

۳. البته هرگاه طوری بوده که اگر مقداری از زمان بالغ بودن بچه را جزء مدت اجاره نمی کرد، بر خلاف مصلحت بچه بود؛ بچه بعد از بالغ شدن نمی تواند اجاره را به هم بزند.(۲)

قرارداد اجاره

«قرارد داد اجاره» از طرف مستاجر و موجر باید اجرا شود و فقط در دو صورت

۱- همان، مسئله ۲۱۷۴.

۲- بنابر فتوای آیت الله صافی: «اگر ولی، یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید، اشکال ندارد و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را، جزء مدّت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، نسبت به اجاره اموالش نمی تواند بقیه اجاره را به هم بزند و نسبت به خودش نفوذ اجازه ولی محلّ اشکال است؛ مگر مصلحتی که استیفای آن لازم باشد (مثل حفظ حیات صغیر) در آن ملاحظه شده باشد.» بنابر فتوای آیت الله وحید: «اگر ولی، یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید، اشکال ندارد و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را، جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آن که بچه بالغ شد، می تواند بقیه اجاره را به هم بزند؛ ولی اگر اجاره تا زمان بعد از بلوغ به جهت مصلحتی بوده که شرعاً مراعات آن واجب است، اجاره نسبت به بعد از بلوغ نافذ و احتیاط واجب آن است که به اذن حاکم شرع باشد» (همان، مسئله ۲۱۷۵).

زیر می توان آن را به هم زد:

۱. موافقت مستاجر و موجر؛

۲. درج شرط بر هم زدن اجاره در وقت قرار داد.(۱)

اجیر شدن بدون قرارداد

اگر انسان بدون این که قراردادی ببندد و بخواهد برای انجام دادن عملی اجیر شود، همین که به عنوان اجاره مشغول آن عمل شد، یا خود را در اختیار اجاره دهنده قرار داد؛ اجاره صحیح است.(۲)

اجاره کردن بچه بدون سرپرست

اگر اجیر کردن بچه نابالغ به مصلحت وی باشد و بچه ولی نداشته باشد؛ باید:

۱. با اجازه مجتهد جامع الشرایط او را اجیر کرد؛

۲. اگر به مجتهد دسترسی ندارد، می تواند از یک نفر مؤمن که عادل باشد، اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.(۳)

اجاره دادن اجیر به دیگری

۱. اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود او کار کند، نمی توان او را به دیگری اجاره داد؛

۲. اگر چنین شرطی نکند، چنانچه او را به چیزی که اجرت او قرارداده اجاره

۱- همان، مسئله ۲۱۷۷.

۲- همان، مسئله ۲۱۷۸.

۳- بنابر فتوای آیت الله وحید: «بچّه صغیری را که ولی ندارد، بدون اجازه فقیه عادل نمی شود اجیر کرد، و کسی که به فقیه عادل دسترسی ندارد، می تواند از چند نفر مؤمن عادل اجازه بگیرد و او را اجیر نماید، و در صورت نبودن چند نفر، یک نفر هم کفایت می کند» (همان، مسئله ۲۱۷۶).

دهـد، بایـد زیـادتر نگیرد؛ مثلا او را در برابر پرداخت پول اجاره کنـد و در برابر گرفتن پول اجاره دهـد؛ و اگر به چیز دیگری اجاره دهد، می تواند زیادتر بگیرد؛ مثلا اگر در برابر پول اجاره کرده، می تواند در برابر چیز دیگری که ارزشـش از پول بیش تر است، اجاره دهد.(۱)

اجاره دادن ملک اجاره ای

اگر خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند:

۱. چنانچه صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آن ها استفاده کند، مستأجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد؛

۲. اگر صاحب ملک با او شرط نکند، می تواند آن را به دیگری اجاره دهد؛

۳. در صورتی که مستاجر بتوانـد ملک اجاره شده را به دیگری اجاره دهد و بخواهد زیادتر از مقداری که اجاره کرده، آن را اجاره دهد؛ باید در آن، کاری مانند تعمیر و سفیدکاری انجام داده باشد، یا به غیر جنسی را که اجاره کرده، آن را اجاره دهد؛ مثلاً اگر باپول اجاره کرده، به گندم یا چیز دیگر اجاره دهد.(۲)

اجاره دادن قسمتی از ملک اجاره ای

اشاره

اگر خانه یا مغازه ای را مثلاً یک ساله به صد تومان اجاره کرده از نصف آن، خودش استفاده کند:

۱. می تواند نصف دیگر آن را به صد تومان یا کم تر از آن اجاره دهد؛

۱- فتوای حضـرات آیـات صـافی، نوری، وحیـد، مکارم و زنجانی در این مورد تفصـیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۸۱).

۲- فتوای حضرات آیات سیستانی، وحید، مکارم و زنجانی در این مسئله تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۸۰).

۲. اگر بخواهد نصف آن را زیادتر از مقداری که اجاره کرده؛ مثلاً به صد و بیست تومان اجاره دهد، باید در آن، کاری مانند تعمیر انجام داده باشد، یا به غیر جنسی که اجاره کرده است، اجاره دهد.(۱)

شرایط جنس اجاره ای

مالی را که اجاره می دهند، باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. معین باشد. پس اگر بگوید یکی از خانه های خود را اجاره دادم، درست نیست؛

۲. مستأجر آن را ببیند؛ یا کسی که آن را اجاره می دهد، طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد؛

۳. تحویل دادن آن ممکن باشد. پس اجاره دادن اسبی که فرار کرده، باطل است؛

۴. از چیزهایی نباشد که با استفاده از آن، اصل مال از بین می رود و پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنی های دیگر صحیح نیست؛

۵. استفاده ای که مال برای آن اجاره داده اند ممکن باشد. پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب نهر هم مشروب نشود، صحیح نیست؛

۶. چیزی را که اجاره می دهد، مال خود او باشد و اگر مال شخص دیگر را اجاره دهد، در صورتی صحیح است که صاحبش رضایت دهد.(۲)

۱- همان، مسئله ۲۱۸۳.

۲- همان، مسئله ۲۱۸۴.

شرایط منافع ملک

منافعی که مال را برای آن اجاره می دهند، باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. حلال باشد. پس اگر مالی فقط منفعت حرام داشته باشد، یا شرط کنند که در جهت حرام استفاده کنند، یا قبل از معامله، استفاده حرام را معین کنند و معامله را بر آن اساس مبتنی سازند، معامله باطل است. بنابراین، اجاره دادن دکان برای شراب فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است؛

۲. پول دادن برای آن استفاده، در نظر مردم بیهوده نباشد؛

۳. اگر از چیزی که اجاره می دهند بتوان چند نوع استفاده برد، باید استفاده ای را که مستأجر از آن می برد معین کنند؛ مثلاً اگر حیوانی را که سواری می دهد و بار می برد اجاره دهند، باید در موقع اجاره معین کنند که سواری یا باربری آن، مال مستأجر است یا همه استفاده های آن.

۴. مدت استفاده را معین نمایند؛ لذا:

الف. اگر مدّت معلوم نباشد، ولی عمل را معین کنند؛ مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را به طور مخصوصی بدوزد، کافی است(۱)؛

ب. اگر ابتدای مدت اجاره را معین نکنند، ابتدای آن بعد از خواندن صیغه اجاره است.(۲)

۱- بنابر فتوای حضرات آیات صافی، وحید، نوری و زنجانی: «و همچنین معتبر است که آن عمل در نظر شرع به طور مجّانی واجب نباشد. پس، اجیر شدن برای فرایض یومیه یا تجهیز اموات جایز نیست» (همان، مسئله ۲۱۸۷).
۲- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «ابتدای آن، بعد از خواندن صیغه، یا تحویل گرفتن مال است» و بنابر فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و سیستانی: «ابتدای آن، بعد از بستن قرارداد اجاره است» (همان، مسئله ۲۱۸۸).

زمان بین قرارداد اجاره و شروع اجاره

مسئله: اگر خانه ای را مثلاً یک ساله اجاره دهند و ابتدای آن را یک ماه بعد از بستن قرارداد اجاره قرار دهند، اجاره صحیح است؛ اگر چه موقعی که قرارداد اجاره را می خوانند، خانه در اجاره دیگری باشد.(۱)

اجاره های باطل

در چند مورد اجاره باطل است:

۱. اگر مدّت اجاره را معلوم نکند و بگوید: «تا هر وقت که در خانه نشستی، اجاره آن، ماهی صد هزار تومان است»؛ اجاره صحیح نیست؛(۲)

۲. اگر به مستأجر بگوید: «خانه را یک ماهه به صد هزار تومان به تو اجاره دادم و هر قدر بیش تر بمانی به همین قیمت است»؛ اجاره در ماه اول صحیح است؛ ولی اگر بگوید: «هر ماهی صد هزار تومان»؛ و اول و آخر آن را معین نکند؛ اجاره حتی برای ماه اول باطل است؛(۳)

۳. خانه ای را که مسافرین و زوّار در آن منزل می کنند و معلوم نیست چقدر

۱- همان، مسئله ۲۱۸۹.

۲- همان، مسئله ۲۱۹۰.

۳- بنابر فتوای حضرات آیات صافی، نوری، وحید: «اگر به مستأجر بگوید: "خانه را ماهی ده تومان به تو اجاره دادم"؛ یا بگوید: "خانه را یک ماه به ده تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشینی اجاره آن ماهی ده تومان است"؛ در صورتی که ابتدای مدّت اجاره را معین کنند یا ابتدای آن معلوم باشد؛ اجاره ماه اوّل صحیح است.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر به مستأجر بگوید: "خانه را ماهی یکصد هزار تومان به تو اجاره دادم" یا بگوید: "خانه را یک ماهه به صد هزار تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشینی اجاره ان ماهی یکصد هزار تومان است"؛ تنها اجاره ماه اول صحیح است؛ مگر آن که مستأجر در صورتی به اجاره ماه اول راضی باشد که اجاره ماه های بعد نیز صحیح باشد که در این صورت، با باطل بودن اجاره ماه های بعد، اجاره ماه اول نیز باطل است» (همان، مسئله ۲۱۹۱).

در آن می مانند؛ اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی بیست هزار تومان بدهند و صاحب خانه به آن راضی شود:

استفاده از آن خانه اشکال ندارد؛ ولی چون مدّت اجاره معلوم نیست، اجاره صحیح نمی باشد و صاحب خانه هر وقت بخواهد می تواند آنان را بیرون کند.(۱)

زمان پرداخت قیمت اجاره

هر گاه چیزی را که به اجاره داده است، تحویل دهد؛ اگر چه مستاجر تحویل نگیرد، یا آن را تحویل بگیرد؛ ولی تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند؛ باید قیمت مال الاجاره را به صاحب ملک بدهد.

به هم زدن قرارداد اجاره

۱. اجاره دهنده و مستاجر با رضایت یکدیگر می توانند معامله را به هم بزنند؛

۲. اگر در اجاره شرط کنند که حق بر هم زدن اجاره، برای هر دو، یا یکی از آنان محفوظ باشد، کسی که حق برای او شرط شده است، می تواند مطابق قرار داد اجاره را به هم بزند.

فریب خوردن در قرارداد اجاره

اگر موجر یا مستاجر متوجه شود که مغبون شده است:

۱. چنانچه هنگام خواندن اجاره متوجه نباشد که مغبون است، می تواند اجاره

۱- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اجاره نسبت به شب اول که مقدار قطعی اجاره است، صحیح می باشد؛ مگر آن که اجاره کنندگان در صورتی به اجاره شب اول راضی باشند که اجاره شب های بعد نیز صحیح باشد که در این صورت با باطل بودن اجاره شب های بعد ، اجاره شب اول نیز باطل است» (همان، مسئله ۲۱۹۲).

به هم بزند؛

۲. اگر در صیغه اجاره شرط کرده باشند که اگر مغبون هم شدند حق به هم زدن معامله را نداشته باشند؛ نمی توانند اجاره را به هم بزنند.

حکم ربا در اجاره

اگر مالک، خانه یا مغازه خود را به مدت معیّن و اجرت مشخّصی اجاره بدهد، به این شرط که مستأجر مبلغی را به عنوان قرض به او بپردازد، اشکال ندارد؛ هر چند مالک، با توجّه به آن، مبلغ اجاره خانه را کم تر قرار دهد؛ ولی اگر مستأجر مبلغی را به مالک قرض بدهد به این شرط که خانه را با اجرت خاصّی در اختیار او قرار دهد (به طوری که آن چه بین آن دو محقّق می شود قرض دادن و قرض گرفتن باشد و اجاره دادن خانه به مستأجر به عنوان شرط در قرض باشد) باطل و حرام است.(۱) قرض گرفتن و قرض دادن مشکلی ندارد؛ زیرا به همان مقدار که قرض گرفته است، باید پرداخت کند؛ ولی این که اجاره دادن خانه را نیز به همراه قرض دادن شرط کنند، چیزی اضافه بر قرض است و در حکم ربا و حرام است.

فرار از ربا در رهن خانه

مسئله: برای این که در مورد رهن خانه به ربا دچار نشویم، راه صحیح آن است که از اول به عنوان اجاره قرارداد بسته شود؛ به طوری که مالک، خانه خود را تا مدت مشخص به مبلغ معیّنی، به مستأجر اجاره دهد و شرط کند که مستأجر مبلغی را به او قرض دهد؛ اما اگر اول به عنوان قرض، پول را به

۱- اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۶۶۱.

صاحب خانه بدهد (به شرط آن که خانه را به کم تر از قیمت اجاره دهد) ربا و حرام است.(۱)

تذکر: اصطلاح «رهن» در رهن و اجاره خانه غلط مشهور است؛ زیرا رهن یعنی مالی را به عنوان گرو نزد شخص گذاشتن، بدون این که حق استفاده از آن را داشته باشد؛ در صورتی که در رهن خانه، طرف از منافع خانه استفاده می برد.

احکام حواله

تعریف حواله: بدهکار می تواند با طلبکار توافق کند تا طلب خود را از فرد دیگری بگیرد و این عقد را «حواله» می گویند و باید طلبکار و بدهکار هر دو به این امر راضی باشند.

شرایط حواله

۱. انتقال بدهی از طلبکار به حواله شده

بعد از تحقق حواله، کسی که به او حواله شده است، بدهکار می شود و طلبکار تنها می تواند طلب خود را از او بگیرد و حق ندارد آن را از بدهکار اولی مطالبه کند.(۲)

۲. قبول شخصی که به او حواله شده

کسی که به او حواله داده می شود: اگر بدهکار باشد، باید حواله را قبول کند؛

۱- منهاج الصالحین، ج ۳، مسئله ۷۹۸ ؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال ۸۳۰؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سؤال ۱۶۶۲؛ جامع الاحکام صافی، ج ۱، سؤال ۱۲۰۵ و استفتا از دفتر آیت الله نوری همدانی و نیز بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اجاره به شرط قرض، بنابر احتیاط واجب جایز نیست» (منهاج الصالحین، ج ۲، مسئله ۱۰۱۴).
۲- همان، مسئله ۲۲۸۹.

اگر بدهکار نباشد، در صورتی حواله صحیح است که او حواله را قبول کند؛

اگر انسان بخواهد به کسی که جنسی بدهکار است، جنس دیگر حواله دهد؛ مثلًا به کسی که جو بدهکار است گندم حواله دهد، تا زمانی که او قبول نکند؛ حواله صحیح نیست.(۱)

۳. بدهکاری حواله دهنده

وقتی انسان حواله می دهد، باید بدهکار باشد. بنابراین، اگر بخواهد از کسی قرض کند، تا زمانی که از او قرض نکرده و بدهکار او نشده است، نمی تواند او را به کسی حواله دهد تا آنچه را بعداً قرض می دهد از آن کس بگیرد و در این صورت، حواله صحیح نیست.(۲)

۴. مشخص بودن مقدار و جنس حواله

حواله دهنده و طلبکار باید مقدار حواله و جنس آن را بدانند. بنابراین، اگر کسی ده کیلو گندم و صد هزار تومان پول به یک نفر بدهکار باشد و به او بگوید: «یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر» و آن را معین نکند؛ حواله صحیح نیست.(۳)

۱- بنابر فتوای آیت الله صافی: «حواله در صورتی صحیح است که کسی که بر او حواله می شود، اگر بدهکار نیست، قبول نماید و همچنین اگر بدهکار باشد و غیر آن جنسی را که بدهکار است به او حواله دهند. مثلًا اگر جو بدهکار است، گندم حواله کنند، در صورتی صحیح است که قبول نماید، بلکه مستحبّ است که اگر همان جنسی را که بدهکار است به او حواله نمایند، او قبول کند». بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «مسئله در تمام موارد حواله، باید کسی که به او حواله می شود، قبول داشته باشد؛ چه بدهکار باشد و چه نباشد» (همان، مسئله ۲۲۹۱).

۲- همان، مسئله ۲۲۹۲.

۳- همان، مسئله ۲۲۹۳.

۵. معیّن بودن بدهی در واقع

اگر بدهی واقعاً معیّن باشد؛ ولی بدهکار و طلبکار در موقع حواله دادن، مقدار آن یا جنس آن را ندانند؛ حواله صحیح است.

مثال: اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و قبل از دیدن دفتر، حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و به طلبکار مقدار طلبش را بگوید، حواله صحیح می باشد.(۱)

۶. اختیار طلبکار در قبول حواله

طلبکار می تواند حواله را قبول نکند؛ اگر چه کسی که به او حواله شده، فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید.(۲)

۷. حواله به شخص غیر بدهکار

اگر به کسی حواله بدهند که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند:

الف. قبل از پرداختن حواله، نمی تواند مقدار حواله را از حواله دهنده بگیرد؛

ب. اگر طلبکار طلب خود را به مقدار کم تری صلح کند، کسی که حواله را قبول کرده، همان مقدار را می تواند از حواله دهنده مطالبه نماید.(۳)

۸. به هم زدن حواله

الف. بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله

۱- همان، مسئله ۲۲۹۴.

۲- همان، مسئله ۲۲۹۵.

۳- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر به کسی حواله بدهد که بدهکار نیست، چنانچه او حواله را قبول کند، می تواند پیش از پرداختن حواله مقدار حواله را از حواله دهنده مطالبه کند؛ مگر آن که طلبی که به او حواله شده است، با مدّت باشد و مدّت او هنوز به سر نیامده باشد که در این صورت، او نمی تواند پیش از تمام شدن مدّت، مقدار حواله را از حواله دهنده مطالبه نماید، هر چند آن را پرداخت کرده باشد و اگر طلبکار طلب خود را به کسی که به او حواله شده است، به مقدار کم تر صلح کند؛ او فقط همان مقدار را می تواند از حواله دهنده مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۲۹۶).

شده، نمی توانند حواله را به هم بزنند؛

ب. هرگاه کسی که به او حواله شده است، در موقع حواله فقیر نباشد (یعنی غیر از چیزهایی که در دَین مستثنا است، مالی داشته باشد که بتواند حواله را بپردازد) اگر چه بعداً فقیر شود، طلبکار نمی تواند حواله را به هم بزند؛

ج. همچنین اگر کسی که به او حواله شده است، در وقت حواله فقیر باشد و طلبکار بداند که او فقیر است؛

د. اگر نداند کسی که به او حواله شده، فقیر است و بعد بفهمد؛ اگر چه در آن وقت دارا و غنی شده باشد، طلبکار می تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.(۱)

۹. قرارداد حق به هم زدن حواله

اگر حق بر هم زدن حواله برای بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده، یا یکی از آنان قرار داده شود، مطابق قراری که گذاشته اند، می شود حواله را به هم زد.(۲)

۱۰. دادن حق طلبکار به وسیله حواله دهنده

اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد:

اگر به درخواست کسی که به او حواله شده، داده باشد؛ می تواند چیزی را که

۱- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر نداند فقیر است و بعد بفهمد، اگر در آن وقت متمکن نشده باشد، طلبکار می تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد؛ ولی اگر متمکن شده باشد، حق فسخ محل اشکال است.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده، هیچ یک نمی تواند معامله را به هم بزند و همچنین بنا بر اقوا طلبکار نمی تواند حواله را به هم بزند؛ چه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر باشد یا نباشد» (همان، مسئله ۲۲۹۷).

۲- همان، مسئله ۲۲۹۸.

به بدهکار داده، از او بگیرد؛

اگر بدون درخواست او آن را داده، نمی تواند چیزی را که داده. از او مطالبه نماید.(۱)

احکام رهن

«رهن» آن است که بـدهکار مقـداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد تا اگر طلب او را به موقع نداد، طلبکار طلبش را از آن مال بردارد.(۲)

قرار داد رهن

در رهن لازم نیست صیغه بخواننـد و همین قـدر که بـدهکار مال خود را به قصـد گرو، به طلبکار بدهد و طلبکار هم به همین قصد بگیرد، رهن صحیح است.(۳)

شرایط مال رهنی

اشاره

۱. انسان مالی را می تواند گرو بگذارد که شـرعاً بتواند در آن تصـرّف کند و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد، در صورتی صحیح است که صاحب مال به گرو گذاشـتن آن راضی باشد؛ مانند اسنادی که در زمان ما برای استیفای حق به وثیقه گذاشته می شود؛(۴)

۲. چیزی را که گرو می گذارند، باید خرید و فروش آن صـحیح باشد. بنابراین، اگر شراب و آلات قمار و مانند آن که مالیت شرعی یا چیزی هایی که

۱- همان، مسئله ۲۲۹۹.

۲- همان، مسئله ۲۳۰۰.

۳- همان، مسئله ۲۳۰۱.

۴- همان، مسئله ۲۳۰۳.

مالیت عرفی ندارند گرو بگذارند؛ صحیح نیست.(۱)

منافع مال رهنی

رهن گیرنده حق استفاده و تصرف در مال به گرو گذاشته شده را بدون اجازه مالك ندارد، و اگر استفاده کند، ضامن اُجرت آن است.(۲)

فروش مال رهنی توسط طلبکار

مالك و کسی که مال خود را رهن گذاشته است حق ندارد بدون اجازه طلبکار آن را بفروشد و اگر بدون اجازه رهن گیرنده فروخت، باطل است؛ مگر بعدا اجازه دهد یا از اول با اجازه رهن گیرنده بفروشد که در این صورت، معامله صحیح است.(۳)

مسئله: اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد، پول آن هم مثل خود مال گرو می باشد.(۴)

۱- همان، مسئله ۲۳۰۴.

۲- همان، مسئله ۲۳۰۵.

۳- همان، مسئله ۲۳۰۶.

۴- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «رهن باطل می شود، و پول آن رهن نیست، مگر این که اجازه فروش با این شرط باشد که پول آن به جای آن گرو باشد.» نیز بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر گرو گیرنده چیزی را که گرو برداشته است، با اجازه مالك آن بفروشد؛ پول آن مثل خود مال، گرو نمی باشد، و همچنین است درصورتی که بی اجازه او بفروشد وبعد مالك امضا کند؛ ولی اگر گرو دهنده آن چیز را با اجازه گرو گیرنده بفروشد که عوض آن را گرو قرار دهد باید همین کار را بکند و در صورتی که تخلّف نماید معامله باطل است؛ مگر آن که گرو گیرنده آن را اجازه دهد.» نیز بنابر فتوای آیت الله وحید: «این حکم محلّ اشکال است؛ مگر این که در ضمن عقدی - اگرچه خود آن بیع باشد - شرط شود که بدهکار عوض را گرو بگذارد، که در این صورت، بر او واجب می شود به شرط خود وفا کند، یا شرط شود که عوض گرو باشد، که در این صورت، به خود شرط عوض گرو می شود» (همان، مسئله ۲۳۰۷).

حکم نپرداختن بدهی در زمان معین

اگر در زمانی که بدهکار باید طلب خود را بپردازد، طلبکار طلبش را از او مطالبه کند؛ ولی او بدهی خود را نپردازد، دو حالت دارد:

۱. در صورتی که طلبکار از طرف مالک وکیل باشد، می تواند مالی را که گرو برداشته است بفروشد و طلب خود را از قیمت آن بردارد، و در این صورت، باید بقیه آن را به بدهکار بدهد؛

۱. در صورتی که از طرف مالک وکیل نباشد و او از ادای دین به صورتی امتناع کند؛ در این صورت، اگر به حاکم شرع دسترسی دارد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.(۱)

مسئله: اگر بدهکار غیر از خانه ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه، مورد نیاز اوست؛ چیز دیگری نداشته باشد:

۱. طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه کند؛

۲. طلبکار می تواند اگر جزء مالی که گرو گذاشته خانه و اثاثیه هم باشد، آن ها را بفروشد و طلب خود را بردارد.(۲)

احکام غصب

اشاره

«غصب» آن است که انسان از روی ظلم، بر مال یا حقّ کسی مسلط شود. غصب از گناهان بزرگ است و اگر کسی مرتکب آن شود، در قیامت به عذاب سخت گرفتار خواهد شد. از رسول اسلام صلی الله علیه و آله و سلم چنین روایت شده است:

هر کس یک وجب زمین از دیگری غصب کند، در قیامت آن زمین و هفت

۱- همان، مسئله ۲۳۰۸.

۲- همان، مسئله ۲۳۰۹.

طبقه آن را مثل طوق به گردن او می اندازند.(۱)

غصب اماکن عمومی

اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند؛ حقّ آنان را غصب نموده است. (۲)

غصب مال رهنی

چیزی را که انسان به عنوان رهن یا وثیقه نزد طلبکار می گذارد، باید نزد او بماند تا در صورت ندادن طلب او بتواند طلب خود را از آن بردارد. بنابراین، اگر قبل از آن که طلب او را بدهد، آن چیز را بدون رضایت او از او بگیرد؛ حق او را غصب کرده است.(۳)

ثابت بودن رهن با غصب دیگری

مالی را که نزد کسی به عنوان رهن یا وثیقه گذاشته اند:

۱. دیگری غصب کند، صاحب مال و طلبکار، هر دو می توانند چیزی را که وی غصب کرده از او مطالبه نمایند و اگر آن چیز را از او بگیرند؛ باز هم رهن است؛

۲. اگر آن چیز از بین برود و عوض آن را بگیرند، آن عوض هم مثل خود آن چیز رهن می باشد.(۴)

۱- «أیما رَجلٍ ظلم شبرا مِنَ الأرض کُلّفه اللّهُ تعالی أن یحفره حتّی یبلغ آخر سبع أرضین ثمّ یطوّقه یوم القیامه حتّی یقضی بین النّاس» (نهج الفصاحه، ص ۳۶۲).

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۵۴۵.

۳- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «و همچنین است اگر کسی جایی را که دیگری بدان پیشی گرفته، نگذارد استفاده کند» (همان، مسئله ۲۵۴۶).

۴- همان، مسئله ۲۵۴۷.

وظیفه غاصب

مسئله: اگر انسان چیزی را غصب کند، باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود، باید عوض آن را به او بدهد.(۱)

منافع مال غصبی

اگر از چیزی که غصب کرده است، منفعتی به دست آید، یا قابلیت به دست آمدن منفعت از آن را داشته؛ مثلًا از گوسفندی که غصب کرده، برّه ای متولد شود، از آن صاحب مال است و آنجا که قابلیت دارد مانند: کسی که خانه ای را غصب کرده، اگر چه در آن ننشیند، باید اجاره آن را به صاحبش بدهد، و همچنین است اموال دیگر، مانند باغ میوه، اتومبیل و غیر آن.(۲)

فروش مال غصبی

اگر کسی مال را غصب کند و بفروشد، چنانچه بعد از فروش آن، صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد؛ معامله صحیح است و در این صورت، باید مشتری و صاحب مال در منفعتی که برای جنس و عوض آن بوده با یکدیگر مصالحه کنند.(۳)

۱- همان، مسئله ۲۵۴۸.

۲- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «مگر آن که بر فرض غصب نکردن هم اجاره دادن آن خانه و استفاده در آن برای مالك مقدور نباشد که در صورتی که غاصب در آن ننشیند، لازم نیست اجاره آن را بدهد» (همان، مسئله ۲۵۴۹).

۳- بنابر فتوای حضرات آیات صافی، سیستانی، زنجانی و وحید: «چیزی را که غصب کننده به مشتری داده و منفعت های آن از موقع معامله، ملك مشتری است و چیزی را که مشتری داده و منفعت های آن از موقع معامله، ملك کسی است که مال او را غصب کرده اند» (همان، مسئله ۲۰۸۸).

فروش مال غصبی به قصد تملک پول آن

۱. اگر کسی مالی را غصب کند و به این قصد بفروشد که پولش را مالک شود، چنانچه صاحب مال معامله را اجازه نکند، معامله باطل است؛

۲. در فرض بالا، حتی اگر صاحب مال، معامله را برای غاصب اجازه دهد، معامله اشکال دارد.(۱)

غصب اموال بچه و دیوانه

مسئله: اگر کسی از دست بچه یا دیوانه چیزی را که مال خود آن ها است، غصب کند، باید آن چیز را به ولیّ او بدهد و اگر از بین رفته، باید عوض آن را بدهد.(۲)

حکم تلف مال غصبی قیمی و مثلی

اشیا بر دو گونه اند: «قیمی» و «مثلی». مراد از اشیای قیمی، چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت، برای معمول افراد آسان نیست و مراد از اشیای مثلی، چیزی است که تهیه مثل آن از هر جهت، برای معمول افراد آسان است، یا این که مثل و مانند آن از جهت خصوصیاتی که در جلب تقاضا تأثیر دارد، فراوان است.

اگر کسی یکی از اشیای قیمی، همچون گاو و گوسفند را غصب کند که افراد آن یکنواخت و مثل هم نیستند و آن چیز از بین برود، باید قیمت آن را به صاحبش پس بدهد و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد، باید قیمت

۱- بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی، وحید، سیستانی و نوری: «چنانچه صاحب مال معامله را اجازه بکند، معامله صحیح است؛ ولی پول، مال مالک می شود، نه مال غاصب» (همان، مسئله ۲۰۸۹).

۲- بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی و مکارم: «و اگر به دست آن بچه یا دیوانه دهد و از بین برود، ضامن است» (همان، مسئله ۲۵۵۰).

روزی را که تلف کرده است، بدهد.(۱)

اما اگر کسی یکی از اشیای مثلی، مانند فرش های ماشینی و ظروف و کتاب و مانند این ها را که معمولا مثل آن فراوان است و قیمت اجزایش با هم فرق ندارد، غصب کند، باید مثل همان چیزی را که غصب کرده به صاحبش پس بدهد، و چیزی را که می دهد، باید خصوصیاتش مثل چیزی باشد که آن را غصب کرده و از بین رفته است.(۲)

رشد قیمت مال غصبی

اگر چیزی را که مانند گوسفند قیمت افراد آن با هم فرق دارد، غصب نماید و از بین برود؛ چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد؛ ولی در مدّتی که پیش او بوده مثلًا چاق شده باشد؛ باید قیمت وقتی را که چاق بوده، بدهد.(۳)

حکم خرید و فروش بدون شرایط معامله

اگر در چیزی که می فروشند یکی از شرط های صحت معامله نباشد؛ مثلًا چیزی را که باید با وزن خرید و فروش کنند، بدون وزن معامله نمایند:

۱. معامله باطل است؛

۲. چنانچه فروشنده و خریدار با قطع نظر از معامله راضی باشند که در مال یکدیگر تصرّف کنند؛ اشکال ندارد؛

۱- فتوای حضرات آیات نوری و زنجانی، در این مورد تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجع شود (همان، مسئله ۲۵۵۸).
۲- همان، مسئله ۲۵۵۹.
۳- بنا بر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر چیزی را که قیمی است غصب نماید و از بین برود، اگر در مدّتی که پیش او بوده صفتی پیدا کرده که قیمتش بالا رفته است؛ مثلًا چاق شده؛ سپس تلف شده است؛ اگر این چاقی در اثر رسیدگی بهتر غاصب نباشد، باید قیمت وقتی را که چاق بوده، بدهد؛ ولی اگر در اثر رسیدگی او باشد، لازم نیست این افزایش قیمت را بپردازد» (همان، مسئله ۲۵۶۰).

۳. اگر چنین رضایتی نداشته باشند، چیزی را که از یکدیگر گرفته اند، مانند مال غصبی است و باید آن را به هم برگردانند؛

۴. در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود، چه بداند معامله باطل است چه نداند؛ باید عوض آن را بدهد.(۱)

حکم مال تلف شده قبل از خرید

هر گاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند، یا مدتی نزد خود نگهدارد تا اگر پسندید آن را بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.(۲)

احکام ضمانت دین

تعریف: «ضمانت» عهدی است که در آن ضامن قبول می کند بدهی کسی را که بدهکار است، پرداخت کند.

فرق ضمانت شرعی و عرفی

«ضمانت شرعی» با آنچه امروزه رایج است تفاوت می کند؛ زیرا در ضمانت شرعی کل بدهی بر عهده ضامن قرار می گیرد و طلبکار حق رجوع به بدهکار خود را ندارد؛ اما در ضمانت عرفی، رایج ضامن در طول بدهکار قرار می گیرد؛ یعنی در صورت عدم پرداخت بدهی توسط بدهکار، ضامن طبق تعهد خود عمل می کند.

در این جا احکام ضمانت شرعی بیان می شود، نه ضمانت عرفی.

۱- همان، مسئله ۲۵۶۲.

۲- همان، مسئله ۲۵۶۳.

شرایط ضمانت دین

اشاره

ضمانت کردن شرایطی دارد، از جمله:

۱. طلبکار معین باشد: بنابراین اگر دو نفر از کسی طلبکار باشند و انسان بگوید: «من ضامن هستم که طلب یکی از شما دو نفر را بدهم»؛ چون معین نکرده که طلب کدام یک را بدهد؛ ضمانت او باطل است؛

۲. بدهکار معین باشد: مثلا اگر کسی از دو نفر طلبکار باشد و انسان بگوید: «من ضامن هستم که بدهی یکی از آن دو نفر را به شما بدهم»؛ چون معین نکرده که بدهی کدام را می دهد؛ ضامن شدن او باطل می باشد؛

۳. جنس بدهی معین باشد: مثلا اگر کسی از دیگری ده من گندم و صد تومان پول طلبکار باشد و انسان بگوید: «من ضامن یکی از دو طلب تو هستم»؛ و معین نکند که ضامن گندم است، یا ضامن پول؛ ضمانت صحیح نیست.(۱)

بخشیدن طلب به ضامن

۱. اگر طلبکار، طلب خود را به ضامن ببخشد، ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد؛

۲. اگر طلبکار، مقداری از طلب خود را به ضامن ببخشد، نمی تواند آن مقدار را از بدهکار مطالبه کند.(۲)

۱- همان، مسئله ۲۳۱۴.

۲- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی اگر همه آن، یا بخشی از آن را هبه کند یا از باب خمس یا زکات یا صدقات و امثال آن حساب کند، ضامن می تواند از بدهکار مطالبه نماید» (همان، مسئله ۲۳۱۵).

انصراف ضامن

مسئله: اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد.(۱)

شرط به هم زدن ضمانت

مسئله: ضامن و طلبکار می توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند، ضامن بودن ضامن را به هم بزنند.(۲)

فسخ ضمانت

۱. اگر انسان زمانی که ضامن می شود، بتواند طلب طلبکار را بدهد؛ اگر چه بعد فقیر شود، طلبکار نمی تواند ضمانت او را به هم بزند و طلب خود را از بدهکار مطالبه کند؛

۲. اگر انسان زمانی که ضامن می شود نتواند طلب طلبکار را بدهد:

الف. چنانچه طلبکار به این امر آگاه باشد و به ضامن شدن او راضی گردد، باز نمی تواند ضمانت او را به هم بزند؛(۳)

ب. اگر طلبکار در آن وقت نداند و بعد ملتفت شود، می تواند ضمانت او را به هم بزند.(۴)

۱- همان، مسئله ۲۳۱۶.

۲- همان، مسئله ۲۳۱۷.

۳- همان، مسئله ۲۳۱۸.

۴- بنابر فتوای آیت الله وحید: «ولی اگر پیش از آن که طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد، چنانچه بخواهد ضامن بودن او را به هم بزند، اشکال دارد.» نیز بنابر فتوای آیت الله صافی: «و اگر پیش از آن که طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد احتیاط لازم این است که طلبکار ضمانت را به هم نزند.» نیز بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر انسان در موقعی که ضامن می شود، نتواند طلب طلبکار را بدهد و طلبکار چگونگی را نمی دانسته، یا بر فرض آگاه شدن هم به ضامن شدن او رضایت می داد؛ ضامن شدن صحیح است و طلبکار نمی تواند آن را به هم بزند؛ ولی اگر طلبکار بر فرض آگاهی از ناتوانی ضامن، به ضامن شدن او رضایت نمی داد، ضامن شدن او باطل است؛ مگر این که طلبکار بعداً آن را اجازه کند که ضامن شدن وی صحیح خواهد بود و نیازی به قرارداد جدید نیست» (همان، مسئله ۲۳۱۹).

ضمانت بدون اجازه بدهکار

مسئله: اگر کسی بدون اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی تواند چیزی از او بگیرد.(۱)

مطالبه ضامن از بدهکار

اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد:

۱. می تواند مقداری را که ضامن شده است، پس از پرداخت، آن را از بدهکار مطالبه کند؛

۲. اگر ضامن به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد، نمی تواند چیزی را که داده است؛ از بدهکار مطالبه کند.

مثال: اگر کسی ده من گندم بدهکار باشد و ضامن به جای آن ده من برنج به طلبکار بدهد، نمی تواند برنج را از بدهکار مطالبه کند؛ امّا اگر خود بدهکار راضی شود که برنج بدهد؛ اشکال ندارد.(۲)

۱- همان، مسئله ۲۳۲۰.

۲- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، می تواند مقداری را که ضامن شده، پس از دادن، از او بگیرد؛ مگر آن که ضامن در هنگام پرداخت بدهی، قصد مجّانی بودن کرده باشد، یا بدهکار قصد مجّانی بودن داشته و لفظی هم به کار برده باشد که ظاهر آن، این باشد که ضامن به طور مجّانی بدهی او را بپردازد که در این صورت، چیزی بر عهده بدهکار نیست. به هر حال، اگر ضامن به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد، نمی تواند چیزی را که داده، از بدهکار بگیرد؛ مثلاً اگر ده کیلو گندم بدهکار باشد و ضامن ده کیلو برنج بدهد، نمی تواند برنج را از او مطالبه کند؛ امّا اگر خودش راضی شود که برنج بدهد، اشکال ندارد» (همان، مسئله ۲۳۲۱).

احکام اقاله (پس گرفتن کالا)

اشاره

«اقاله» به معنای برهم زدن معامله از سوی هر دو طرف(خریدار و فروشنده) است. مثلاًـ با این که خریدار حق فسخ ندارد، کالای خریده شده را پس بدهد و فروشنده نیز بپذیرد.(۱)

امام صادق(علیه السّلام) در مورد فضیلت پذیرش اقاله فرمودند:

خدای عزوجل روز قیامت به چهار گروه نگاه می کند: کسی که معامله پشیمانی را اقاله کند؛ یعنی با کسی که معامله ای کرده و پشیمان شده معامله را فسخ کند و کسی که به فریاد بیچاره ای رسیده ... (۲).

موارد جاری شدن اقاله

اقاله در تمام قراردادها به جز عقد نکاح قابل اجرا است و به هر لفظی که باشد صحیح است؛ حتی اگر لفظی در کار نباشد؛ بلکه یک طرف معامله، آن چه را به او منتقل شده، پس بدهد و طرف مقابل هم آن را بگیرد، اقاله انجام شده است.(۳)

اقاله به کم تر یا بیش تر

اقاله معامله به بیش تر و یا کم تر از قیمت معامله جایز نیست. بنابراین، اگر مشتری جنس یا قیمتی روی کالاـ بگذارد، یا فروشنده چیزی از قیمت کالا را کم کند و قبول کند، اقاله صحیح نیست و مال فروخته شده در ملک مشتری و

۱- درسنامه فقه، ج۲، ص۸۶.

۲- «أَرْبَعَهٌ یَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیهِمْ یوْمَ الْقِیامَهِ... مَنْ أَقَالَ نَادِماً أَوْ أَغَاثَ لَهْفَانَ أَوْ أَعْتَقَ نَسَمَهً أَوْ زَوَّجَ عَزَباً» (وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۳۸۷).

۳- تحریر الوسیله، ج۱، ص۵۲۷.

قیمت کالا در ملک فروشنده باقی می ماند.(۱)

اقاله بخشی از مال

اقاله کردن بخشی از مال یا قیمت مورد معامله نیز صحیح است. پس اگر صد کیلو برنج بخرد و ۵۰ کیلوگرم آن را به فروشنده پس بدهد و او نیز قیمت آن را به خریدار برگرداند، اقاله صحیح است.(۲)

مسئله: تلف کالا، مانع صحت اقاله نمی شود. پس اگر دو طرف معامله اقاله کنند، هر عوضی به مالکش بر می گردد، و اگر جنس موجود باشد، همان را می گیرد، و اگر تلف شده باشد در مثلی به مثل و در قیمی به قیمت رجوع می کند.(۳)

مسئله: در مال مشترک، یکی از شریکان می تواند سهم خود را با فروشنده اقاله کند و موافقت شریک دیگر شرط نیست.(۴)

احکام جعاله

تعریف جعاله «جعاله» آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند، مال معینی بدهد. مثلًا بگوید: «هر کس گمشده مرا پیدا کند، صد هزار تومان به او می دهم.»

به کسی که این قرار را می گذارد، «جاعل» می گویند؛

۱- همان، مسئله ۱.

۲- همان، مسئله ۳.

۳- تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۲، ص ۴۵۵.

۴- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۲۷. مسئله ۳.

به کسی که این کار را انجام می دهد، «عامل» می گویند.(۱)

فرق بین جعاله و اجاره

فرق بین جعاله و اجاره این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه (قرارداد) اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرت را به او بدهکار می شود؛ ولی در جعاله، عامل می تواند مشغول عمل نشود و تا زمانی که عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی شود.(۲)

اقسام جعاله

۱. جعاله عام: در این نوع جعاله، عامل معین نیست؛ مثلا می گوید: «هر کس ماشین مرا پیدا کند، یک میلیون تومان به او می دهم»؛

۲. جعاله خاص: در این نوع جعاله، عامل معین است؛ مثلا به شخصی می گوید: «اگر ماشین مرا پیدا کردی، یک میلیون تومان به تو می دهم.»(۳)

شرایط کاری که جاعل معین می کند

مسئله: کاری را که جاعل برای آن مزد تعیین می کند، نباید از کارهای حرام باشد؛ همچنین نبایستی از امور بی فایده باشد. پس اگر بگوید: «هر کس شراب بخورد، یا در شب به جای تاریکی برود، صد هزار تومان به او می دهم»؛ جعاله صحیح نیست.(۴)

مسئله: اگر مالی را که قرار می گذارد بدهد، معین کند؛ مثلًا بگوید: «هر کس

۱- توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۲۱۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۱۸.

۳- رساله آیت الله مکارم، مسئله ۱۹۲۹.

۴- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۲۰.

اسب مرا پیدا کند، این گندم ها را به او می دهم»؛ لازم نیست بگوید آن گندم مال کجاست و قیمت آن چیست؛ ولی اگر مال را معین نکند؛ مثلًا بگوید: «کسی که اسب مرا پیدا کند ده من گندم به او می دهم»؛ باید خصوصیات آن را کاملًا معین نماید.(۱)

مسئله: اگر جاعل، مزد معینی برای کار قرار ندهد؛ مثلًا بگوید: «هر کس بچه مرا پیدا کند، پولی به او می دهم»؛ و مقدار آن را معین نکند؛ چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را به مقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد، بدهد.(۲)

مسئله: اگر عامل پیش از قرارداد، کار را انجام داده باشد، یا بعد از قرار داد، به قصد این که پول نگیرد انجام دهد؛ حقّی به مزد ندارد.(۳)

مسئله: بعد از آن که عامل کار را شروع کرد، اگر جاعل بخواهد جعاله را به هم بزند، اشکال ندارد؛ ولی باید مزد همان مقدار کار او را به اندازه ای که نزد مردم ارزش دارد؛ بپردازد. (۴)

مسئله: عامل می تواند هر زمان که بخواهد از انجام دادن عمل صرف نظر کند و مستحق اجرتی نیست؛ ولی اگر کار را شروع کرده باشد و با ترک آن ضرری متوجه جاعل می شود، باید آن را به پایان برساند. مثلًا اگر کسی بگوید: هر کس

۱- همان، مسئله ۲۲۲۱.

۲- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر جاعل مزد معینی برای کار قرار ندهد، مثلًا به بنّا بگوید: "اگر اتاق مرا تعمیر کردی، پولی به تو می دهم" و مقدار آن را معین نکند، چنانچه بنّا آن کار را انجام دهد، جاعل باید حد اقل مقداری را که در این گونه جعاله ها داده می شود، بدهد» (همان، مسئله ۲۲۲۲).

۳- همان، مسئله ۲۲۲۳.

۴- بنا به فتوای حضرات آیات صافی، نوری، زنجانی و آیت الله سیستانی: «اشکال دارد» (همان، مسئله ۲۲۲۵).

چشم مرا عمـل کنـد فلان مقـدار به او می دهم و دکتر جراحی شـروع به عمل کنـد؛ چنانچه طوری باشـد که اگر عمل را تمام نکند، چشم معیوب می شود؛ باید آن را تمام نماید و در صورتی که ناتمام بگذارد، حقّی بر جاعل ندارد.(۱)

مسئله: اگر عامل کار را ناتمام بگـذارد، چنانچه آن کار مثل پیـدا کردن اسب است که تا تمام نشود برای جاعل فایـده نـدارد؛ عامل نمی توانـد چیزی مطالبه کند و همچنین است اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد. مثلًا بگوید: «هر کس لباس مرا بـدوزد، ده تومان به او می دهم»؛ ولی اگر مقصودش این باشـد که هر مقـدار از عمل که انجام گیرد، برای آن مقدار مزد بدهـد، جاعل بایـد مزد مقـداری را که انجام شـده به عامل بدهد؛ اگر چه احتیاط این است که به طور مصالحه یکدیگر را راضی نمایند.(۲)

احکام دین و قرض

قرض دادن از کارهای مستحبّی است که در آیات قرآن و اخبار، راجع به آن زیاد سفارش شـده است. پیغمبر اکرم(صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد، مال او زیاد می شود و ملائکه بر او رحمت می فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند، بدون حساب و به سرعت از صراط می گذرد و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد، بهشت بر او حرام می شود.(۳)

نیز در روایتی آمده است:

۱- بنابر فتوای حضرات آیات مکارم، صافی، نوری و زنجانی: «و ضامنِ عیبی که حاصل می شود نیز می باشد» (همان، مسئله ۲۲۲۶).

۲- همان، مسئله ۲۲۲۷.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص

ثواب صدقه ده برابر است و ثواب قرض هیجده برابر.(۱)

در روایت دیگری از حضرت صادق (علیه السّلام) آمده است:

۱.قرض مدت دار: یعنی هنگام قرض دادن مشخص شده است که قرض گیرنده چه موقع بدهی راپپردازد.

۲.قرض بدون مدت :که زمان پرداخت درآن مشخص نشده است.

مسئله: در قرض لازم نیست قردادی بخوانند؛ بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد، صحیح است؛ ولی «مقدار»، «مدّت» و «جنس» آن باید کاملاً معلوم باشد، تا بعدا اختلاف پیش نیاید.(۲)

مسئله: اگر در قرض، شرط کنند که در وقت معین آن را بپردازند، پیش از رسیدن آن وقت لازم نیست طلبکار قبول کند؛ ولی اگر تعیین وقت، فقط برای همراهی با بدهکار باشد، چنانچه پیش از آن وقت هم قرض را بدهند، باید قبول نماید.(۳)

مسئله: اگر در قرارداد قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، طلبکار

۱- من لا یحضره الفقیه (ترجمه)، ج ۲، ص ۳۷۶.
۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۷۳.
۳- بنابر فتوای آیت الله صافی: «اگر دین مدّت نداشته باشد، هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد طلبکار باید قبول نماید و اگر مدّت داشته باشد، پیش از مدّت بنابر احتیاط باید قبول کند» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۷۴).

پیش از تمام شدن آن مدت نمی تواند طلب خود را مطالبه کند؛ ولی اگر مدت نداشته باشد، طلبکار هر وقت بخواهد، می تواند طلب خود را مطالبه نماید.(۱)

مسئله: اگر طلبکار، طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد، باید فوراً آن را بپردازد و اگر تأخیر بیندازد، گناهکار است.(۲)

مسئله: اگر بدهکار، غیر از خانه ای که در آن نشسته و اثاث منزل و چیزهایی دیگری که به آن ها احتیاج دارد، چیزی نداشته باشد؛ طلبکار نمی تواند طلب خود را از او مطالبه نماید؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.(۳)

مسئله: کسی که بدهکار است و نمی تواند بدهی خود را بدهد، اگر کاسب است باید برای پرداخت بدهی خودش کسب کند، و کسی هم که کاسب نیست، چنانچه بتواند کاسبی کند، احتیاط واجب آن است که کسب کند و بدهی خود را بدهد.(۴)

مسئله: کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد و شرط نیست که فقیر سید نباشد.(۵)

۱- همان، مسئله ۲۲۵۷.

۲- همان، مسئله ۲۲۷۶.

۳- همان، مسئله ۲۲۷۷.

۴- بنابر فتوای حضرات آیات صافی و وحید: «چنانچه بتواند کاسبی کند (وحید: و برای او عسر و حرجی نباشد) واجب است که کسب کند و بدهی خود را بدهد» (همان، مسئله ۲۲۷۸).

۵- بنابرفتوای آیت الله سیستانی: «کسی که به طلبکار خود دسترسی ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که در آینده او یا وارثش را پیدا کند، باید طلب او را از طرف صاحبش به فقیر بدهد و بنابر احتیاط واجب، از حاکم شرع در این کار اجازه بگیرد؛ ولی اگر امید داشته باشد که او یا وارثش را پیدا کند، باید منتظر بماند و چنانچه او را پیدا نکند، وصیت کند که اگر او مرد و طلبکار یا وارثش پیدا شد، طلب او را از مالش بپردازند.» بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «باید طلب او را به فقیر بدهد و برای این کار از حاکم شرع اجازه بگیرد و مستحبّ است هنگام صدقه دادن قصد کند که صدقه از طرف صاحبش باشد و نیز اگر طلبکار او سید است، مستحب است صدقه ای که در عوض طلب او می دهد، به سید ندهد» (همان، مسئله ۲۲۷۹).

مسئله: اگر مال میت از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او بیش تر نباشد، باید مالش را به همین مصرف ها برسانند و به وارث او چیزی نمی رسد.(۱)

مسئله: اگر کسی مقداری پول طلا- و نقره قرض کند و قیمت آن کم شود، یا چند برابر گردد، چنانچه همان مقدار را که گرفته، پس بدهد، کافی است؛ ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند، اشکال ندارد.(۲)

مسئله: اگر مالی را که قرض کرده، از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند، احتیاط مستحب آن است که بدهکار مال را به او بدهد.(۳)

مسئله: اگر کسی که قرض می دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می دهد، بگیرد؛ مثلاً یک من گندم قرض بدهد و شرط کند که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده عدد تخم مرغ قرض بدهد که یازده عدد بگیرد، این کار ربا و حرام است؛ بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار، کاری برای او انجام دهد، یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده است، یک تومان با یک کبریت پس دهد؛ این کار ربا و حرام است و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می گیرد، به طور مخصوص پس دهد؛ مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که طلای ساخته پس بگیرد؛ باز هم ربا و حرام می باشد؛ ولی اگر بدون این که شرط کند، خود بدهکار

۱- همان، مسئله ۲۲۸۰.

۲- همان، مسئله ۲۲۸۱.

۳- همان، مسئله ۲۲۸۲.

زیادتر از آنچه قرض کرده است، پس بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه مستحب است.(۱)

مسئله: ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته؛ اگر چه کار حرامی کرده؛ اصل قرض صحیح است و می تواند در آن تصرّف نماید.(۲)

مسئله: اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند؛ حاصلی که از آن به دست می آید، مال قرض گیرنده است.(۳)

مسئله: اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که بابت ربا گرفته، یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد؛ چنانچه موقع خریداری قصدش بوده که از این پول بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن جایز نیست و نیز اگر پول ربایی یا حلال مخلوط به حرام داشته باشد و به فروشنده بگوید: «این لباس را به این پول می خرم»؛ پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است، نماز هم با آن باطل می باشد.(۴)

مسئله: اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که درشهر دیگر از طرف او کم تر بگیرد، اشکال ندارد و این را «صرف برات» می گویند (ومانند این است که از قسمتی از طلب خود صرف نظر کرده است) ولی اگر مقداری پول بدهد که بعد

۱- همان، مسئله ۲۲۸۳.

۲- فتوای حضرات آیات مکارم، نوری، زنجانی، صافی، سیستانی و مکارم در این مورد دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۲۸۴).

۳- بنا به فتوای حضرات آیات مکارم، نوری و زنجانی: «حاصلی که از آن به دست می آید، مال قرض دهنده است (مکارم: نه قرض گیرنده).» نیز بنا به فتوای آیت الله سیستانی: «حاصل را مالک می شود» (همان، مسئله ۲۲۸۵).

۴- فتوای حضرات آیات مکارم، زنجانی، سیستانی و وحید تفصیلاتی دارد که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۲۸۶).

از مدتی در شهر دیگر زیادتر؛ بگیرد مثلاً هزارتومان بدهد و در شهر دیگر یک هزار و صد تومان بگیرد، ربا و حرام است)(۱)

مسئله: اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد؛ مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد، ربا و حرام است؛ ولی اگر کسی که زیادی را می گیرد، در مقابل زیادی، جنس بدهد یا عملی انجام دهد، اشکال ندارد.(۲)

مسئله: هرگاه بدهکار از دنیا برود، تمام بدهی های او (هرچند مدّت آن نرسیده باشد) باید پرداخت شود وطلبکاران می توانند آن را مطالبه نمایند.(۳)

سوال: اگر مدیون در سختی قرار گرفته باشد و نتواند بدهی خود را بپردازد، آیا مطالبه طلب از سوی طلبکار جایز است؟ آیا میتواند بابت تأخیر، سود آن را بگیرد؟

جواب: به فتوای تمام مراجع، اگر بدهکار، غیر از خانه و اثاث و سایر چیزهایی که به آن ها احتیاج دارد و یا مناسب شأن او است، چیز دیگری نداشته باشد؛ مطالبه طلب بر طلبکار حرام است؛ بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد و دریافت سود پول به جهت تأخیر، حرام است.(۴)

۱- همان، مسئله ۲۲۸۷.

۲- بنا به فتوای حضرات آیات صافی و زنجانی: «اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد، سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کم تر از آن بفروشد، اشکال ندارد» (همان، مسئله ۲۲۸۸).

۳- توضیح المسائل آیت الله مکارم، مسئله ۱۹۵۳.

۴- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۷۶؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۳۲۹؛ توضیح المسائل آیت الله نوری، مسئله ۲۲۷۱؛ استفتا از دفتر آیت الله خامنه ای و ر.ک: منابع عنوان «جریمه دیرکرد» رساله دانشجویی، سوال۳۲۳.

حکم اشیای به جا مانده

یکی از اموری که شخص باید انجام دهد از جمله کاسب ها و تاجران رعایت حق الناس است که اسلام در مورد آن فراوان تأکید کرده است؛ تا جایی که مال مؤمن همانند جانش دارای ارزش قلمداد شده است. لذا نباید هیچ حقی از مسلمان ضایع شود و اگر ضایع شد، باید جبران شود و رضایت طرف مقابل به دست آید. حفظ اموال افراد تا جایی مهم است که حتی اموال و خون کفاری که به موجب قراردادهای شرعی با مسلمانان دارای روابط هستند و در حمایت اسلامند، دارای احترام هستند و همان حرمت را دارند. روایاتی در مورد رعایت حق الناس نقل شده است که به دو نمونه آن اشاره می شود:

پیامبر اسلام (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«اهل آتش از بوی چهار نفر در اذیت و آزارند! اینان از حمیم جهنم می آشامند و فریادشان به واویلا بلند است. یکی از آن ها در صندوقی از آتش است و آن کسی است که از دنیا رفته و حقی از حقوق مردم بر گردن او مانده است.»(۱)

امام صادق (علیه السّلام) نیز می فرمایند:

«کسی که حق مومنی را حبس کند، خداوند وی را در قیامت پانصد سال سر پا نگاه می دارد؛ در حدی که از رگ هایش خون بریزد. سپس منادی از جانب حق چنین ندا می کند: این ستمگری است که حق مؤمن را حبس کرده است. آن گاه به مدت چهل روز او را توبیخ می کنند و سپس به آتش می برند.»(۲)

۱- لآلی الأخبار، ج۳، ص۱۹۷.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۳۸۸.

یکی از مواردی که حق الناس است و شاید برای اکثر افراد جامعه و اصناف اتفاق بیفتد، اشیای به جا مانده در ماشین یا مغازه یا غیره است. این اموال از طرفی حق مردم است و باید به آنان بازگردانده شود و از طرف دیگر در خیلی از موارد، صاحب این اشیا شناخته شده نیست. حکم این مسئله در ذیل در قالب استفتائاتی که از مراجع تقلید شده است، بیان می شود.

سوال: من راننده هستم؛ گاهی اوقات بعضی از مسافرین، وسایلشان را در ماشین جا می گذارند؛ آیا می توانم از آن وسایل جامانده استفاده کنم؛ هدیه بدهم یا بفروشم؟

جواب: حق استفاده از آن وسایل را ندارید و اگر از پیدا کردن صاحبان آن ها نا امید هستید، می توانید از طرف آن ها به فقیر صدقه بدهید و برای این کار بنا بر احتیاط واجب از حاکم شرع اجازه بگیرید. (۱)

سوال: کامپیوتری را برای تعمیر آوردند؛ ولی پس از تعمیر، صاحب آن برای گرفتن کامپیوترش مراجعه نکرد؛ آیا استفاده کردن از آن مانعی دارد؟

۱- نظر آیت الله سیستانی: «شیء جامانده معمولاً دارای علامتی است که بدان وسیله صاحب آن را می توان شناخت. پس، اگر معلوم شود که صاحب آن، مسلمان یا در حکم مسلمان است که دارایی شان محترم می باشد و یا چنین چیزی محتمل به احتمال معقول و در خور توجه باشد؛ لازم است یک سال صبر کند و آن را معرفی نموده و پس از آن که از یافتن صاحب آن نا امید شد، آن را صدقه دهد؛ اما اگر معلوم گردد که صاحب آن، غیر مسلمان است، جایز است آن را تملک نمود؛ مگر آن که کشور از کشور هایی باشد که مسلمانان تعهد داده اند تحت شرایط پیشنهادی آنان زندگی کند، که از آن جمله است تحویل یافته ها و گمشده ها به صاحبانشان، که در این صورت تملک آن جایز نیست و باید مطابق تعهدات قانونی عمل کرد.» نظر آیت الله صافی گلپایگانی: «اگر صاحب مال شناخته نمی شود، حکم مجهول المالک را دارد.» نظر آیت الله مکارم شیرازی: «خیر؛ استفاده از آن ها جایز نیست، به نحو ناشناسی آن را به مرکز مربوط ارسال کنید و در جهت رفع نواقص قانونی پیگیر باشید» سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net).

جواب: این مال، حکم مجهول المالك را دارد، که اگر از پیـدا کردن صاحبش نا امیـد هستیـد، با اجازه حاکم شـرع می توانید پس از کسر هزینه تعمیر، قیمت آن را به فقیر صدقه داده و آن را تملک کنید. (۱)

احکام مزایده و مناقصه

تعریف مزایده: «مزایده» زمانی شکل می گیرد که تقاضا برای کالا یا کالاها از مقدار موجود بیش تر است و پیشنهاد دهندگان برای به دست آوردن کالا با یکـدیگر رقابت می کننـد. در هر مزایده، مزایده گذار تلاش می کند کالای خود را به بیش ترین قیمـت ممکـن به فروش بگـذارد و در مقابـل، متقاضـیان در پی تصـاحب کالاـ بـا کم ترین قیمت می باشـند. در انـواع مختلف مزایده، فروشـنده در پی یافتن روشـی است که از یک جهت این حس را در متقاضیان به وجود آورد که کالا را به قیمت قابل قبولی خریـده انـد و از سوی دیگر، افراد را ترغیب کند تا نزدیك ترین مبلغ به آن چه را به پرداخت آن برای کالای مورد نظر حاضر هستند؛ پیشنهاد دهند(۲)

۱- نظر آیت الله سیسـتانی: «تصـرف جایز نیست؛ بایـد نگه داریـد تا زمانی که از پیـدا شـدن او نا امیـد شویـد، آن گاه با اجازه حاکم شـرع می توانیـد قیمت آن را به فقیر بدهید و تملک کنید.» فتوای آیت الله مکارم شـیرازی: «فعلًا از آن اسـتفاده نکنید و اگر مؤونه ای نـدارد، آن را در گوشه ای قرار دهیـد و نگهـداری کنیـد؛ امـا در صورتی که از پیـدا کردن صـاحب آن نـا امید باشـید، می توانید آن را فروخته، و دست مزد خود را کسر کرده، و بقیّه را به فقرا صدقه دهید.» فتوای آیت الله صافی: «استفاده از مالی که متعلق به شـخص محترم المال باشـد، بـدون اذن او جایز نیست. بایـد آن را نگه دارید تا صاحبش مراجعه کند. بلی؛ اگر بعد از مدتی از شـناخت صاحبش نا امید باشـید، می توانید آن را به فقیر غیر سـید از طرف صاحبش صدقه نمایید.» (استفتا از دفـاتر حضـرات آیـات خـامنه ای، سیسـتانی، مکـارم شـیرازی، صـافی توسـط سـایت اسـلام کـوئست؛ www.islamquest.net).

۲- ویکی پدیا، مناقصه؛ fa.wikipedia.org/wiki.

تعریف مناقصه

«مناقصه» روشی برای خرید کالا یا خدمات که تمامی پیشنهادهای رسیده در یک زمان و در حضور پیشنهاد دهندگان بررسی شده و پایین ترین قیمت قبول می گردد.

مناقصه فرآیندی است رقابتی برای تأمین کیفیت مورد نظر (طبق اسناد مناقصه) که در آن تعهدات موضوع معامله به

مناقصه گری که کم ترین قیمت را پیشنهاد کرده باشد، واگذار می شود و مناقصه برای دسترسی به دو مولفه اساسی در خرید کالا و خدمات، به اجرا گذارده می شود.

تفاوت مناقصه با مزایده در این است که جای خریدار و فروشنده عوض می شود. در مناقصه خریدار تقاضای خود را برای کالا یا خدماتی اعلام می کند و فروشندگان پیشنهاد قیمت فروش را اعلام می کنند و این قیمت برای به دست آوردن معامله مرتبا کاهش می یابد. در نهایت پایین ترین قیمت برنده مناقصه خواهد بود. (۱)

از نظر فقهی در مزایده باید تمام شرایط صحت معامله رعایت شود.(۲)

سوال: اخیراً سایت هایی در فضای مجازی با عنوان مزایده اینترنتی مشغول فعالیت اند. به همین منظور افرادی در این سایت ها عضو می شوند و با پرداخت مبلغی که در سایت معین است حساب کاربری خود را شارژ می کنند. شخص با ارسال یک پیامک خالی در مزایده موجود ثبت نام می کند و بدین ترتیب در این صف به جلو حرکت کرده و در وقت مقتضی به صورت خودکار، پیشنهاد افزایش قیمت کالا را می دهد. سپس به انتهای صف منتقل می شود تا پس

۱- ویکی پدیا، مناقصه؛ gooni.ir.

۲- سایت انهار؛ www.anhar.ir.

از حرکت دوباره در صف و رسیدن نوبت پیشنهاد دوباره افزایش قیمت، کالا را عرضه کند. این عمل تا جایی که کاربر از اعتبار برخوردار است و کالای مورد نظر به قیمت نهایی نرسیده، ادامه می یابد. حکم شرعی این نوع مزایده چیست؟ البته این نوع مزایده به طرق دیگری هم انجام می گیرد که در تمام آن ها افزایش قیمت به صورت تدریجی و آرام و همراه با برداشتن مبلغی از حساب شرکت کنندگان است.

جواب: به طور کلی معاملات اینترنتی حکم سایر معاملات را دارد. پس، اگر موضوع حلال باشد و شرایط معاملات مانند معلوم بودن عوض و معوض و غیر این ها رعایت شود و چنانچه به صورت معامله خاصی، مانند بیع باشد و شرایط آن ها را مانند احکام نقد و نسیه و سلف را داشته باشد، صحیح است؛ اما مزایده مذکور که برای هر اظهارنظر پول جداگانه باید بپردازند و یک باره نتواند قیمت آخر را بیان کند و بدین وسیله مبلغ زیادی از مشتریان جمع می کنند؛ به نظر این جانب توجیه صحیح شرعی ندارد. والله العالم.(۱)

استفتا

سؤال: ما سه نفر هستیم، که در یک کشتارگاه مرغ در ملک و تابع آن شریک هستیم و به علت عدم هماهنگی، تصمیم گرفتیم به شراکت پایان داده و از هم جدا شویم؛ در نتیجه کشتارگاه و ملک مزبور را بین شرکا به مزایده گذاشتیم که یکی از ما، در مزایده برنده شد؛ ولی از آن زمان تا کنون هیچ پولی به ما نداده است؛ آیا این معامله از درجه اعتبار ساقط می شود؟

جواب: مجرد اعلام مزایده و پیشنهاد قیمت بیش تر توسط یکی از شرکا یا

۱- سوال از آیت الله صافی؛ http://isna.ir/fa/news.

دیگران برای تحقق بیع و انتقال ملکیت کافی نیست و تا بیع سهام بر وجه صحیح شرعی محقق نشود، شراکت به حال خود باقی است؛ ولی اگر بیع بطور صحیح صورت گیرد، تأخیر خریدار در پرداخت پول آن، اثری در بطلان معامله ندارد.(۱)

سؤال: جنسی که به مقتضای قانون باید فروش آن به صورت مزایده علنی باشد، اگر برای فروش در مزایده عرضه شود، آیا فروختن آن به قیمتی کم تر از قیمتی که کارشناس روی آن گذاشته است؛ در صورتی که به آن قیمت، مشتری نداشته باشد؛ جایز است یا خیر؟

جواب: قیمتی که توسط کارشناس معیّن شده، معیار فروش در مزایده نمی باشد؛ لذا اگر جنسی در مزایده به نحو صحیح از نظر شرعی و قانونی برای فروش عرضه شود، فروش آن به بالاترین قیمتی که در مزایده مشتری دارد؛ محکوم به صحت است.(۲)

احکام ربا

حرمت ربا از ضروریات دین است و حرام بودن ربا در آیات قرآن و روایات زیادی مطرح شده است. تعداد این روایات به قدری است که به سر حد تواتر می رسد. در این روایات، چنان تعبیرات تکان دهنده ای در مورد این کار ظالمانه و غیر انسانی وارد شده که درباره کم تر گناهی دیده می شود. در برخی روایات ربا خواری با عمل زشت منافی عفت زنا مقایسه شده و از آن بدتر شمرده شده است؛ از جمله این که بر اساس حدیثی پیغمبر اکرم (صلّی الله علیه و آله وسلّم) به حضرت

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ؟.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ؟.

علی(علیه السّلام) فرمودند:

یـا علی! درهم ربـا اعظم عنـدالله من سـبعین زنیه...؛ ای علی! یـک درهم از ربـا از نظر گنـاه و معصـیت از هفتـاد بـار زنـا بـدتر است».(۱)

همچنین پیغمبر (صلّی الله علیه و آله وسلّم) فرمودند:

«هر که ربا بخورد، خداونـد انـدرون او را به قـدری که ربا خورده، از آتش جهنم پر می کنـد و اگر از آن مالی را کسب کند، خداوند هیچ عملی را از او قبول نمی کند و مادامی که

یک قیراط ربا نزد او هست، دائما در لعنت خدا و ملائکه قرار دارد»(۲)!

به هر حال این روایات به روشـنی و با صراحت و با تأکیدهای متعدد بر تحریم ربا دلالت دارد، و آن را در ردیف بزرگ ترین گناهان از نظر اسـلام می شـمرد (تا حد زنای با محارم و حتی فراتر)، و با توجه به گستردگی این روایات و لحن شدید آن ها، اگر دلیلی بر حرمت ربا جز این گروه از روایات نبود، کافی به نظر می رسید.

در برخی از روایات دیگر ربا و تمام کسانی که به نوعی با آن ارتباط دارنـد لعنت شـده اند. امیر مؤمنان علی(علیه السّـلام) می فرماید:

«لعن رسول الله (صلّی الله علیه و آله وسلّم) الربا و آکله و بایعه و مشتریه و کاتبه و شاهدیه؛»پیامبر گرامی اسلام (صلّی الله علیه و آله وسلّم) ربا و پنج طایفه را که در ارتباط با ربا هسـتند، لعنت کرده است: کسی که میهمان ربا خوار می شود و از غذایی که از پول ربا تهیه شده است با علم و آگاهی اسـتفاده می کند؛ ربا خوار، ربا دهنده، کسـی که ربا را محاسبه می کند و شهود قرارداد ربا.(۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۶.

۲- همان، ص ۴۲۷.

۳- مستدرک الوسایل، ج۲۰ ۱۳، ص ؟

بی تردیـد این گستردگی لعن، دلیـل بر عظمت حرمت آن کـار، و قبـح و زشتی فوق العـاده آن است. این گروه از روایـات نیز دلیل بر حرمت ربا و رباخواری است. بر اساس برخی دیگر از روایات، ربا بدترین و خبیث ترین نوع معاملات است.

امام باقر(علیه السّلام) می فرمایند:

(اخبث المکاسب کسب الربا)؛ کثیف ترین معاملات، معاملات ربوی است. (۱)

این کار حتی از شراب فروشی و قمار و فحشا، کثیف تر عنوان شده است. در حدیث دیگر آمده است:

(و من الفاظ رسول الله (صـلّی الله علیه و آله وسـلّم) الموجزه التی لم یسـبق الیها، شر المکاسب کسب الربا)؛ از سخنان کوتاه و پر معنی رسول خدا (صـلّی الله علیه و آله وسلّم)که پیش از آن حضرت، سابقه نداشته، این است که فرمود: ربا خواری بدترین نوع کسب هاست. (۲)

برخی از روایات دیگر بر هلاکت ربا خواران در دنیا دلالت دارد. امام صادق (علیه السّلام) می فرماید:

«اذا اراد الله بقوم هلاکا ظهر فیهم الربا؛» هنگامی که خداوند اراده هلاکت قومی را کند، ربا در میان آن ها ظاهر می گردد.(۳)

در واقع زمانی که ربا خواری گسترش پیدا کند، موجبات هلاکت قوم و جامعه فراهم می شود؛ و لو هنوز عده ای از آن ها این کار را انجام نمی دهند.

۱- الحیاه ، ج ۵، ص ۶۰۷.
۲- الحیاه ، ج ۵، ص ۴۰۹.
۳- مجمع البیان ، ج ۱ ، ص ۳۹۰.

امام صادق (علیه السّلام) می فرماید:

«آکل الربا لا یخرج من الدنیا حتی یتخبطه الشیطان»[(۱)]

ربا خوار از دنیا نرود، تا آن که شیطان دیوانه اش کند».

همچنین می فرماید:

«در هم ربا أعظم عندالله من سبعین زنیه بذات محرم فی بیت الله الحرام»؛

یک درهم ربا، نزد خداوند از هفتاد بار زنا کردن با محارم در کعبه، محترم خدا سنگین تر است. [(۲)]

حکمت تحریم ربا

در روایات اهل بیت (علیهم السّلام) نیز به فلسفه حرمت ربا اشاره شده است؛ دو روایت ذیل گویای این نکته می باشد:

قال الباقر (علیه السّلام):

(إِنَّما حَرَّمَ اللّه عَزَّوَجَلَّ الرِّبا لِئَلّا یذْهَبَ الْمَعْروفُ؛

خدای عزوجل ربا را حرام فرمود تا احسان کردن از بین نرود. [(۳)]

امام صادق (علیه السّلام) در پاسخ به پرسش هشام بن حکم از علت تحریم ربا می فرماید:

(إنه لو کان الربا حلالاـ لترک الناس التجارات وما یحتاجون إلیه فحرم الله الربا لتفر الناس عن الحرام إلی التجارات و إلی البیع والشراء فیتصل ذلک بینهم فی القرض؛

اگر ربا حلال بود، مردم کار تجارت و کسب مایحتاج خود را رها

۱- تفسیر العیاشی، ج ۱، ص۱۵۲.
۲- وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۱۱۷.
۳- من لا یحضره الفقیه، ج۳، ص۵۶۶.

می کردنـد. پس خداونـد ربا را حرام فرمود، تا مردم از حرام خواری دست کشـیده، به تجارت و خرید و فروش روی آورند و زیادی مال را به یکدیگر قرض دهند.(۱))

همچنین در پاسخی دیگر به علت تحریم ربا می فرماید:

«لئلا یتمانع الناس المعروف»؛

تا این که مردم از احسان کردن به یکدیگر دریغ نورزند.(۲)

امام علی(علیه السّلام) در مورد عوامل آلوده شدن به ربا می فرماید:

«معاشر الناس ! الفقه ثم المتجر، الفقه ثم المتجر. والله للربا فی هذه الامه أخفی من دبیب النمل علی الصف»؛

ای مردم! ابتدا احکام، سپس تجارت! به خدا قسم که ربا در میان این امت مخفی تر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ سیاه است. (۳)

همچنین می فرماید:

«من اتجر بغیر فقه فقد ارتطم فی الربا»

آن که بدون دانستن احکام دین، تجارت و کسب کند، به ورطه ربا درافتد. (۴)

فرق معامله با ربا

عـده ای می گوینـد: ربـاماننـد بیـع است! ربـا حلال است؛ همـان طور که بیع حلال است. قرآن کریم در واکنش به این ادعا فرموده است:

۱- وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۱۱۶.
۲- مسند الإمام الصادق(علیه السّلام)، ج ۱، ص ۵۳.
۳- وسائل الشیعه، ج۵، ص۱۵۰.
۴- نهج البلاغه ، حکمت ۴۴۴.

«واحل الله البیع وحرم الربا»

خداوند بیع و تجارت را حلال کرده و ربا را حرام کرده است. (۱)

از جمله فرق هایی که بین ربا و معامله وجود دارد، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. در خرید و فروش معمولی هر دو طرف (بایع و مشتری) به طور یکسان در معرض سود و زیان هستند؛ گاهی هر دو سود می کنند، گاهی هر دو زیان؛ گاهی یکی سود و دیگری زیان می بیند؛ درحالی که در «معاملات ربوی» رباخوار هیچ گاه زیان نمی بیند و تمام زیان های احتمالی بر دوش طرف مقابل سنگینی خواهد کرد. به همین دلیل است که مؤسسات ربوی روز به روز وسیع تر و سرمایه دارتر می شوند و در برابر تحلیل رفتن طبقات ضعیف، بر حجم ثروت آن ها دائما افزوده می شود؛

۲. درتجارت و خرید و فروش معمولی، طرفین در مسیر «تولید و مصرف» گام برمی دارند؛ در صورتی که رباخوار هیچ عمل مثبتی در این زمینه ندارد؛

۳. با شیوع رباخواری سرمایه ها درمسیرهای ناسالم می افتد و پایه های فعالیت مثبت اقتصادی متزلزل می گردد؛ درحالی که تجارت صحیح موجب گردش سالم ثروت است؛

۴. رباخواری منشأ دشمنی ها و جنگ های طبقاتی است؛ درحالی که تجارت صحیح چنین نیست و هرگز جامعه را به زندگی طبقاتی و جنگ های ناشی از آن سوق نمی دهد.

۱- بقره: ۲۷۵.

فرق ربا و مضاربه

مضاربه با ربا در چند شاخص متفاوت هستند:

۱. هرگاه مضاربه زیان آور باشـد؛ زیان متوجه سـرمایه می شود، نه عامل؛ مگر این که عامل کوتاهی کند؛ در حالی که در ربا ضرر متوجه وام گیرنده است نه مالک؛

۲. هرگاه مضاربه سودآور نباشـد، مالک حق مطالبه سود نـدارد؛ در حالی که در ربا، وام گیرنـده باید در هر مدت مبلغی را به وام دهنده بپردازد خواه سود بکند یا نه؛

۳. در مضاربه سود به نسـبت معین تقسیم می شود؛ مثلاً می گویند: نیمی از سود، از آنِ مالک و نیم دیگر از آنِ عامل است، و مقـدار نیم مشـخص نیست؛ در حالی که در ربا مقـدار مشـخص می گردد؛ مثلاً قرار می گذارنـد که وام گیرنده در هر ماه، در مقابل هزار تومان، هزار و بیست تومان بپردازد؛

۴. در مضاربه، عامل بایـد حتماً کار کنـد و حق نـدارد سـرمایه را راکد نگاه دارد؛ در حالی که در ربا، گیرنده وام در برابر وام دهنده هیچ مسئولیتی ندارد؛ جز این که هر ماه باید مبلغی به وام دهنده بپردازد؛

۵. سـرمایه در دست عامل امانتی است از جانب مالک؛ در حالی که در ربا از نظر قوانین عرفی وام، ملک وام گیرنـده است، نه وام دهنده. (۱)

اقسام ربا

«ربا» دو گونه است:

۱. ربا در قرض: به این صورت که قرض دهنده شرط کند زیادتر از مقداری که

۱- رساله نوین امام خمینی، صص۱۳۳ و ۱۳۴.

قرض داده است، بگیرد؛

۲. ربا در معامله: به این صورت که مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند، به زیادتر از همان جنس بفروشند؛ مثلاً یک کیلو گندم را به یک کیلو و نیم گندم بفروشد.(۱)

ربا در معامله

«ربا در معامله» عبارت است از: مبادله دو کالای مثل هم با دریافت اضافی؛ مانند فروش یک کیلو گندم با دو کیلو گندم، یا فروش یک کیلو گندم به یک کیلو گندم و هزار تومان پول.

شرایط ربا در معامله

تحقق ربا در معامله منوط به سه شرط زیر است:

۱. از لحاظ عرف، اجناس مورد معامله از یک جنس شناخته شوند؛ ولی اگر یک نوع حساب نشوند؛ مثلا یک کیلو گندم با یک کیلو و نیم عدس مبادله شود، مانعی ندارد؛

۲. دو کالای مورد مبادله پیمانه ای و وزنی باشد؛ نه کالایی که تعیین عرفی آن عدد یا ذرع باشد؛ مثلا اگر تخم مرغ یا گردو به صورت عددی در شهری مبادله می شود، اشکالی ندارد که مثلا صد عدد تخم مرغ با صد و بیست عدد تخم مرغ مبادله شود؛ یا مثلا چنانچه ده متر پارچه را با ۲۰ متر پارچه مبادله کند، مشکلی ندارد و ربا محسوب نمی شود؛(۲)

۳. یکی از دو جنس از نظر وزن بیش تر از دیگر باشد؛ مثلا یک کیلو برنج با دو

۱- توضیح المسائل آیت الله مکارم شیرازی، مسائل ۱۷۶۶ و ۱۹۴۸.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۷۵.

کیلو برنـج مبـادله شود، ربا محسوب می شود؛ ولی اگر یک کیلو برنـج شـمالی با یک کیلو برنـج هنـدی مبادله شود، مشـکلی ندارد. (۱)

تـذکّر: اگر چیزی را که اضـافه می گیرد، غیر از جنسـی باشـد که می فروشـد؛ مثلاـ یک تن گنـدم را به یک تن و هزار تومان بفروشـد، بـاز هم ربـا و حرام است؛ بلکه اگر زیادتر نگیرد، ولی شـرط کنـد که خریـدار عملی برای او انجام دهـد، ربا و حرام خواهد بود.(۲)

مبادله جنس خوب و بد

در معامله اگر یکی از دو جنس، سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد، یا دو جنس با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند؛ چنانچه بیش تر از مقداری که می دهد، بگیرد؛ باز هم ربا و حرام است. پس اگر مس صحیح بدهد و بیش تر از آن مس شکسـته بگیرد، یا برنـج مرغوب بدهـد و مقـدار بیش تر برنـج نا مرغوب بگیرد، ربا و حرام می باشـد.(۳) همچنین

است اگر مقداری طلا با عیار بالا بدهد و مقدار بیش تری طلا با عیار پایین بگیرد؛ باز هم ربا و حرام خواهد بود.(۴)

ملاک جنس ربایی

اگر جنسـی را که می فروشد و عوضـی را که می گیرد از یک چیز عمل آمده باشد (هر دو از یک ریشه باشند)، چنانچه بیش تر از مقداری که می دهد، بگیرد؛ باز هم ربا و حرام است. بنابراین، اگر یک کیلو روغن بفروشد و در عوض

۱- همان، مسئله ۲۰۷۷.

۲- همان، مسئله ۲۰۷۳.

۳- همان، مسئله ۲۰۷۲.

۴- مجموعه استفتائات آیت الله مکارم شیرازی، سؤال ۱۸۲۰.

آن یک کیلو و نیم پنیر بگیرد، یا یک کیلو میوه رسیده (مانند انگور) بفروشد و در عوض آن دو کیلو میوه نارس (مانند غوره) بگیرد، ربا و حرام است.(۱)

مبادله جو و گندم

جو و گندم در ربا یک جنس حساب می شوند.(۲)

ملاک در وزن و پیمانه

ملاک در مبادله جنس به جنس مکان انجام دادن معامله است. ممکن است معامله ای در شهری ربوی باشد و همان معامله در شهر دیگر ربا و حرام نباشد؛ مثلا جنسی را که در بعضی شهرها با وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند، اگر در شهری که آن را با وزن یا پیمانه می فروشند زیادتر بگیرد؛ ربا و حرام است و در شهر دیگر که به صورت عددی یا نظر معامله می شود؛ ربا نیست.(۳)

ربا در قرض

«ربا در قرض» به این صورت است که شخص مال یا پولی را به دیگری قرض دهد، به شرط این که با مقداری زیادتر به وی بازگرداند؛ خواه به طور صریح شرط کند یا دادن قرض بر مبنای آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام و مورد نهی قرار گرفته است؛ ولی اگر خود بدهکار بدون این که شرطی در کار باشد، زیادتر از آنچه قرض کرده است بدهد، اشکال ندارد؛ بلکه این کار مستحب است.(۴)

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۷۸.

۲- همان، مسئله ۲۰۷۹.

۳- همان، مسئله ۲۰۷۶.

۴- همان، مسئله ۲۲۸۳.

حکم تصرّف در قرض ربوی

ربـا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسـی که قرض ربایی گرفته؛ اگرچه کار حرامی انجام داده؛ اصل قرض صـحیح است و می تواند در آن تصرف نماید.(۱)

منفعت حاصل از قرض ربوی

اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند؛ در مورد حاصـلی که به دست می آید اختلاف است. برخی مراجع حاصل را به قرض دهنـده و برخی دیگر به قرض گیرنـده متعلق می دانند. بنابراین، احتیاط این است که در این مورد با قرض دهنده مصالحه کند.(۲)

خرید و فروش دو چیز همجنس، به صورت نسیه

اگر فروشـنده، مثلاً یک کیلو گندم بدهد که مدتی بعد یک کیلو گندم در عوض آن بگیرد؛ مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می باشد؛(۳) یعنی همین که جنس را نقد تحویل داده و عوض آن را بعد از مدتی می گیرد، این گذشت زمان، در حکم زیاده است و معامله ربوی محسوب می شود.

این مسـئله در مورد معامله است و با قرض تفاوت دارد. در قرض شـخص می توانـد یک کیلو گندم قرض دهد و یک ماه بعد همان یک کیلو گندم را تحویل بگیرد؛ ولی در معامله نمی توان این کار را کرد و اگر مدت بگذرد و هم

۱- بنابر فتوای حضـرات آیات مکارم، زنجانی و نوری: «ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته کار حرامی انجام داده و مالک اصل قرض هم نمی شود و نمی تواند در آن تصـرّف کند؛ مگر آن که طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نگذاشته بودند، صاحب پول راضی بود که گیرنده قرض در آن پول تصرّف کند» (همان، مسئله ۲۲۸۴).

۲- همان، مسئله ۲۲۸۵.

۳- همان، مسئله ۲۰۷۹.

جنس باشند؛ اشکال پیدا می کند.

استفتائات ربا

در سه مورد ربا گرفتن حرام نیست:

۱. ربا گرفتن از کافری که در پناه اسلام نیست؛ امّا ربا دادن به کافر جایز نیست؛ مثلاً اگر شخصی به غیر مسلمانی که در پناه اسلام نیست، پولی قرض بدهد؛ می تواند بیش تر از مقداری که قرض داده است، پس بگیرد؛ امّا اگر قضیه به عکس باشد؛ یعنی مسلمان از غیر مسلمان پولی قرض کند؛ نباید بیش از مقداری که قرض گرفته است، به او بازگرداند.

روایتی در این مورد از رسول خدا(صلّی الله علیه و آله وسلّم) نقل شده است:

لَیسَ بَینَنا وَ بَینَ اَهْلِ حَرْبِنا رِبا، نَأْخُذُ مِنْهُمْ اَلْفَ اَلْفِ دِرْهَمٍ بِدِرْهَمٍ وَ نَأْخُذُ مِنْهُمْ وَ لا نُعْطیهِمْ؛ بین ما و دشمنانمان، ربا نیست. از آنان هزاران درهم در مقابل یک درهم می گیریم. آری، از آنان ربا می گیریم و به آنان ربا نمی دهیم. (۱)

۲. ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر.

۳. ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.(۲)

در روایتی از امام رضا (علیه السّلام) به این مطلب اشاره شده است:

لَیسَ بَینَ الْوالِدِ وَ وَلَدِهِ رِبا وَ لا بَینَ الزَّوْجِ وَ الْمَرأَهِ رِبا؛ بین پدر و فرزند و بین شوهر و همسرش ربا نیست. (۳)

۱- اصول کافی، ج۵، ص۱۴۷.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۸۰ و اجوبه الاستفتائات، سؤال ۱۶۲۴.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص۱۲۲.

راه های فرار از ربا

در مورد سالم مانـدن از ربا راه حل هایی بیان شده است که به عنوان چاره جویی و فرار از مبتلا شدن به ربا مطرح است. به دو مورد از این روش ها اشاره می شود:

۱. انجام دادن دو معامله مستقل که با هم هیچ ارتباطی نداشته باشد(۱): به طور مثال، شخصی می خواهد مقداری طلای با عیار ۱۸ را با مقدار کم تری طلای با عیار ۲۱ مبادله کند؛ این شخص برای این که به ربا در معامله دچار نشود، می تواند ابتدا طلای با عیار ۱۸ را به طلا فروش بفروشـد و پس از آن مقداری کم تر طلای با عیار ۲۱ را از او بخرد؛ در این حـالت، در واقع طلا با طلا مبادله نشده، بلکه دو معامله مستقل انجام شده است؛

۲. ضـمیمه کردن چیزی به جنسـی که وزن کم تری دارد(۲): مثلاً در مثال پیش گفته، شـخص مـذکور طلای با عیار ۱۸ را به انضـمام یک خودنویس به طلافروش داده و به عوض آن مقداری کم تر طلای با عیار ۲۱ را که از نظر قیمت با طلای فروخته شده مساوی است، تحویل می گیرد.

سـوال: اگر بـا سـپردن پول به کسـی، بخواهم در هر مـاه درصـد مشخصـی از سود پول از او دریـافت کنم، راه حـل این که ربا گرفتار نشویم، چیست؟

جواب: اگر پول را به شخصـی بدهیـد و هر مـاه به طور مشـخص سود بگیریـد، ربـا و حرام است و برای دوری از ربا، چنـد راه وجود دارد:

۱. گیرنده پول را وکیل کنید تا با پول شـما، کالایی بخرد و آن را به هر کس که بخواهد (هر چند به خودش) به صورت نسیه بفروشد و در هر ماه مبلغ مشخصی

ص: ۱۶۳

۱- بررسی طرق فرار از ربا، آیت الله مکارم شیرازی، ص ۱۱۰.

۲- توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۰۷۴.

(علی الحساب) به شما بدهد و در پایان باقی مانده را که شامل اصل پول نیز می شود، به شما برگرداند؛(۱)

۲. او را وکیل کنید تا با پول شما کار حلال و مشروع کند و هر چه سود به دست آید، به شما تعلق گیرد و در عوض به او حق وکالت بدهید؛

۳. با او عقد مضاربه انجام دهید؛ به این ترتیب که سرمایه از شما و کار از او و سودی که حاصل می شود، بین هر دو نفر به نسبتی که در عقد قرار می گذارید، تقسیم گردد. در مضاربه لازم است نسبت سهم، و درصد سود تعیین گردد. به عنوان مثال: قرار می گذارند هر چه سود حاصل شد، مقداری از آن (نصف، یک سوم و...) به مالک تعلق گیرد و مقداری از آن به عامل.(۲)

احکام مضاربه

اگر دو نفر با هم قرارداد ببندند که یکی از آن ها مالی را به دیگری بدهد تا با آن مال معامله کند و اگر سودی به دست آمد، با هم تقسیم کنند؛ به چنین قراردادی «مضاربه» می گویند و به کسی که مال را تحویل گرفته تا با آن معامله کند، «عامل» می گویند. (۳)

شرایط مضاربه

۱. مال و سرمایه

اشاره

الف. در مضاربه، سرمایه باید پول باشد، نه کالا و مانند آن. یعنی سرمایه گذار باید پولی را در اختیار عامل بگذارد تا با آن به تجارت بپردازد، نه چیز دیگر

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۰۸.

۲- العروه الوثقی، ج ۲؛ کتاب المضاربه و توضیح المسائل مراجع، احکام وکالت.

۳- تحریر الوسیله، ج۱، ص۶۰۸.

را. بنابراین، مضاربه دادن کالا صحیح نیست؛

ب. معین باشد و اوصاف و مقدار آن معلوم باشد.(۱)

ج. مال شخص دیگری نباشد، پس اگر شخصی بدون داشتن اجازه یا وکالت یا ولایت با مال دیگری مقاربه کند فضولی و باطل است.

معامله فضولی

اگر شخصی بدون داشتن اجازه یا وکالت یا ولایت، با مال شخص دیگری مضاربه کند؛ چنین مضاربه ای فضولی است. که سه صورت دارد:

الف. این مضاربه با اجازه بعدی مالک صحیح می شود و سود به دست آمده طبق قرار داد بین مالک و عامل تقسیم می گردد؛

ب. در صورت اجازه مالک، اگر خسارتی بر سرمایه وارد شده باشد، بر عهده مالک است؛

ج. اگر مالک، سرمایه مضاربه را امضا و اجازه نکند، معامله واقع شده باطل است و جنس باید به صاحب آن و پول به مالک داده شود.(۲)

۲. شرایط سود

اشاره

۱. مقدار سهم هر کدام معلوم باشد؛

۲. کسر مشاع(۳)، یا همان درصدی باشد؛ مثلا ۵۰ درصد برای مالک و ۵۰ درصد برای عامل باشد؛

۳. سود فقط بین عامل و صاحب مال تقسیم شود. پس اگر مقداری از سود

۱- همان.

۲- همان، ص۶۰۹.

۳- کسر مشاع: بدان معناست که در قرارداد باید سهم هر یک به شکل یک دوم، یک سوم یا به اصطلاح بازار ۱ به ۳ یا ۲ به ۳ و مانند آن و یا دقیق تر به شکل درصد تعیین شود.

برای شخص دیگری که جزء قرارداد مضاربه نیست قرار دهند؛ مضاربه باطل است؛ مگر این که برای تجارت کاری انجام داده باشد.(۱)

شرط و نحوه سود بردن

سود بایستی حاصل از خرید و فروش باشد. پس اگر عامل سرمایه را در کار دیگری غیر از معامله و تجارت خرج کند؛ صحیح نیست.(۲)

۳. شرایط طرفین مضاربه

طرفین مضاربه، یعنی مالک و عامل باید بالغ، عاقل و مختار باشند و نیز مالک نباید شرعا در تصرف در اموال خود ممنوع باشند.

۴. شرط عدم فسخ در ضمن عقد مضاربه یا عقد دیگر

اگر در ضمن عقد مضاربه، یا هر عقد دیگری شرط کنند تا مدت معینی مضاربه را فسخ نکنند، وفای به این شرط واجب است.(۳)

۵. ضمان عامل و عدم آن

اگر اموالی که در اختیار عامل است تلف، یا خسارتی بر آن وارد شود، یا مضاربه سودی نیاورد یا ضرر کند؛ در برخی موارد عامل ضامن است و در برخی موارد ضامن نیست که حکم صورت های مختلف آن در ذیل بیان می شود:

الف. عامل امین است؛ بنابراین، ضمانی بر او نیست؛ یعنی اگر سرمایه مالک در دست او تلف یا معیوب شد، چیزی به عهده او نیست؛ مگر آن که در آن زیاده روی یا در حفظ آن کوتاهی کرده باشد؛ همچنان که اگر از ناحیه

۱- تحریر الوسیله، ج۱، ص۶۰۸.

۲- همان.

۳- توضیح المسائل آیت الله سیستانی، مسئله ۲۲۳۰.

تجارت خسارتی بر سرمایه وارد شد، ضامن نیست و همه خسارت بر صاحب سرمایه وارد می شود؛(۱)

ب. اگر تجارت سود نیاورد، عامل ضامن سود صاحب مال نیست؛

ج. شرط کرده باشند که خسارت بر عهده مالک باشد، عامل، ضامن خسارت نیست؛

د. اگر خرید کالای خاصی در مضاربه شرط شده باشد و عامل بر خلاف شرط عمل کند، عامل ضامن سرمایه و خسارتی است که به سرمایه وارد شده است.

ه. چنانچه عامل معامله ای را انجام داد که مالك آن را اجازه نداده است، چنانچه سودی ببرد طبق قرار داد مضاربه عمل می شود و اگر زیان کرد، ضامن است. (۲)

و. اگر در ضمن عقد مضاربه یا در ضمن عقد دیگری شرط کرده باشند که اگر ضرری به سرمایه وارد شد عامل هم مثلا یک دوم یا یک سوم از آن را بدهد؛ در صورت ضرر، او هم ضامن است.(۳)

ز. چنانچه عامل به صورتی غیر از متعارف یا بر خلاف شرط مالك معامله کند، اگر سودی حاصل شود، سود حاصله را طبق قرار داد مضاربه تقسیم می کنند و اگر همه و یا مقداری از سرمایه تلف شود یا خسارت بر آن وارد شود، بر عهده عامل است.(۴)

۱- تحریر الوسیله، بخش مضاربه، مسئله۱۴.

۲- همان، ج۱، ص۶۱۱.

۳- همان.

۴- همان.

۶. فوت عامل یا مالک

الف. چنانچه مالک یا عامل فوت کند، مضاربه باطل می شود.

ب. در صورت فوت مالک، ورثه نمی توانند عقد مضاربه را اجازه دهند و در صورت ادامه، می توانند عقد مضاربه جدید برقرار کنند.

۷. نوع تجارتی که باید صورت بگیرد

الف. اگر مالک شرط کرده باشد که تجارت را به گونه خاص و کیفیتی مخصوص انجام شود، عامل باید آن را رعایت کند؛

ب. در صورتی که شرط و کیفیت خاصی مطرح نشده باشد، عامل باید به طور متعارف و معمول تجارت کند.(۱)

۸. مخلوط کردن سرمایه با مال دیگری

عامل نمی تواند بدون اذن مالک سرمایه را با مال خودش یا مال دیگری مخلوط کند. در صورتی که چنین کاری را انجام داد:

الف. مضاربه باطل نمی شود؛

ب. اگر سود حاصل شود، نسبت به مقدار سرمایه هر یک بین آن ها تقسیم می شود؛

ج. اگر عامل ضرر کرد، ضامن مال مالک و خسارت وارد شده می باشد(۲)

۹. معامله نسیه در مضاربه

اگر در عقد نسبت به نقد و نسیه بودن معامله قیدی نشده باشد:

الف. جایز نیست جنس را نسیه بفروشد؛

۱- همان، بخش مضاربه، مسئله ۱۶.

۲- همان، مسئله ۱۷.

ب. اگر در آن شهر و مکان معامله و یا در خصوص آن جنس دادن نسیه بین تجار متعارف باشد، نسیه فروختن اشکالی ندارد؛

ج. اگر نسیه فروختن متعارف نباشد و جنس را نسیه فروخت و ضرر کرد، عامل ضامن است؛

د. اگر نسیه فروختن متعارف نباشد و جنس را نسیه فروخت و سود کرد، بین عامل و مالک تقسیم می شود.(۱)

۱۰. خرج سرمایه برای مصارف شخصی

الف.عامل حق ندارد چیز از سرمایه را در مخارج خود مصرف کند؛ هر چند کم باشد؛

ب. اگر با اجازه مالک برای تجارت سفر کند، می تواند مخارج سفر را به مقدار متعارف و در حد شأن خود از سرمایه بردارد؛

ج. اگر مالک شرط کرده باشد که مخارج سفر با خود عامل باشد، مخارج را باید خود عامل بدهد.(۲)

۱۱. اختلاف مالک و عامل در مقدار سرمایه

اگر مالک و عامل در مقدار سرمایه اختلاف و نزاع کنند و مالک بینه ای بر ادعای خود نداشته باشد، سخن عامل پذیرفته می شود؛ حال چه اصل مال موجود باشد، یا تلف شده باشد.(۳)

۱- همان، مسئله ۱۸.

۲- همان، مسئله ۲۰.

۳- همان، مسئله ۳۹.

۱۲. ادعای خسارت بر سود حاصل و اختلاف د راصل یا مقدار سود

الف. اگر عامل بگوید مقداری سود حاصل شده؛ ولی بعدا به همان مقدار خسارت وارد شده است؛ سخن او پذیرفته می شود؛

ب. اگر در مقدار سود یا در اصل آن اختلاف داشته باشند و هیچ کدام بینه نداشته باشد؛ سخن عامل پذیرفته می شود.(۱)

۱۳. تلف سرمایه یا ورود ضرر و خسارت

اگر سرمایه تلف شود، یا ضرر و خسارت به آن وارد گردد و مالك ادعا کند که عامل خیانت کرده یا در حفظ آن کوتاهی و تقصیر نموده، یا طبق شرایط تعیین شده عمل نکرده است و بینه ای نیز بر ادعای خود نداشته باشد و عامل هم منکر آن باشد؛ سخن عامل پذیرفته می شود.(۲)

۱۴. اختلاف در مقدار سهم عامل

هر گاه مالك و عامل در مقدار سهم عامل اختلاف داشته باشند و هیچ کدام بینه ای نداشته باشد؛ سخن مالك پذیرفته می شود.(۳)

۱۵. مضاربه با مال بچه

پدر و جد پدری طفل و همچنین سرپرست شرعی طفل می توانند با رعایت مصلحت و نداشتن مفسده با مال طفل مضاربه کنند.(۴)

۱- همان، مسئله ۴۱.

۲- همان، مسئله ۴۰.

۳- همان، مسئله ۴۲.

۴- همان، مسئله ۴۹.

احکام چک و سفته

«سفته» سندی است که امضا کننده آن متعهد می شود در موعد معین مبلغی را به طلبکار خود، یا به کسی که طلبکار حواله نماید؛ بپردازد.(۱)

انواع سفته

اشاره

سفته بر دو قسم است:

۱. سفته حقیقی

اشاره

سفته حقیقی گویای قرض حقیقی است. به عنوان مثال: شخصی صد هزار تومان به دیگری بدهکار است که باید آن را طی مدت معینی بپردازد؛ شخص طلبکار از بدهکار خود ورقه ای را به نام «سفته» می گیرد که در آن، بدهکار متعهد شده که مبلغ مذکور را در تاریخ تعیین شده بپردازد.

حکم سفته حقیقی

چنانچه این نوع سفته از بدهکار گرفته شود تا با مبلغ کم تری آن را به شخص سومی بفروشند، اشکالی ندارد؛ در صورتی که:

معامله در حقیقت خرید و فروش ذمه و بدهی بدهکار باشد؛

آنچه مورد معامله قرار گرفته، از چیزهایی نباشد که با پیمانه و وزن ارزیابی می شود؛

برای فرار از ربای قرضی نباشد.

اگر طلبکار از شخص سومی مبلغ کم تری را قرض کند و مبلغ بیش تری به بدهکار حواله دهد، ربا و حرام است؛ اگر چه قصد معامله داشته باشند.(۲)

۱- رساله نوین امام خمینی، ص۱۴۱.

۲- همان، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

۲.سفته دوستانه

اشاره

سفته ای است که امضا کننده در واقع بدهکار نیست؛ ولی چون بدهکار اصلی با طرف معامله آشنا و طبعاً مورد اعتبار نیست؛ ناچار از دوست معروف و صاحب اعتبار خود خواهش می کند که سفته اش را دوستانه امضا کند.

حکم سفته دوستانه

خرید و فروش سفته دوستانه تنها در موارد زیر جایز است:

۱. در سفته دوستانه، امضا کننده به دوست خود وکالت می دهد که ذمه وی را به شخص سومی بفروشد. بنابراین، امضا کننده بدهکار واقعی به شخص سوم می شود و چون این معامله ربوی (وزنی یا پیمانه ای) نیست؛ خرید و فروش چنین سفته ای به کم یا زیاد صحیح است؛

۲. امضا کننده ورقه سفته را به دوست خود می دهد تا آن را در بانک یا نزد شخص سومی کم کند، که این کار موجب دو امر است:

۱. طلبکار صوری به اندازه ورقه سفته، نزد شخص سومی (بانک یا غیر آن) صاحب اعتبار می شود و به همین جهت بر ذمهٔ طلبکار صوری معامله می شود. پس، او مدیون شخص سوم می گردد؛

۲. ورقه سفته التزامی است از جانب امضا کننده به پرداخت مبلغ آن در صورتی که بدهکار از پرداخت خودداری کند. این معامله نیز صحیح است؛ زیرا این از قبیل ضمّ ذمّه به ذمّه می باشد و به حسب قواعد صحیح است؛ اگر چه بنابر مذهب حق، به ضمان برنگردد؛

۳. با همان فرض امضا کننده سفته در صورت قبلی ، با کار خود دوست خود را ضمانت می کند که در صورت خودداری از پرداخت ذمه و بدهکاری

وی را به خود انتقال دهد. خرید و فروش این سفته نیز صحیح است و چنانچه امضا کننده پول سفته را به خریدار بپردازد، می تواند به دوست خود مراجعه کند و مبلغی را که پرداخته است، از وی بگیرد.(۱)

تعهد به مراعات قانون بانک

با توجه به قانون و معمول بانک، مبنی بر این که هنگام سر رسید تاریخ سفته به فروشنده سفته مراجعه می کند و در صورت خودداری از پرداخت، از امضا کنندگان سفته مطالبه می کند (و این قوانین در میان آن ها شناخته شده است) امضای آن ها التزامی ضمنی است که طی آن، عهده دار پرداخت پول سفته هنگام مطالبه آن می باشد و مراعات این شرط ضمنی لازم است؛ مگر این که شخص امضا کننده از این قانون بانکی متداول بی اطلاع باشد.(۲)

حکم دیرکرد

پولی را که بانک یا بستانکار به عنوان دیرکرد پرداخت مبلغ سفته می گیرند، حرام است؛ هر چند با رضایت طرفین معامله باشد.(۳)

ارزش سفته

سفته و سایر اوراق بازرگانی ارزش و مالیت ندارند، و جزء پول محسوب نمی شوند، و اگر شخصی چیزی از آن ها را تلف کند، ضامن نمی باشد.(۴)

مسئله: به اوراق نقدی زکات تعلق نمی گیرد، و در آن ها حکم بیع صرف،

۱- همان، ص۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- همان، ص۱۴۳.

۳- همان.

۴- همان.

جاری نمی شود؛ ولی مضاربه با آن ها جایز است.(۱)

مسئله: چک های بانک مانند اوراق تجارتی مالیتی ندارند؛ بلکه آن ها از مبلغ معینی در بانک تعبیر می کنند، و خرید و فروش آن ها جایز نیست؛ ولی چکی که در ایران «چک تضمینی» نامیده می شود، از اوراق نقدی می باشد؛ مانند دینار و اسکناس. پس بیع و شرای آن صحیح است و کسی که آن را تلف کند، برای مالک آن مانند سایر اموال، ضامن است و بیع آن به زیاده جایز است و ربایی در آن نیست؛ مگر در صورتی که بیع وسیله فرار از ربای قرضی قرار داده شود.(۲)

فروش چک مدت دار به نقد

سوال: فروش مبلغ چک مدت دار به صورت نقد با قیمت کم تر، چه حکمی دارد؟

جواب: فروش آن از سوی طلبکار، به بدهکار اشکال ندارد ؛ ولی فروش آن به شخص سوم صحیح نیست.(۳)

۱- تحریر الوسیله (ترجمه)، ج ۴، صص ۴۵۳- ۴۵۷.

۲- همان، ص ۴۶۷.

۳- اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۹۵۰ و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۰ . اگر فروشنده چک، مبلغ آن را از صادر کننده چک، طلبکار باشد؛ فروش آن (به بدهکار یا شخص دیگر) به قیمت کم تر و به صورت نقد، اشکال ندارد (استفتائات آیت الله نوری همدانی، ج ۲، سوال ۴۲۶ و ۴۲۷ ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، ۲۴۲۹ و توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، مسئله ۲۸)؛ اما بنابر فتوای آیت اللّه وحید: «بنابر احتیاط واجب، جایز نیست» (توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۸۶۹).

فروش اسکناس نو

سوال: خرید و فروش اسکناس نو چه حکمی دارد؟

جواب تمام مراجع تقلید: خرید و فروش اسکناس های نو و خرده با قیمت بیش تر جایز است.(۱)

احکام محجورین

اشاره

«محجورین» کسانی اند که به علت هایی نمی توانند در مال خود تصرّف کنند و مهم ترین آن ها عبارتند از:

۱. بچه نابالغ

اشاره

بچه ای که بالغ نشده است، شرعاً نمی تواند در مال خود تصرّف کند و نشانه بالغ شدن، یکی از سه چیز است: اوّل: روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت؛ دوم: بیرون آمدن منی؛ سوم: تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن.(۲)

تذکر: روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند این ها نشانه بالغ شدن نیست؛ مگر انسان به واسطه این ها به بالغ شدن یقین پیدا کند.(۳)

۱- استفتائات امام خمینی، احکام معاملات، ج ۲، سوال ۱۷۹؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۶۰۳ و ۱۶۰۴؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، تنزیل برات، توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۸۶۷ و رساله دانشجویی، سوال ۳۵۸.

۲- بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «ولی در مواردی تصرّف بچه صحیح است، از آن جمله خرید و فروش چیزهای کم قیمت» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۵۲).

۳- همان، مسئله ۲۲۵۳.

سرپرستی و تصرف در اموال کودک

ولایـت و تصـرف در مال کودک، با توجه به مصالـح و شـئون وی به ترتیب به عهـده افراد زیر است که در صورت فقـدان هر یک، شخص بعدی عهده دار خواهد شد:

۱. پدر و جد پدری؛

۲. سرپرست تعیین شده از طرف پدر یا جد پدری؛

۳. حاکم شرع؛

۴. افراد با ایمانی که دارای عدالت می باشند.

۲. دیوانه و سفیه

کسـی که مال خود را بیهوده مصرف می کند و توانایی نگهداری مال و معامله کردن را ندارد، حقّ ندارد در مال خود تصرّف کنند؛ بلکه باید زیر نظر ولیّ آن ها باشد و مفلس، یعنی کسی که ورشکسته شده و بدهکاری او بیش از سرمایه موجود اوست و از طرف حاکم شرع از تصرّف در مال خود ممنوع است؛ حقّ تصرّف در اموال خود را ندارد.(۱)

نکته: کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرّفی که موقع دیوانگی در مال خود می کند، صحیح نیست.(۲)

۱- همان، مسئله ۲۲۵۴.

۲- همان، مسئله ۲۲۵۵.

۳. مفلس

«مفلس» کسی است که مالش از بدهی اش کم تر باشد. باید ورشکستگی شخص نزد حاکم شرع ثابت شود و تا زمانی که ثابت نشده است، این شخص می تواند هر نوع تصرف در مال خود انجام دهد و اگر ورشکستگی این شخص نزد حاکم شرع ثابت شد، با چهار شرط از تصرف در اموالش ممنوع می شود:

۱. بدهی وی نزد حاکم شرع ثابت شده باشد؛

۲. غیر از مستثنیات دین (خانه مسکونی، وسیله نقلیه و سایر ضروریات زندگی) اموالش از بدهی هایش کم تر باشد؛

۳. وقت بدهی اش سر رسیده باشد؛

۴. تمام یا بعضی از طلبکاران نزد حاکم شرع بروند و از وی بخواهند که اموال وی را ضبط کند.(۱)

۴. بیمار در بستر مرگ: انسان می تواند در مرضی که به آن مرض از دنیا می رود، هر قدر که مایل است، مال خود را به مصرف خود و عیال و مهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی شود، برساند و نیز اگر مال خود را به کسی ببخشد یا ارزان تر از قیمت بفروشد یا اجاره دهد، صحیح است.(۲)

۱- رساله نوین امام خمینی، صص۱۷۳- ۱۷۴.

۲- بنابر فتوای حضرات آیات زنجانی، وحید و نوری: «اگر چه بیش تر از ثلث باشد و ورثه هم اجازه ننمایند تصرّف او صحیح است و به اصطلاح منجّزات مریض از اصل مال محسوب می شود، نه از ثلث آن.» نیز بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر مال خود را به قیمتش بفروشد، یا اجاره دهد، اشکال ندارد؛ ولی اگر مثلاً مال خود را به کسی ببخشد، یا ارزان تر از قیمت معمول بفروشد، چنانچه مقداری را که بخشیده یا ارزان تر فروخته است، به اندازه ثلث مال او یا کم تر باشد، تصرّف او صحیح است؛ و اگر از ثلث بیش تر باشد، در صورتی که ورثه اجازه بدهند، صحیح است و اگر اجازه ندهند، تصرّف او در بیش تر از ثلث باطل می باشد.» نیز بنابر فتوای آیت الله مکارم: «انسان می تواند قبل از مرگ خود، خواه صحیح و سالم باشد یا بیمار، هر قدر از مال خود را بخواهد، به دیگری ببخشد، یا جنسی را ارزانتر از قیمت بفروشد، یا به مصرف خود و عیال و میهمان برساند؛ ولی احتیاط آن است که در مرضی که با آن از دنیا می رود، (یعنی درآستانه مرگ) دربیش از ثلث مال خود چنین تصرّفاتی نکند، مگر با اجازه ورثه» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۵۶).

وکالت

اشاره

«وکالت» آن است که انسان کاری را که می تواند در آن دخالت کند، به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، که آن شخص را «وکیل» می گویند؛ مثلًا کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید.

احکام وکالت

شرایط وکیل

کسی که برای انجام دادن کاری وکیل شده است، باید بتواند آن کار را انجام دهد و کاری را که انسان نمی تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد، نمی تواند برای انجام دادن آن از طرف دیگری وکیل شود.

مثال: کسی که در احرام حج است، چون نباید صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.(۱)

شرایط موکل

هر شخص عاقل و بالغ می تواند برای کارهای خود وکیل بگیرد؛ ولی افراد زیر نمی توانند برای فروش مال خود وکیل بگیرند:

۱- همان، مسئله ۲۲۶۰.

۱. شخص سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند؛

۲. شخصی که حاکم شرع او را از تصرف در اموالش منع کرده باشد.

قرار داد وکالت

در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند؛ بلکه همین که انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل خود کرده و او هم بفهماند که وکالت را پذیرفته است (مثلًا مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او نیز مال را بگیرد) وکالت صحیح است.(۱)

وکیل کردن شخصی در شهر دیگر

لازم نیست وکیل، هنگام، قرار دادن وکیل حضور داشته باشد یا بلافاصله از وکالت مطلع شود. بنابراین، اگر شخصی را که در شهر دیگر زندگی می کند، وکیل نماید و برای او وکالت نامه بفرستد و او قبول کند، اگر چه وکالت نامه بعد از مدتی برسد، وکالت صحیح است.(۲)

وکالت بر تمام کارها و برای کار غیر معین

اگر انسان کسی را برای انجام دادن تمام کارهای خویش وکیل کند، چنین وکالتی صحیح است؛

اگر کسی را برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و آن کار را معین نکند، وکالت صحیح نیست.(۳)

۱- همان، مسئله ۲۲۵۷.

۲- همان، ۲۲۵۸.

۳- همان، ۲۲۶۱.

برکنار کردن وکیل

اگر وکیل را عزل؛ یعنی از کار برکنار کند، بعد از آن که خبر به وکیل رسید، نمی تواند آن کار را انجام دهد؛ ولی اگر پیش از رسیدن خبر، آن کار را انجام داده باشد، صحیح است.(۱)

کناره گیری وکیل

وکیل می تواند از وکالت کناره کند و اگر موکل غایب هم باشد، اشکال ندارد.(۲)

وکیل گرفتن وکیل

۱. وکیل نمی تواند برای انجام دادن کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل کند؛

۲. اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد، به هر صورتی که به او دستور داده، می تواند رفتار کند؛

۳. اگر موکل گفته باشد: «برای من وکیل بگیر!»؛ باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند.(۳)

وکالت وکیل دوم به اجازه موکل

اگر انسان با اجازه موکل، کسی را از طرف او وکیل کند:

ص: ۱۸۰

۱- همان، ۲۲۶۲.

۲- همان، ۲۲۶۳.

۳- بنابر فتوای آیت الله زنجانی: نوکیل نمی تواند برای انجام دادن کاری که به او واگذار شده، دیگری را وکیل نماید؛ مگر کاری را که وکیل انجام می دهد به طوری باشد که اگر با واسطه هم انجام گیرد؛ آن کار عرفاً به وکیل نسبت داده می شود که در این صورت، وکیل می تواند چنانچه موکّل بر خلاف تصریح نکرده باشد، وکیل بگیرد» (همان، مسئله ۲۲۶۴).

موکل نمی تواند آن وکیل را عزل کند؛

اگر وکیل اول بمیرد یا موکل، او را عزل کند، وکالت دومی باطل نمی شود.(۱)

مسئله: اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند، موکل و وکیل اول می توانند آن وکیل را عزل کنند و اگر وکیل اول بمیرد، یا عزل شود، وکالت دومی باطل می شود.(۲)

وکالت چند نفر برای یک کار

اگر چند نفر را برای انجام دادن کاری وکیل کند:

۱. چنانچه به آن ها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند:

۱. هر یک از آنان می تواند آن کار را انجام دهد؛

۲. چنانچه یکی از آنان بمیرد یا عزل شود، وکالت دیگران باطل نمی شود.

۲. اگر موکل به آن ها نگفته باشد که با هم یا به تنهایی وکیل هستند که انجام دهند و از سخن او هم استفاده نشود که می توانند به تنهایی انجام دهند، یا صریحاً گفته باشد که با هم انجام دهند؛ وکلا نمی توانند به تنهایی اقدام کنند و در صورتی که یکی از آنان بمیرد، وکالت دیگران باطل می شود.(۳)

باطل شدن وکالت

وکالت در موارد زیر باطل می شود:

اگر وکیل یا موکل بمیرد، یا دیوانه همیشگی شود، وکالت باطل می شود؛

اگر چیزی که برای تصرّف در آن وکیل شده است از بین برود؛ مثلًا گوسفندی

۱- همان، مسئله ۲۲۶۵.

۲- همان، مسئله ۲۲۶۶.

۳- همان، مسئله ۲۲۶۷.

که برای فروش آن وکیل شده بمیرد؛ وکالت باطل می شود.(۱)

پرداخت حق وکالت

اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی به عنوان حق وکالت برای او قرار بگذارد، بعد از انجام دادن آن کار، چیزی را که قرار گذاشته، باید به او بدهد.(۲)

تلف شدن مالی که در اختیار وکیل است

اگر مالی که نزد وکیل است تلف شود، دو صورت دارد:

۱. اگر وکیل در نگهداری آن مال کوتاهی یا زیاده روی نکرده باشد؛ نباید عوض آن را بدهد؛(۳)

۲. اگر وکیل در نگهداری آن مال کوتاهی، یا در استفاده از آن زیاده روی کرده باشد و آن مال از بین برود، ضامن است. پس اگر لباسی را که گفته اند: «بفروش»، بپوشد و آن لباس تلف شود، باید عوض آن را بدهد. (۴)

تصرف وکیل در غیر موارد مجاز

اگر وکیل، غیر از تصرّفی که به او اجازه داده اند، تصرّف دیگری در مال بکند؛ مثلًا لباسی را که برای فروش آن وکیل شده است، بپوشد و سپس تصرّفی را که

۱- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «هرگاه وکیل یا موکّل از دنیا برود، یا دیوانه شود، وکالت باطل می شود؛ هر چند دیوانه بعداً عاقل گردد. دیوانگی موقّت نیز بنا بر احتیاط باعث باطل شدن وکالت است؛ ولی بیهوشی موقّت موجب باطل شدن وکالت نیست» (همان، مسئله ۲۲۶۸).

۲- همان، مسئله ۲۲۶۹.

۳- همان، مسئله ۲۲۷۰.

۴- همان، مسئله ۲۲۷۱.

به او اجازه داده اند، بنماید؛ آن تصرّف صحیح است.(۱)

احکام سرقفلی

اشاره

تعریف سر قفلی :به پول یـا چیزی که کسـی به شـخص دیگری می دهـد تـا مثلا خانه یا مغازه ای را که در اجاره او است، در اختیار او بگذارد؛ «سرقفلی» گفته می شود.

ملاک مشروعیت و عدم مشروعیت

بنابر آنچه گفته شد، ملاک عدم مشـروعیت سـرقفلی این است که در هر موردی مالک (موجر)، حق داشـته باشد، اجاره بها را افزایش دهد، یا از مسـتأجر بخواهد محل اجاره را تخلیه کند و او حق خودداری از آن نداشته باشد. اما در جایی که مالک حق افزایش اجاره بها یا درخواست تخلیه ملک را نداشـته باشـد و مسـتأجر نیز حق تخلیه ملک برای فردی سوم و اجاره دادن آن به او را داشته باشد؛ سرقفلی گرفتن مشروعیت دارد.(۲)

حق اجاره دادن مستاجر به دیگری

از جمله موارد جواز سـرقفلی این است که فردی محلی را برای تجـارت؛ مثلا به مـدت بیست سال اجاره کنـد و بر اساس توافق انجـام گرفته در عقـد اجـاره، حق اجـاره دادن آن را به دیگری نیز داشـته باشـد و بر حسب اتفاق، اجاره بهای مثل آن محل در اثنـای مـدت افزایش یابـد. در چنین فرضـی، مسـتأجر می توانـد آن مکـان را بـا همـان اجاره بها در ازای گرفتن مالی به عنوان سرقفلی، به دیگری اجاره دهد.(۳)

۱- همان، مسئله ۲۲۷۲.

۲- توضیح المسائل مراجع، مسائل ؟

۳- منهـاج الصالحین، ج۱، صص ۴۵۱- ۴۵۲؛ کلمـهٔ التقوی، ج۴، صص ۴۴۹-۴۵۱؛ تحریر الوسـیله، ج۲، صص ۶۱۴- ۶۱۵ و مستند العروه (الإجاره)، صص ۵۰۷- ۵۱۰.

شرایط سر قفلی

شرایط عمومی در هر معامله ای، همچون معلوم بودن عوض(مقـدار سـرقفلی)، رضایت، بلوغ، عقل و رشد در دو طرف معامله، در معامله سرقفلی نیز شرط است.(۱)

مسئله: اجاره کردن املاک، خواه مغازه یا خانه، موجب حقی برای مستاجر نمی شود؛ به طوری که اجاره دهنده نتواند بعد از تمام شدن مدت اجاره وی را بیرون کند. همچنین طولانی شدن مدت اجاره و تجارت مستاجر یا وجهه و اعتبار و قدرت تجاری وی موجب حقی برای مستاجر نمی شود؛ بلکه با پایان گرفتن مدت و تاریخ اجاره باید محل را تخلیه کند و به صاحبش تحویل دهد و چنانچه بدون رضایت مالک، همچنان در آن محل بماند، غاصب و عاصی محسوب می شود و در صورت تلف شدن، ولو با آفات آسمانی، ضامن است و باید کرایه معمولی آن مکان را تا مادامی که در اختیارش است، بپردازد.(۲)

مسئله: اگر این شخص، چنین مکان غصبی را به دیگری اجاره دهد، آن اجاره باطل است و اگر مالی را به عنوان مال الاجاره دریافت کند حرام خواهد بود.(۳)

سرقفلی را که غاصب در این صورت می گیرد، حرام است و در صورت تلف شدن آن، ضامن خواهد بود.(۴)

ص: ۱۸۴

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ؟

۲- رساله نوین امام خمینی، ص۲۰۶.

۳- همان.

۴- همان.

شرط در ضمن قرار داد اجاره

چنانچه اجاره دهنده در ضمن قرار داد اجاره شرط کند که تا وقتی مستاجر در آن ملك است مبلغ اجاره را زیاد نکند و حق بیرون کردن وی را نداشته باشد؛ مستاجر می تواند از اجاره دهنده، یا شخص دیگری مقداری به عنوان سرقفلی در برابر اسقاط حقش یا تخلیه محل دریافت کند.(۱)

مالك می تواند برای اجاره دادن، مقداری به عنوان سرقفلی از مستاجر بگیرد؛ همچنان که مستاجر در صورت داشتن حق واگذاری به غیر می تواند در وسط مدت اجاره، ملك را به شخص سومی به مدت باقیمانده اجاره دهد و از وی سرقفلی بگیرد.(۲)

خمس سرقفلی

پولی که مالك به عنوان سرقفلی از مستأجر می گیرد، سود کسب به شمار می رود و در صورتی که در کنار سایر سودها افزون بر مؤونه سال باشد، به آن خمس تعلق می گیرد؛ اما وجهی که مستأجر از سود حاصل از کسب سال جاری می پردازد، از مؤونه کسب او محسوب شده و خمس ندارد.(۳)

تبلیغات کالا و خدمات الکتریکی (احکام موسسات تبلیغاتی)

«تجارت الکترونیکی» تجارتی است که در آن، مشتری کالای واقعی یا خدماتی را از طریق اینترنت خریداری می کند. این نوع تجارت از جهت الکترونیکی بودن و ساده و آسان بودن و دسترسی سریع هیچ اشکالی ندارد و در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده و مورد تأیید شورای نگهبان قانون

۱- همان.

۲- تحریر الوسیله، ج۲، ص ۶۱۵.

۳- ۳. مستمسك العروه، ج۹، ص۵۳۸ و فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، ج۴، صص ۴۴۰- ۴۴۴.

اساسی قرار گرفته است و هم اکنون از نظر اجرا (به نحوی که در قانون بیان شده است) در جمهوری اسلامی ایران هیچ مشکلی ندارد.(۱)

آشنایی با احکام معاملات اینترنتی

معامله گلدکوییست

اشاره

شرکت گلد کوییست کار خود را مبتنی بر بازاریابی شبکه ای می داند و معامله در آن، به این صورت است که شخصی محصولی را از شرکت می خرد و سپس خود شروع به یافتن مشتری برای شرکت می کند و در قبال جذب تعداد معینی مشتری از شرکت حق واسطه گری (پورسانت) می گیرد.(۲)

علت ممنوعیت و حرمت معامله گلدکوییست

فعالیت شرکت هایی نظیر «گلدکوییست» و «گلدماین» و به طور کلی شرکت هایی که به شکل هرمی اقدام به جذب سرمایه می کنند، به خاطر ضررهای زیادی که برای اقتصاد کشور دارد، ممنوع است. بعضی از این ضررها عبارتند از:

۱. خروج ارز و سرمایه از کشور بدون بازگشت متاع حقیقی و با ارزش مساوی، در مقابل آن؛

۲. عدم امنیت سرمایه گذاری در آن ها؛

۳. بالا رفتن نرخ بهره و گران شدن کالاها.

لذا بسیاری از مراجع معظم تقلید، بر حرمت فعالیت چنین شرکت هایی

۱- سایت اسلام کوئست.

۲- سایت دانشنامه رشد؛ daneshnameh.roshd.ir .

فتوا داده و درآمـد حاصـله از این راه را حرام می داننـد. دلایـل این فتـاوا علاوه بر موارد ذکر شـده (ضـرر برای اقتصاد کشور) ضرر هایی است که به اعضا و زیرشاخه ها وارد می آیـد؛ زیرشاخه هایی که موفق نشـده اند عضوی را جذب کنند و در نتیجه قسمت اعظم سرمایه خود را از دست داده اند.(۱)

سوال: حکم شرکت در طرح تجاری گلدکوییست و مانند آن چیست؟

جواب: شرکت و عضو شدن در هر نوع بازاریابی شبکهای که به صورت هرمی و بیانتهاست؛ جایز نیست.(۲)

سوال: تکلیف پولی که از طریق معامله با شرکت گلدکوئیست و مانند آن به دست آمده، چیست؟

جواب: اگر صاحبان اصـلی پول را میشـناسد، باید به آن ها برگرداند؛ در غیر این صورت، از طرف آنان(با اجازه مجتهد جامع شرایط) به فقیر صدقه بدهد.(۳)

معامله مارکتینگ

اگر منظور از «نتورک مارکتینـگ»، (Network Marketing)، «بازاریابی شبکه ای»(۴)(NM) باشد که در مقوله تجارت الکترونیکی و استفاده از تکنولوژی

۱- سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net .

۲- استفتا از دفاتر همه مراجع و رساله دانشجویی، سؤال ۵۹۴.

۳- رساله دانشجویی، سؤال ۵۹۴.

۴- بازاریابی شبکه ای (NM) فرق دارد با بازاریابی چندسطحی (MLM). بازایابی چندسطحی شدیدا در معرض تبدیل شدن به دسـیسه هرمی است و در برخی کشورها مراجع قضایی و اقتصادی توصـیه می کننـد که MLM هم غیرقـانونی شود. مثلا در آمریکا اکثر MLM ها در لیست های سـیاه یا لیست های مشـکوک از سوی دولت قرار دارنـد؛ چون نفس فعالیت بازاریابی از نوع MLM می تواند به دسیسه هرمی مبدل شده و همان مفاسد و اختلالات اقتصادی را به وجود آورد. مزیت اصلی بازاریابی شبکه ای (NM) نسبت به روش سـنتی سرعت فروش و ارزان تر بودن کالاست و در واقع، شکل مدرن و جدیدی از بازاریابی سنتی است که در آن بازاریاب لزوما مشتری نیست و خریـدار نیز به عنوان مصـرف کننـده نهایی است و نه عضو جدیـد شـبکه (نک: مصاحبه دکتر کاتوزیان با روزنامه همشهری، ۹ اسفند، ۱۳۸۴).

اینترنت در تجارت می گنجد(۱)؛ از جهت سرعت عمل و... بسیار چیز خوبی است و از نظر شرع مقدس اسلام و قوانین جمهوری اسلامی، از این جهت هیچ اشکالی وجود ندارد؛ اما اشکالی که بعضی از فقها بر چنین تجارتی عنوان کرده اند، نداشتن بعضی از شرط های طرفین معامله (متعاقدین) است؛ زیرا در معامله شرط است که طرفین بیع (خریدار و فروشنده) عاقل، بالغ، دارای قصد و اختیار باشند(۲)؛ امّا در تجارت الکترونیک، چون حداقل یک طرف معامله کامپیوتر است و خریدار متاع مورد نظر خود را از دستگاهی که فاقد عقل و شعور و اراده و اختیار است، خریداری می کند؛ از این جهت چنین معامله ای را صحیح ندانسته اند.

البته اگر ثابت شود که در چنین معاملاتی کامپیوتر و تجهیزات الکترونیکی صرفاً ابزار و وسیله هستند که مقاصد یک فروشنده عاقل و بالغ و دارای اراده و اختیار را منتقل می کنند؛ فتوای دیگری درباره این نوع تجارت صادر می شود(۳)؛ کما این که هم اکنون بعضی از فقها کامپیوتر و تجهیزات الکترونیکی را صرفاً ابزار و وسیله می دانند ودر نتیجه چنین تجارتی را صحیح می دانند.

البته این در صورتی است که این نوع تجارت و بازاریابی، پوشش و بهانه ای برای شرکت های تجارتی هرمی که اشکالات آن ها بیان شد؛ نباشد.

سؤال: شرکت بازاریابی به نام quest موجود است که بر اساس فروش

۱- برای آگاهی بیش تر از مفهوم تجارت الکترونیک (نک: مقاله، نگاهی به مفهوم و موانع رشد تجارت الکترونیک در ایران، علیرضا ابراهیمی، روزنامه ایران، ۳دی، ۱۳۸۵).

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۳۹۶- ۳۹۷.

۳- گفت و گوی حضوری با حجت الاسلام مجید رضایی، استاد اقتصاد دانشگاه مفید.

اشخاصی شکل گرفته است و این افراد، عامل شرکت می شوند؛ به طوری که در صدد قانع کردن دیگران برای خرید تولیدات شرکت هستند و در مقابل آن مقداری پول دریافت می کنند؛ آیا چنین معامله ای با این شرکت حلال است؟ آیا کار بازار یاب ها حلال است؟

جواب آیت الله صافی گلپایگانی: به طور کلی دادن پول در مقابل دلالی فردی که مشتری را به صورت مستقیم معرفی می کند، تحت عنوان «جعاله» اشکال ندارد؛ اما چنانچه این گونه شرکت ها، هرمی و امثال گلد کوییست باشد؛ محل اشکال و اکل(تصرف) مال به باطل است(۱)

با توجه به نقش دلال ها در تورم و افزایش قیمت کالا، روش نوینی اتخاذ شده است که در این روش، شرکت تولید کننده، محصول را به طور مستقیم و به قیمت بازار، از طریق فروش اینترنتی به دست مصرف کننده می رساند و شرکت، از محل پول ما به التفاوت (آنچه به دلال ها می رسد)، طرح تشویقی برای مصرف کننده ایجاد می کند که فرضا اگر شخص تمایل داشت با تشویق دیگران به خرید از این سیستم، برای خود کسب درآمد کند و شرکت از این پول به بازاریابان خود، پورسانت پرداخت می کند، که گاهی این بازاریابان به چند لایه می رسند.

سؤال بنده در مورد نوعی بازاریابی و فروش مستقیم کالا می باشد که به شیوه زیر انجام می شود: در روند تولید و عرضه کالا در بازار سنتی، محصول پس از تولید (بر فرض، قیمت نهایی جنس تولید شده ۲۰۰ هزار تومان) به واسطه ها فروخته می شود و بعد از گذار از واسطه ها (تاجر ،عمده فروش، خرده فروش

۱- سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

و...) محصول با قیمتی بیش تر (بر فرض ۳۰۰هزار تومان) به دست مشتری می رسد.

حال با توجه به نقش دلال ها در تورم و افزایش قیمت کالا- روش نوینی اتخاذ شده است که در این روش تولید کننده، محصول را به قیمت بازار (همان۳۰۰هزار تومان)، از طریق فروش اینترنتی و با پست به دست مصرف کننده می رساند (فروش مستقیم بدون واسطه) و شرکت از محل پول ما به التفاوت که بر فرض ۱۰۰هزار تومان بود، طرح تشویقی برای مصرف کننده ایجاد می کند که فرضاً اگر شخص تمایل داشت با تشویق دیگران به خرید از این سیستم، برای خود کسب درآمد کند و شرکت از این پول به بازاریابان خود، پورسانت پرداخت می کند. گاهی هم شرکت از محل این پول، به چند لایه (مثلا ۱۰ لایه) پورسانت پرداخت می کند (بازاریابی شبکه ای قانونی) که اشخاص در این روش بازاریابی با به کار گیری گروه آموزشی و حمایتی می توانند مجموعه ای از فروشندگان را آموزش و برای خود کسب در آمد داشته باشند؛ کسب درآمد ناشی از این روش چه حکمی دارد؟

جواب اکثر مراجع تقلید: گرچه بازاریابی فی نفسه مانعی ندارد؛ اگر بر خلاف قوانین و مقررات باشد، جایز نیست. همچنین کسب درآمد ناشی از افزایش اعضا به صورت شبکه ای و هرمی، خواه از طریق عرضه کالا- یا خدمات و یا دریافت حق عضویت و یا بازاریابی و یا شیوه های مشابه دیگر (داخلی باشد یا خارجی و تحت هر نام و عنوانی) جایز نمی باشد.(۱)

۱- استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی و نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

معامله فارکس

«بـازار فـارکس» بـازاری است که در آن ارزهـای مختلف (ریال، دلار، یورو، پونـد، ین، دینار و....) معامله می شونـد. در این بازار، یک ارز را توسط ارز دیگری معامله می کننـد و کسـی که قصـد معامله دارد، اگر احساس کند که ارزش ارزی در حال افزایش اسـت، آن ارز را خریـداری می کنـد و هنگـامی که ارزش آن افزایش یـافت، به فروش آن می پردازد، یـا ارز گران را فروخته و پس از ارزان شدن مجدداً خریداری می کند و از این راه سود می برد.

چنین معـامله ای از قـدیم در میـان مردم مرسوم بوده و افراد صـاحب سـرمایه، شـخصاً به چنین معـامله ای اقـدام می کردنـد، یا شخص دیگری را به عنوان وکیل یا عامل خود قرار می دادنـد و از او می خواسـتند در مقابل حق العمل معین (اجرت) یا مجاناً چنین معـامله ای را برای آنـان انجـام دهـد و سود و زیان از آن صاحب سـرمایه باشـد. چنین معامله از نظر شـرع هیـچ اشـکالی ندارد؛ زیرا تمام شـرایط معامله را دارد و در ضـمن آن نیز هیچ شـرط مخالف شـرع نشده است. بنابراین، شرعاً این معامله جایز است.

امـا آنچه امروزه به عنوان «بـازار فـارکس» در اینترنت مطرح است، دارای اشـکالاتی است که موجب حرمت و عـدم جواز این نوع معاملات شده است. بعضی از این اشکالات عبارتند از:

۱. بسیاری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می کننـد و پایگاه یا وبلاگی به این نام برای خود ایجاد کرده اند، دارای هویت مشخصـی نیسـتند و هدف آن ها از این کار صـرفاً کلاهبرداری است و با این شیوه به تطمیع مردم پرداخته و سـرمایه آنان را غارت کرده و چون محل معلومی ندارنـد، مال باخته برای برای برگردانـدن هیـچ حق خود هیچ راهی نخواهد

ص: ۱۹۱

داشت و همه سرمایه خود را از دست خواهد داد.

۲. بخش دیگری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می کنند؛ هر چند دارای هویت مشخصی هم باشند و در پایگاه اینترنتی معاملات سفارش شده توسط صاحب سرمایه را روز به روز در صفحه مخصوص او نمایش دهند (و او نیز به گمان این که این گزارش واقعی است به آنان اطمینان می کند)؛ در حقیقت این یک نمایش صوری بیش نبوده و واقعیت ندارد؛ زیرا آنان اموال سرمایه گزار را جای دیگری مثل قاچاق، سرمایه گذاری کرده اند. این قسم از معاملات فارکس قطعا شرعی نیست؛ زیرا جدا از اشکالات دیگر به شرط سرمایه گذار که صاحب مال است و شرط کرده که سرمایه اش در خرید و فروش ارز به کار گرفته شود؛ عمل نشده است.

۳. بخش دیگری از کسانی که خود را در محیط اینترنت به عنوان کارگزار بازار فارکس معرفی می کنند؛ اگر چه دارای هویت مشخصی هم باشند و حقیقتاً هم معامله ارز انجام می دهند؛ در ضمن قرار داد خود با صاحبان سرمایه، شرط هایی مطرح می کنند که آن شرط ها خلاف شرع است (مثل این که شرط می کنند در زمان هایی که معامله ای در کار نیست، این سرمایه را به صورت ربوی به بانک یا مؤسسه ای قرض داده و سود دریافت کنند) و موجب بطلان قرار داد می شود؛ زیرا در ضمن آن شرط حرام شده است. بنابراین، کار کردن با چنین بازاری نیز حرام است.

بنابراین، معاملات فارکسی که امروزه از طریق اینترنت انجام می گیرد، اگر تمام شرایط معامله در آن رعایت شود؛ یعنی هم هویت کارگزار احراز شود و هم اطمینان حاصل شود که کارگزار مطابق خواست صاحب سرمایه معاملات را مترتب می کند و از جهت قوانین کشوری نیز مقررات ورود و خروج سرمایه

ص: ۱۹۲

رعایت شود و قراردادهای جانبی نیز مشروع باشد؛ شرعاً جایز است.

نظر بعضی از مراجع تقلید در مورد بازار فارکس در ذیل آورده می شود:

حضرت آیت الله خامنه ای: مبادله ارزی با ارز دیگر که همجنس نیستند، چنانچه منع قانونی در میان نباشد، اشکال ندارد و سود حاصل نیز حلال است؛ ولی اعتبار دادن کارگزاران به سرمایه معامله گر اگر به عنوان قرض دادن به معامله گر باشد که قهراً با دریافت سود همراه است؛ در این صورت، چنین معامله ای از طرف کارگزار برای معامله گر صورت شرعی ندارد.

آیت الله سیستانی: اجازه ورود به چنین معاملاتی وجود ندارد.

آیت الله صافی گلپایگانی: از آن جا که معامله در بازار مذکور صوری است؛ معاملات واقع در آن صحیح نمی باشد.

آیت الله مکارم شیرازی: با توجّه به این که فارکس شرایط شرعیّه معاملات را ندارد، جایز نیست.(۱)

احکام بانکی

تسهیلات بانکی

سوال: آیا جایز است تسهیلاتی را که بانک برای استفاده خاصی مانند تعمیر، خرید و ساخت خانه به اشخاص و اگذار می کند، در کارهای دیگر مصرف کرد؟

۱- استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی، صافی توسط سایت اسلام کوئست؛www.islamquest.net .

جواب: خیر، حق ندارد آن را در غیر کار معین شده، مصرف کند.(۱)

حکم دیرکرد

سوال: آیا گرفتن خسارت «دیرکرد» تسهیلات توسط بانکها، جنبه شرعی دارد؟

جواب: گرفتن خسارت تأخیر پرداخت، جایز نیست.(۲)

حکم کاهش ارزش پول

سوال: از دیدگاه برخی از متخصصان و کارشناسان اقتصادی، بدهکار، ضامن کاهش ارزش پول است و باید آن را جبران کند و این امر نزد آنان ربا محسوب نمیشود؛ آیا کارشناسی آنان، میتواند معیار قرار گیرد؟

جواب: خیر؛ احکام شرعی بر محور موضوعاتی دور میزنـد که از عرف مردم گرفته شود. نظر برخی کارشـناسان اقتصادی (هر چند محترم است) نمیتواند معیار احکام شرعی قرار گیرد.(۳)

۱- استفتائات امام خمینی، ج ۳، امور بانکی، سوال ۲؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۷۹۰؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سوال ۱۶۹۹؛ استفتا از دفاتر حضرات آیات وحید، سیستانی، نوری و صافی و رساله دانشجویی، سوال، ۵۹۸.

۲- رساله دانشجویی، سوال ۵۹۸؛ استفتائات امام خمینی، ج ۲ دین، سوال ۵؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سوال ۱۹۹۵؛ سایت آیت الله سیستانی، Sistani.org، قرض و بانک؛ استفتا از دفتر حضرات آیات وحید، نوری و خامنه ای. بنابر فتوای آیت اللّه صافی: «خیر؛ گرفتن خسارت تأخیر پرداخت، جایز نیست ؛ مگر این که در ضمن عقد لازم شرط شود و برای مهلت و تأخیر در مطالبه نباشد» (صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۹۹۵). بنابر فتوای آیت اللّه مکارم: «جریمه دیر کرد، اگر به معنای سود اجباری باشد، جایز نیست ؛ ولی اگر جنبه تعزیر از سوی حکومت داشته و به صورت عادلانه باشد و یا در ضمن عقد لازم جداگانه ای شرط شده باشد، جایز است» (استفتائات آیت الله مکارم، ج ۱، سؤال ۶۶۳ و ج ۲، سوال ۱۷۰۲).

۳- استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سوال ۱۶۹۳؛ استفتا از دفتر تمام مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۱.

سوال: شخصـی ده سال پیش مبلغی را به دیگری قرض داده ؛ آیا جایز است به عنوان تورم و کاهش ارزش پول، بیش تر از آن از او بگیرد؟

جواب: خیر؛ جایز نیست بیش تر از مقدار قرض، از او دریافت کند.(۱)

سوال: آیا در کاهش ارزش پول، بین قرض، مهریه، مضاربه، خمس و سایر موارد تفاوتی هست؟

جواب: تفاوتی میان اقسام بدهیها نیست.(۲)

حکم رضایت پرداخت سود

سوال: کسی که قرض می گیرد، چنانچه سود آن را با رضایت کامل بدهد، آیا باز حرام است؟

۱- رساله دانشـجویی، سوال ۵۹۹؛ سایت آیت الله سیسـتانی، Sistani.org، مهریـه و قرض ؛ اجـوبه الاسـتفتائات آیت الله ؟، سوال۱۷۷۲ ؛ اسـتفتائات آیت الله نوری، ج ۲، سوال ۴۴۶ و اسـتفتا از دفتر آیت الله وحیـد. بنابر فتوای آیت الله خامنه ای: «خیر؛ طلبکار تنها بایـد اصل طلب خود را دریافت کنـد و حق ندارد قیمت کاهش ارزش پول را بگیرد؛ مگر آن که فاصـله طولانی و تفاوت فاحش باشد که در این صورت بنا بر احتیاط واجب، باید مصالحه کنند» (استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۲۲۷). نیز بنابر فتوای آیه اللّه صافی: «خیر؛ جایز نیست بیش تر از مقدار قرض از او دریافت کند ؛ ولی اگر قرض دهنده، مطالبه می کرده و قرض گیرنـده با وجود قـدرت بر پرداخت بـدهی خود، کوتاهی کرده است ؛ بایـد ضـرر قرض دهنده را از این جهت جبران کنـد و احتیـاط آن است که بـا هم مصـالحه کننـد» (صافی، جامع الاحکام، ج ۲، سؤال ۱۹۶۵). نیز بنابر فتوای حضـرات آیات مکارم و نوری: «اگر فاصـله زمانی به قـدری زیاد باشد که ارزش پول فوق العاده کاهش یابد؛ به طوری که در نظر عرف ادای قرض محسوب نشود (ماننـد بدهکاری های مربوط به ده، بیست سال قبل) باید معادل روز در نظر گرفته شود، یا لااقل مصالحه گردد» (استفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤالات ۶۳۶ و ۶۳۷ و استفتائات آیت الله ؟، ج ۱، سؤالات ۶۵۷، ۶۵۹).

۲- رساله دانشـجویی، سوال ۶۰۰؛ سایت آیت الله سیسـتانی، Sistani.org، مهریه؛ اسـتفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤالات ۶۳۶ و ۶۳۷؛ اسـتفتائات آیت الله مکـارم، ج ۲، سؤال ۱۶۹۰؛ آیت الله صـافی، جـامع الاحکام، ج ۲، سؤالات ۱۲۹۶ و ۱۲۹۷ ؛ استفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۲۲۷ و استفتا از دفتر آیت الله وحید.

جواب: اگر در آن، شرط سود شده باشد، حرام است و رضایت دو طرف آن را حلال نمیکند؛ اما اگر بدون شرط، خود قرض گیرنده مقداری زیادتر پس بدهد، اشکال ندارد ؛ بلکه مستحب است.(۱)

حکم گرفتن سود پول

سوال: آیا شخص می تواند نزد دیگران پول بگذارد و هر ماه سود آن را دریافت کند؟

جواب: اگر سپردن اموال نزد دیگران، تحت عنوان یکی از عقدهای صحیح با رعایت شرایط شرعی باشد، اشکال ندارد؛ ولی اگر به عنوان قرض باشد و در آن شرط سود شود، ربا و حرام است.(۲)

حکم گرفتن کارمزد

سوال: گرفتن درصد بسیار کم (مانند ۱ ٪) به عنوان کارمزد توسط صندوقهای قرض الحسنه، به منظور تأمین مخارج صندوق، چه حکمی دارد؟

جواب: گرفتن بهره وام (کم باشد یا زیاد) حرام است ؛ هر چند به اسم کارمزد باشد؛ اما اگر آنچه گرفته میشود، در حقیقت برای مخارج صندوق و حقوق کارمندان باشد (به مقدار متعارف)، با توافق دو طرف اشکال ندارد.(۳)

۱- توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۲۸۳؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۳۳۵؛ توضیح المسائل آیت الله نوری، مسئله ۲۲۷۷ و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۲.

۲- اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۷۷۴؛ استفتا از دفتر تمام مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۳.

۳- اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۷۸۶؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج۱، ص ۶۶۵ و توضیح المسائل مراجع، مسئله ۴۲۷؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۱، سؤال ۵۷۶ و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۴. فتوای حضرات آیات سیستانی، صافی و وحید: «گرفتن کارمزد حرام است؛ هر چند آنچه گرفته می شود، در حقیقت برای مخارج صندوق و حقوق کارمندان باشد» (آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، سؤال ۱۲۸۵).

حکم تبدیل قرض به طلا

سوال: آیا جایز است مبلغی پول، به کسی داده شود و آن را به قیمت طلا محاسبه کند و هنگام پرداخت بدهی، بر اساس نرخ روز طلا محاسبه شود؟

جواب: چنانچه پول را به او قرض داده، نمی تواند بیش از آن مقدار طلب نموده، آن را با نرخ روز طلا ـ محاسبه و دریافت کند؛ اما اگر نرخ روز طلا معلوم بوده و با آن پول از گیرنده پول، طلا خریده باشد [که طلا را در آینده بدهد] بر فروشنده واجب است، همان طلا را بپردازد.(۱)

حکم خرید و فروش ارز

سوال: خرید و فروش ارز با تفاوت قیمت، به صورت نقد و نسیه چه حکمی دارد؟

جواب: خرید و فروش ارز اشکال ندارد.(۲)

حکم عیدی مشتریان

سوال: شخصی در اداره دولتی به مناسبت فرا رسیدن سال نو، به کارمندان عیدی میدهد، یا مبلغی را با رضایت و بدون قرار قبلی و به عنوان تشویق به

۱- استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سوال ۷۷۸ ؛ توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۱۱۱ ؛ توضیح المسائل آیت الله ؟، مسئله ۲۱۳۹ ؛ استفتا از دفترتمام مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۷.

۲- توضیح المسائل آیت الله سیستانی، عملیات بانکی، مسئله ۲۶ ؛ توضیح المسائل آیت الله ؟، مسئله ۲۴۳۲ ؛ توضیح المسائل آیت الله ؟، مسئله ۲۱۰۳ ؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، س۱۹۹۸ ؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۶۰۳ و رساله دانشجویی، سوال ۶۰۸.

کارمندی که برایش کار را انجام داده، میپردازد؛ آیا گرفتن آن جایز است؟

جواب: در فرض یاد شده، دادن و گرفتن این پول اگر مخالف مقررات نظام نباشد؛ اشکال ندارد.(۱)

حکم جوایز بانکی

جایزه هایی که بانک ها یا غیر آن ها برای تشویق قرض دهنده می دهند، یا موسسات دیگر برای تشویق خریدار و مشتری می دهند، با قرعه کشی حلال است.(۲)

حکم آموزش کارهای تولیدی حرام

سوال: حکم آموزش کارهای حرام و تولید اجناس و لوازمی که در امور حرام استفاده می شود؛ چیست؟

جواب: آموزش کارهای حرام و تولید اجناس و لوازمی که در امور حرام استفاده می شود؛ حرام است.(۳)

۱- جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سوال ۱۵۴۳؛ دفتر همه مراجع و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۱ . فتوای آیه اللّه خامنه ای: بر کارمندان جایز نیست این نوع هدایا را به هر عنوانی که باشد، از ارباب رجوع دریافت کنند ؛ مگر آن که هدیه دهنده با اصرار زیاد و با امتناع کارمند، به نحوی آن را اهدا کند (آن هم بدون مذاکره و چشم داشت قبلی) (اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای ، سؤالات ۱۲۴۳ و ۱۲۴۴).

۲- توضیح المسائل امام خمینی، معاملات بانکی، مسئله۲۸۵۶؛ استفتائات آیت الله مکارم، ج ۲، سؤال ۱۶۹۵ ؛ جامع الاحکام آیت الله صافی، ج ۲، سؤالات ۱۹۸۹ و ۲۰۰۴ ؛ توضیح المسائل آیت الله وحید، مسئله ۲۸۶۲ ؛ سیستانی، توضیح المسائل، جوایز بانک، مسئله ۲۴ وسایت آیت الله Sistani.org،قرض ؛ استفتائات آیت الله نوری، ج ۲، سوال ۴۷۶؛ اجوبه الاستفتائات آیت الله خامنه ای، سوال ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ و رساله دانشجویی، سوال ۶۱۲ .

۳- استفتای پیامکی از دفتر حضرات آیات خامنه ای، مکارم شیرازی، نوری و شبیری، در تاریخ ۵/۱۲/۹۳.

احکام دلالی و سمساری

تعریف دلالی: «دلالی» وساطت در خرید و فروش است و از آن به «سمساری» نیز تعبیر شده است.

دلالی کردن، مشروع و گرفتن اجرت بر آن جایز است.(۱)

مسئله: اجرتی که دلال می گیرد، اگر در برابر انجام دادن عمل مباحی و بنا به درخواست کسی باشد؛ اشکال ندارد.(۲)

هرگاه بازرگانی، کالایی را برای فروش، در اختیار دلال بگذارد و قیمت آن را مشخص کند و بگوید که هرچه بیش تر فروختی از آنِ خودت باشد، دلال نمی تواند آن را به «بیع مرابحه» بفروشد؛ چون شرط بیع مرابحه اخبار از قیمت خرید کالا است؛ در حالی که دلال آن کالا را نخریده تا مشتری را از قیمت خرید آن مطلع سازد؛ لیکن اگر دلال، خریدار را از قیمت مشخص شده آگاه سازد و کالا را به بیش تر از آن بفروشد، معامله صحیح است؛ هرچند بیع مرابحه نخواهد بود. البته در این صورت، در این که دلال مستحق مبلغ مازاد خواهد بود، یا آن که آن مبلغ به عنوان بهای کالا به مالک برمی گردد؛ اختلاف است.

بنابر فتوای اکثر مراجع، وکالت و وساطت حضری (اهل محل) برای فروش کالای بادیه نشین، بلکه هر فرد غیر بومی که برای فروش کالای خود وارد شهر یا روستا می شود؛ مکروه است، و برخی آن را حرام دانسته اند.(۳)

حکم اجرت دلالی

«اجرت دلالی» در قالب اجاره یا جعاله تعیین و به دلال پرداخت می گردد و

۱- تحریر الاحکام،ج۲،ص۲۶۸.

۲- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله خامنه ای؛ www.mojtabatehrani.ir .

۳- جواهر الکلام، ج۲۲، ص ۴۶۱.

در صورت عدم تعیین، دلال مستحق دریافت اجرت المثل خواهد بود.

اجرت دلالی، در صورتی که دلال، عمل را مجانی انجام نداده باشد، بر عهده کسی است که این کار را به او واگذار کرده است. بنابراین، هرگاه فردی، فروش کالایی و فردی دیگر خرید کالایی دیگر را بر عهده دلالی بگذارد؛ باید هر دو جداگانه اجرت او را بدهند.(۱)

دستمزد دلالی با اقاله و فسخ معامله از بین نمی رود.(۲)

حکم ضامن بودن دلال

دلال، امین است. بنابراین، چنانچه مال در دست او تلف شود، در صورتی که در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست و در فرض اختلاف بین او و صاحب مال در صورت کوتاهی نکردن در نگهداری، ادعای دلال همراه با قسم مقدم می گردد؛ مگر آن که صاحب مال شاهد بیاورد.(۳)

حکم دلالی و واسطه گری در معاملات حرام

سوال: حکم دلالی و واسطه گری در معاملات حرام چیست؟

جواب: دلالی و واسطه گری در معاملات حرام، حرام و گناه است و درآمد آن نیز حرام است، و باید پولی را که برای این کار گرفته، به صاحبش برگرداند.(۴)

۱- همان، ج ۲۵، صص ۸۸- ۹۲.

۲- همان، ج ۲۴، ص ۳۵۷.

۳- همان، ج ۲۵، ص ۹۳.

۴- استفتای پیامکی از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، مکارم شیرازی، شبیری، نوری و صافی، درتاریخ ۳/۱۲/۹۳.

مسائل متفرقه خرید و فروش

حکم معامله با معصیت کار و گناه کاری که پول آن ها از طریق حرام به دست می آید، چیست؟

به نظر اکثر مراجع تقلید معامله با چنین شخصی جایز نیست؛ ولی در صورتی که این فرد درآمدهای حلالی هم دارد و نمی دانید آنچه در اختیار شما قرار داده از اموال حرام است یا حلال؛ معامله با او اشکال ندارد و تصرف در آن برای شما جایز است. نظر آیت الله سیستانی آن است که اگر معامله صحیح باشد، پول آن حلال است.(۱)

مسئله: اگر انسان نداند معامله ای که کرده، صحیح است یا باطل؛ نمی تواند در مالی که گرفته تصرّف نماید؛ ولی چنانچه در موقع معامله، احکام آن را می دانسته و بعد از معامله شک کند، تصرّف او اشکال ندارد و معامله صحیح است.(۲)

ص: ۲۰۱

۱- استفتا از دفاتر حضرات آیات خامنه ای، سیستانی، مکارم شیرازی و نوری همدانی، توسط سایت اسلام کوئست؛ www.islamquest.net.

۲- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «اگر انسان نداند معامله ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی تواند در مالی که گرفته، تصرّف نماید؛ ولی می تواند معامله را انجام دهد و قبل از تصرّف در مال، حکم آن را سؤال کرده، مطابق آن عمل کند؛ ولی اگر در موقع معامله احکام آن را می دانسته و بعد از معامله شک کند صحیح انجام داده یا نه؟ معامله او صحیح است.» بنابر فتوای حضرات آیات صافی و وحید: «اگر انسان به دلیل ندانستن مسئله نداند معامله ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی تواند در مالی که گرفته، تصرف نماید.» بنابر فتوای آیت الله سیستانی: «اگر انسان نداند معامله ای که کرده صحیح است یا باطل، نه در مالی که گرفته است می تواند تصرف نماید و نه در مالی که تحویل داده است؛ بلکه باید مسئله را یاد بگیرد یا احتیاط کند؛ هرچند با مصالحه باشد؛ ولی اگر بداند طرف راضی به تصرّف در آن است، هرچند معامله باطل باشد، تصرّف جایز است.» بنابر فتوای آیت الله زنجانی: «اگر انسان نداند معامله ای که پیش تر انجام داده، صحیح است یا باطل، حکم به صحّت معامله می شود و می تواند در مالی که گرفته تصرّف نماید» (توضیح المسائل مراجع، مسئله ۲۰۵۲).

مسئله: اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید، باید تمام چیزهایی را که به واسطه آن ها قیمت مال کم یا زیاد می شود، بگوید؛ اگر چه به همان قیمت، یا به قیمت کم تر از آن بفروشد؛ مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.(۱)

مسئله: اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید: این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی مال خودت باشد؛ هرچه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال دلّال است و نیز اگر بگوید: این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید: قبول کردم؛ یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد؛ هرچه زیادتر از آن قیمت بفروشد؛ مال خود اوست.(۲)

مسئله: اگر قصاب به مشتری بگوید: «گوشت نر می فروشم»؛ امّا به جای آن،

۱- بنابر فتوای حضرات آیات سیستانی، صافی و وحید: «اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید، باید همان تمام چیزهایی را که به واسطه آن ها قیمت مال کم یا زیاد می شود، بگوید؛ اگر چه به همان قیمت یا به قیمت کم تر از آن بفروشد؛ مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه و چنانچه بعضی از آن خصوصیات را نگوید و بعداً مشتری بفهمد، می تواند معامله را به هم بزند» (همان، مسئله ۲۱۳۷).

۲- بنابر فتوای حضرات آیات صافی و سیستانی: «اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید: این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه زیادتر فروختی اجرت فروشت باشد؛ هرچه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال صاحب مال است و فروشنده فقط می تواند مزد زحمت خود را از صاحب مال بگیرد؛ ولی اگر زیادتی را به عنوان جعاله برای او قرار دهد، صحیح است و هرچه زیادتر فروخت، مال اوست، نه مال صاحب مال و نیز اگر بگوید: این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید: قبول کردم یا به قصد فروختن، جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد؛ هرچه زیادتر از آن قیمت بفروشد، مال خود اوست. فتوای حضرات آیات وحید، زنجانی و نوری در این مسئله دارای تفصیلاتی است که به رساله آنان مراجعه شود (همان، مسئله ۲۱۳۸).

گوشت ماده بدهد، معصیت کرده است. پس، اگر آن گوشت را معین کرده و گفته است: «این گوشت نر را می فروشم»؛ امّا غیر آن را فروخت، مشتری می تواند معامله را به هم بزند؛ امّا اگر آن را معین نکرده، در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود، قصاب باید گوشت نر به او بدهد.(۱)

مسئله: اگر مشتری به بزاز بگوید: «پارچه ای می خواهم که رنگ آن نرود»؛ و بزاز پارچه ای به او بفروشد که رنگ آن برود، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.(۲)

ص: ۲۰۳

۱- بنابر فتوای آیت الله مکارم: «هرگاه قصاب گوشت ماده را به اسم گوشت نر بفروشد؛ چنانچه آن گوشت را معین کرده و گفته است: "این گوشت نر را می فروشم"؛ مشتری می تواند معامله را فسخ کند و اگر معین نکرده، مشتری حقّ دارد آن را برگرداند و گوشت نر بگیرد» (همان، مسئله ۲۱۳۹).

۲- همان، مسئله ۲۱۴۰.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. شیخ صدوق ، ثواب الاعمال ، دارالشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم ، ۱۴۰۶ق

۴.ابن حنیفه نعمان، دعائم الاسلام، قاهره، نشر دارالمعارف. (۱۳۸۹ ه ق).

۵.محدث نوری،مستدرک الوسائل، مدرسه آل البیت لاحیاء التراث. (۱۴۰۸ ه ق).

۶. سید مجتبی حسینی،رساله دانشجویی، نشر معارف، تنظیم و نظارت، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

۷. خراسانی، حسین وحید ،توضیح المسائل(وحید)دریک جلد، مدرسه امام باقر علیه السلام. قم، نهم ،(۱۴۲۸ ه ق).

۸. خمینی، سید روح الله موسوی - مترجم: اسلامی ، علی ،تحریرالوسیله- ترجمه ،۴ جلد ، دفتر انتشارات اسلامی. وابسته به جامعه مدرسین قم ، قم - ایران ، ۲۱، ۱۴۲۵ ه ق

۹.سیّدحسن امامی، حقوق مدنی ، تهران ۱۳۶۸ش .

۱۰.زین الدین بن علی شهید ثانی ، الرعایه فی علم الدرایه ، چاپ عبدالحسین

محمد علی بقّال ، قم ۱۴۰۸.

۱۱.سید عبدالحسین دستغیب، گناهان کبیره، انتشارات جامعه مدرسین قم، سال ۸۶،

۱۲.کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، دار الحدیث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق.

۱۳.شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی ا کبر، دفترانتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.

۱۴.شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت(علیهم السّلام) ، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۱۵. امام خمینی، توضیح المسائل)محشّی(، دفتر انتش ارات اسلامی، قم، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ ق.

۱۶.طاهری، حبیب ا لله، حقوق مدنی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۸ ه ق.

۱۷.. ابن ادریس حلّی، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، محقق و مصحح: موسوی، حسن بن احمد، ابن مسیح، ابو الحسن، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۱۸.موسوعه الفقهیه، شیخ محمد علی انصاری، ناشر: مجمع فکر اسلامی، چاپ اول،۱۴۲۷ ، چاپخانه، ظهور قم.

۱۹.ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب، قم، نشر حوزه، ۱۴۰۵ ق.

۲۰.زبیدی، تاج العروس، تحقیق علی شیری، دارالفکر، بیروت

۲۱.طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.

۲۲.نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۶۲ .

۲۳.دایره المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدر حاج سید ج وادی و کامران فانی وبها ءالدین خرمشاهی، ج ۲، نشر سازمان دایره المعارف تشیع، تهران: ۱۳۶۸ ش.

۲۴.شهید ثانی، زین الدین عاملی، الروضه البهیه، قم، انتشارات داوری، ۱۴۱۰ ق؛

۲۵.ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل ب ن عمر، البدایه و النهایه، ج ۸، بی روت: دارالفکر،۱۹۸۶ .

ص: ۲۰۵

۲۶.محقق حلّی ، جعفر بن حسن ، شرایع الاسلام ، تهران : انتشارات استقلال ، ۱۴۰۹ ق ؛

۲۷.المختصر النافع ، محقق حلی ، دار الاضواء ، بیروت.

۲۸.زین الدین العاملی (معروف به شهید ثانی)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه والرّوضه البهیّه .

۲۹.قمی ، سفینه البحار، کتابخانه سنائی ، تهران

۳۰.محمد رضا حکیمی و محمد حکیمی و علی حکیمی ، الحیاه ، جلد ۵، الفصل الرابع عشر: الربا، سحق ، جبار ، تهران : دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، ۱۳۷۴ ش .، ص ۴۰۹.

۳۱.تنبیه الخواطر و نزهه النوادر : المعروف بمجموعه ورام تالیف ابی الحسین ورام بن ابی فراس المالکی الا شتری مشخصات نشر : تهران مرکز فرهنگی انتشاراتی رایحه ۱۳۷۸.

۳۲.مجلسی ، بحارالانوار ،بیروت ، مؤسسه الوفاء ، ۱۴۰۴.

۳۳.فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السّلام) ، زیر نظر محمود هاشمی شاهرودی .قم ، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت(علیهم السّلام) .

۳۴.مهذب الاحکام فی بیان حلال والحرام ، عبد الاعلی الموسوی السبزواری .قم ، دار التفسیر ، – ۱۳۸۸.

۳۵.طوسی ، محمدبن حسن ، المبسوط ، تهران : المطبعه الحیدریه ، ۱۳۷۸ ق ؛

۳۶.امام خمینی ، استفتائات ، دفترانتشارات اسلامی ، قم ، پنجم ، ۱۴۲۲ ه ق .

۳۷.معانی الاخبار ، شیخ صدوق (ابن بابویه) ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی ؛ مترجم عبدالعلی محمدی شاهرودی .تهران ، دارالکتب .

۳۸.مسکن الفؤاد عند فقد الأحبّه والأولاد.

۳۹.علامه حلی ، قواعد الاحکام ، موسسه نشر الاسلامی ، ۱۴۱۳ ه ق.

۴۰.استفتائات جدید ، ناصر مکارم شیرازی ، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب (علیه السّلام)، چاپ دوم ، ۱۴۲۷ ق .

ص: ۲۰۶

۴۱.خیاط عبدالرحیم، الانتصار، به کوشش نیبرگ، بیروت ۱۹۸۷ – ۱۹۸۸ م؛

۴۲.ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجم ه: شیخی، حمیدرضا، انتشارات دارالحدیث، قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.

۴۳.متقی الهندی، علاء الدین علی، کنزالعمال فی س نن الاقوال و الافعال ، تصحیح صفوه السقا، بیروت: الرساله، ۱۹۸۹.

۴۴.صدوق، الأمالی، قم: تحقیق: قسم الدراسات الإسلامیه - مؤسسه البعثه – ۱۴۱۷ .

۴۵.. أجوبه الاستفتائات، سید علی حسینی خامنه ای، دفتر معظم له، قم، چاپ اول،۱۴۲۴ ق.

۴۶.رساله نوین امام خمینی.

۴۷.محمدکاظم ب ن عبدالعظیم طباطبائی یزدی ، العروه الوثقی ، قم ۱۴۱۷ ، ۱۴۲.

۴۸.توضیح المسائل، ناصر مکارم شیرازی، انتشارات مدرسه امام عل بن ابیطالب (علیه السّلام)، چاپ ۵۲ ، ۱۴۲۹ ق.

۴۹.سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، قم: مکتب آیت الله العظمی السیدالسیستانی، ۱۴۱۴ ق؛

۵۰.کلمه التقو ی.

۵۱.جامع الاحکام، لطف ا الله صافی گلپایگانی، انتشارات حضرت معصومه (علیهاالسّلام)، چاپ چهارم ، ۱۴۱۷ ق

۵۲.استفتائات آیت الله نوری همدانی از نرم افزار فقه اهل بیت(علیهم السّلام)

۵۳.توضیح المسائل آیت الله نوری،

۵۴.تحریر الاحکام.

ص: ۲۰۷

منابع اینترنتی

۱.www .anhar.ir

۲.www.tebyan.net

۳. www.modiryar.com.

۴. www.sistani.org

۵.www.islamquest.net

۶. fa.wikipedia.org/wiki.

۷. gooni.ir.

۸.www .anhar.ir

۹.isna.ir

۱۰.daneshnameh.roshd.ir.

۱۱. www.wilayah.net

۱۲.www.mojtabatehrani.ir.

ص: ۲۰۸

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹